مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

تربیت الگویی زنان در قرآن

هادی حسین خانی

بسم الله الرحمن الرحیم

تربیت الگویی زنان در قرآن

نویسنده:

هادی حسینخانی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

تربیت الگویی زنان در قرآن

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور:تربیت الگویی زنان در قرآن/نویسنده هادی حسین خانی

مشخصات نشر:تهران: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۲

مشخصات ظاهری:۲۰۴ ص

وضعیت فهرست نویسی:در انتظار فهرستنویسی (اطلاعات ثبت)

یادداشت:چاپ اول

شماره کتابشناسی ملی:۳۳۴۴۴۴۵

ص: ۱

دیباچه

توجه به جنبه های گوناگون زندگی زنان از دیدگاه قرآن کریم بسیار اهمیت دارد. قرآن تنها به جهت داستان سرایی و قصه گویی و بیان تاریخ به این مسأله اشاره ندارد، بلکه می کوشد در قالب آن ها، شیوه زندگی درست یا نادرست را به زنان هر جامعه ای نشان دهد تا زنان افزون بر دریافت تجربه از پیشینیان، عبرت آموزی را نیز پیشه زندگانی خود سازند. از این رو، قرآن برای به کمال رساندن استعدادهای زنان به ارایه نمونه هایی می پردازد تا ایشان با قدم نهادن در آن مسیر، راه سعادت را با اطمینان بپیمایند.

این کتاب آسمانی برای هدایت و تربیت بانوان، با بیان سرگذشت تلخ و شیرین از زنان نام آشنای تاریخ و تمجید ضمنی جنبه های مثبت و تقبیح مظاهر منفی رفتار آنان، زنان را به پیروی از الگوهای شایسته فرا خوانده و آنان را از پیمودن راه ناصواب نمونه های ناپسند بر حذر می دارد.

پژوهشگر ارجمند جناب حجت الاسلام و المسلمین هادی حسین خانی کوشیده است با استفاده از ظواهر آیات، توجه به موارد اتفاق میان مفسّران و بهره گیری از روایات به عنوان مؤید ظواهر قرآنی، به موضوع تربیت الگویی زنان بپردازد. انتظار می رود این پژوهش که به زاویه های گوناگون تربیت الگویی زنان می پردازد، مورد توجه برنامه ریزان و برنامه سازان رسانه قرار گیرد. امید می بریم که ایشان با بهره گیری از این پژوهش، الگوهای

تربیتی مورد نظر و مناسب با ویژگی های جنسی، سنی و موقعیتی مخاطبان را سرلوحه فعالیت های برنامه سازی خود قرار دهند و با استفاده از شیوه های نوین و جذاب هنری و رسانه ای الگوهای ارایه شده را در قالب های فیلم، سریال و انیمیشن بازآفرینی کنند.

اگرچه شمار زنانی که به سرگذشت آنان در این پژوهش اشاره می شود از نظر کمی زیاد نیست، ولی هر کدام، ظرفیت ها و ظرافت های ویژه ای دارند که می توانند مبنای برنامه سازی های تازه قرار گیرد، به گونه ای که هرگونه استفاده اعتقادی، عبادی، تربیتی، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دور از ذهن به نظر نمی آید. در هر حال، بیان رسانه ای الگوهای تربیتی قرآن برای دختران مسلمان و حتی غیرمسلمان، راهکاری بسیار مؤثر در تربیت زنان و مادران آینده جامعه خواهد بود.

این گفتنی است این اصل حاصل همکاری مشترک مرکز پژوهش های اسلامی و مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی بوده که با همکاری کارشناسان مرکز به بار نشسته است. با سپاس از دست اندر کاران پژوهش این مراکز پژوهشی، امید می بریم در پرتو تعامل علمی، شاهد شکوفایی آثار مشترک دیگری نیز باشیم.

انّه ولی التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

ص: ۲

پیش گفتار

قرآن کریم از روش هـای گونـاگونی برای تربیت انسان ها اسـتفاده کرده است. در بین این روش ها، روش الگویی که بر ارایه الگو برای ایجـاد یـا تغییر رفتـار مبتنی است، از اهمیت خاصـی برخوردار است؛ زیرا بامشاهـده الگو، فرآینـد تربیت در متربّی با سهولت بیشتری انجام می شود.

از سوی دیگر، زنان به عنوان نیمی از پیکر اجتماع، نقش تربیتی مهمی در تربیت کل جامعه بر عهده دارند، زیرا بیشترین بخش فرآینـد تربیت، در دوران کودکی و در دامـان مـادران صورت می گیرد. بنـابراین، لازم است به پرورش زنان در ابعاد مختلف، توجه خاصـی شود. پژوهش حاضر بر آن است که به منظور تربیت همه جانبه زنان بر اساس آموزه های انسان ساز قرآن کریم، آنان را با الگوهای مورد نظر قرآن آشنا ساخته و با تربیت الگویی، راه پرورش زنان را در ابعاد گوناگون هموارتر کند.

این پژوهش شامـل پنـج بخش است. در بخش اول، کلیات تحقیق مطرح شـده است. بخش دوم، شامل تربیت الگویی زنان در ابعاد اعتقادی و عبادی بوده و بخش سوم نیز به تربیت الگویی زنان در بعـد اخلاقی و پرورش فرزنـد، اختصاص یافته است. در بخش چهارم، تربیت الگویی زنان در ابعاد اجتماعی، مورد توجه قرار گرفته و در آخرین بخش نیز از

یافته های تحقیق در فصول گذشته، نتیجه گیری شده و پیشنهادهای نظری و کاربردی نیز مطرح گردیده است.

این تحقیق در پی آن است که با مراجعه به آیاتی از قرآن کریم که شامل داستان هایی در مورد زنان است، از نکات تربیتی ای که می تواند از جنبه های مختلف دینی، اجتماعی، اخلاقی و تربیتی برای همه زنان، سازنده باشد، استفاده نموده و الگویی کامل از زن مورد نظر قرآن کریم را به نمایش گذارد و راه تربیت زنان را با ارایه این الگوها هموار کند.

امید است که با انجام این تحقیق، قدم کوچکی به سوی شناخت ابعاد تربیتی ارزنده قرآن کریم برداشته شود و خداوند متعال با لطف بی انتهای خود، این عمل ناچیز را بپذیرد.

ص: ۴

بخش اوّل: کلیّات تحقیق

اشاره

ص: ۵

در این بخش به تبیین واژه های به کار رفته در موضوع تحقیق به صورت تحلیلی و سپس ترکیبی می پردازیم.

تربیت

واژه تربیت که از نظر لغوی به معنی پرورانیدن، پروردن، آموختن، تأدیب و سیاست، ترقی و برتری و احسان و تفقد نسبت به شاگرد و دیگر زیردستان به کار رفته است،(۱) از ریشه «ربی» و «ربأ» گرفته شده است که بر برتری، رشد و علو دلالت می کند.(۲) بنابراین، واژه تربیت به معنی فراهم آوردن موجبات فزونی و پرورش است. افزون بر این، تربیت به معنی تهذیب نیز به کار رفته(۳) که به معنای تطهیر نفس از معایب اخلاقی است.(۴)

در اصطلاح نیز تربیت را «به کمال رساندن یا رشد دادن کارکردهای روانی به کمک تمرین تا رسیدن تدریجی به کمال خود»، دانسته اند. بنابراین، تربیت یک فرد به معنای تقویت ملکات و پروراندن توانایی ها و اصلاح رفتار اوست، به گونه ای که بتواند در یک محیط معین به شکل مناسبی زندگی کند.(۵)

۱- علی اکبر دهخدا، لغت نامه، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، ج ۴، ص ۵۷۷۶.

۲- احمدبن فارس، معجم مقائیس اللغه، تحقیق و ضبط: عبدالسلام محمدهارون قم، مرکز نشر دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲، ص ۴۸۳.

۳- لغت نامه، ج ۴، ص ۵۷۷۶، البته این معنا نیز به همان معنای رشد و علو است.

۴- لویس معلوف، المنجد فی اللغه، تهران، انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۶۲، ص ۸۶۰ .

۵- جمیل صلیبا، واژه نامه فلسفه و علوم اجتماعی، ترجمه کاظم برگ نیسی و صادق سجادی، تهران: شرکت سهامی انتشار ۱۳۷۰، ص ۱۲۰.

الگو

معادل واژه الگو، واژه های روبُر، مدل، سرمشق، مقتدا، اسوه، قدوه، مثال و نمونه است.(۱) در بین واژه های بیان شده، بعضی تنها مختص انسان بوده و برخی دیگر، هم برای انسان و هم برای غیر انسان استفاده می شود. واژه های مقتدا، اسوه و قدوه از گروه اول و بقیه از گروه دوم به شمار می آیند. در اینجا به بیان مختصر معانی هر یک از واژه های بیان شده، می پردازیم:

واژه های خاص

مقتدا: آنکه به او اقتدا کنند، آنکه مردم پیروی او کنند؛ یعنی پیشوا، پیشنماز، امام جماعت.(۲)

اسوه: پیشوا، مقتدا، قدوه، پیش رو، پیروی، پس روی، خصلتی که شخص بدان لایق مقتدایی و پیشوایی گردد و...(۳)

قدوه: پیشوا، مرجع، مقتدا.(۴)وجه اشتراکی که در معانی اشاره شده وجود دارد، معنای پیشوا و مقتداست؛ یعنی فردی که به دلیل ویژگی ها و خصوصیاتش، صلاحیت تبعیت و پیروی را به دست آورده است.

واژه های عام

روبُر: الگو، مدل، بریدن از روی جامه یا الگویی و غیره.(۵)

۱- لغت نامه، ج ۲، ص ۲۷۷۹.

۲- همان، ج ۱۳، ص ۱۸۸۱۷.

۳- همان، ج ۲، ص ۲۱۹۶.

۴- همان، ج ۱۰، ص ۱۵۴۰۶.

۵- همان، ج ۸، ص ۱۰۸۳۸.

مدل: الگو، نمونه، سرمشق، هرچیز و هر کس اعم از مجسمه، انسان و غیره که در برابر هنرمند قرار گیرد تا از روی آن نقاشی کند یا مجسمه بسازد.(۱)

سرمشق: قطعه نوشته خوش نویس که به عرف، آن را «تعلیم» گویند و آن را در نظر داشته مشق کنند؛ نمونه، دستورالعمل.(۲)

نمونه: نمودار، شبه، مانند، مثل، آنچه که به عنوان سرمشق و مثل کامل باشد: دبستان نمونه، شاگرد نمونه.(۳)

مثال: فرمان، حکم، مانند، شبیه، نظیر، نمونه، سرمشق، الگو، نمودار، مجسمه و...(۴)

همچنان که مشاهده می شود، معنای واژه های گروه دوم عمومیت داشته و هر نوع نمونه ای را که بتوان با آن شبیه سازی نمود، شامل می شود.

با توجه به معانی بیان شده، مشخص می شود که واژه الگو نیز از گروه دوم بوده و به انسان نمونه اختصاص ندارد، ولی با در نظر گرفتن موضوع پژوهش که تنها در برگیرنده زنان است، مقصود ما الگو در مفهوم انسانی آن است (مقتدا، اسوه، قدوه) و انتخاب واژه الگو در عنوان کتاب به این دلیل است که در اصطلاح روان شناسی و علوم تربیتی، معمولاً کلمه «الگو» استفاده می شود.

با روشن شدن معنای واژه های تربیت و الگو، در می یابیم که در

۱- همان، ج ۱۲، ص ۱۸۱۴۵.
۲- همان، ج ۸، ص ۱۲۰۰۹.
۳- همان، ج ۱۳، ص ۲۰۱۲۴.
۴- همان، ج ۱۲، ص ۱۷۸۹۷.

«تربیت الگویی» فرآیند «به کمال رساندن یا رشد دادن کارکردهای روانی» به وسیله ارایه نمونه های عینی و قابل انطباق صورت می گیرد که در این صورت تربیت، آسان تر و مؤثرتر خواهد بود، زیرا فرد تربیت شونده به جای آن که به صورت ذهنی رفتار مناسب را فرا گیرد، با مشاهده موقعیت های واقعی و همانند سازی خود با الگو، قادر خواهد بود که در موقعیت های مختلف به صورت مطلوب عمل نماید و در رسیدن به کمال، توفیق بیشتری بیابد.

در روان شناسی، اصطلاحات Learning Observation، Modeling و Social Learning تا حدود زیادی با این شیوه تربیتی مناسبت دارد.

Modeling یک فن رفتار درمانی است که برای تغییر و تعدیل رفتار، ضمن یادگیری ادراکی و با دادن فرصت و امکان تقلید به فرد، به کار می رود. همچنین تعریف «روش و شیوه انتخاب از الگوهای رفتار بدنی و کلامی مشهود، الگوهای خاص رفتار برای تقلید» برای اصطلاح Modeling مطرح شده است.(۱) Observation Learning نیز به «تغییر نسبتا مداوم در رفتار که قسمت عمده آن، نتیجه مشاهده رفتار دیگری است» اطلاق شده است.(۲)

با توجه به نقش مهم مشاهده و الگو در یادگیری، نظریه یادگیری اجتماعی (Social Learning theory) شکل گرفت. بر مبنای این نظریه که بر مشاهده و تقلید و الگوبرداری از رفتارهای مشاهده شده در دیگران

۱- علی اکبر شعاری نژاد، فرهنگ علوم رفتاری، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۵، ص ۲۴۴.
۲- همان، ص ۲۶۳.

مبتنی است، شخص می تواند با مشاهده دیگران، چه به طور تصادفی و چه آگاهانه، یادبگیرد. انتخاب مدل نیز تحت تأثیر عوامل گوناگون از جمله سن، جنس، موقعیت و جنبه های مشترک است.(۱)

با وجود شباهت زیاد بین تربیت الگویی مورد نظر و اصطلاحات مورد اشاره، نمی توان آنها را کاملاً منطبق دانست، زیرا یادگیری مشاهده ای بر مشاهده مبتنی است، حال آن که در موضوع پژوهش به جای مشاهده، از بیان قصه و مجسم ساختن آن در حضور مخاطب استفاده شده است. همچنین در Modelingسخن از تغییر و تعدیل رفتار است، در حالی که در تربیت الگویی، ضمن تلاش برای تغییر و تعدیل رفتار، به دنبال اصلاح نگرش ها و انگیزه ها نیز هستیم. افزون بر آنکه در یادگیری مشاهده ای، بر آگاهی مشاهده گر تأکیده نشده، بلکه وی حتی به طور تصادفی نیز می تواند با مشاهده رفتار دیگران، اموری را فرا بگیرد،(۲) اما قرآن کریم ضمن استفاده گسترده از تربیت الگویی، مردم را از تقلید ناآگاهانه و غیر مبتنی بر برهان، بر حذر داشته است:

وَ إِذا قیلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا ما أَنْزَلَ اللّٰهُ قالُوا بَلْ نَتَّبِعُ ما أَلْفَیْنا عَلَیْهِ آباءَنا أَ وَ لَوْ کانَ آباؤُهُمْ لا یَعْقِلُونَ شَیْئًا وَ لا یَهْتَدُونَ. (بقره: ۱۷۰)

و چون به آنان گفته شود از آنچه خدا نازل کرده است پیروی کنید، می گویند نه، بلکه از چیزی که پدران خود را بر آن یافته ایم پیروی می کنیم. آیا هرچند پدرانشان چیزی را درک نمی کرده و به راه صواب

۱- نصرت اللّٰه پورافکاری، فرهنگ جامع روان شناسی روان پزشکی، تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۷۳، ص ۱۴۰۶.
۲- همان.

نمی رفته اند؟(۱)

با توجه به مطالب بیان شده، می توان گفت تربیت الگویی در قرآن کریم عبارت است از: «ارایه الگوی متناسب به انسان از راه به تصویر کشیدن سرگذشت پیشینیان و اختیار آگاهانه آن به منظور پیروی،برای به کمال رسانیدن استعدادهای درونی».

قلمرو تحقیق

در قرآن کریم الگوهایی مطرح شده که اختصاص به جنس مشخصی ندارند. خداوند متعال از رسول اکرم صلی الله علیه و آله(۲) و ابراهیم علیه السلام(۳) به عنوان اسوه برای همه مردم یاد می کند و مردم را، از مرد و زن به پیروی از آن بزرگواران فرا می خواند.(۴) بنابراین، الگوهای ارایه شده در قرآن برای زنان، تفاوتی با الگوهای مردان ندارند، همچنان که قرآن کریم از همسر فرعون و حضرت مریم علیهماالسلام به عنوان الگوهایی برای مردان و زنان مؤمن نام می برد.(۵) پس، ممکن است انتخاب عنوان «تربیت الگویی زنان» مناسب به نظر نرسد، ولی از آن جا که در این تحقیق در پی آنیم که تنها زندگی زنان مطرح در قرآن کریم را مورد مطالعه قرار داده و با بررسی آن، الگویی

۱- برخی از آیات دیگری که در آنها تقلید کورکورانه مورد نکوهش قرار گرفته، عبارت است از: مائده: ۱۰۴؛ اعراف: ۲۸؛ یونس: ۷۸؛ انبیاء: ۵۴ و ۵۳؛ شعراء: ۷۴؛ لقمان: ۲۱؛ زخرف: ۲۳ و ۲۲ و...

۲- احزاب: ۲۱ _ لَقَدْ كانَ لَكُمْ فى رَسُولِ اللّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كانَ يَرْجُوا اللّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللّهَ كَثيرًا.

۳- ممتحنه: ۴_ قَدْ كانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فى إِبْراهيمَ وَ الَّذينَ مَعَهُ.

۴- آل عمران: ۳۱ _ قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللّهَ فَاتَّبِعُونى يُحْبِبْكُمُ اللّهُ.

۵- تحریم: ۱۱ و ۱۲ وَ ضَرَبَ اللّهُ مَثَلاً لِلَّذينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ ... وَ مَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرانَ الَّتى أَحْصَنَتْ فَرْجَها ... .

برای ابعـاد مختلف زنـدگی زن مورد نظر قرآن ترسـیم نمـاییم، قیـد «زنان» در موضوع تحقیق به کار رفته است، به ویژه این که انتخاب مدل از عواملی همچون سن و جنس نیز متأثر می شود.(۱)

با طرح مطلب مورد اشاره، این سؤال به ذهن می رسد که در این صورت تنها می توان از حضـرت مریم و آسیه علیهماالسلام و همسـران نوح و لوط یـاد کرد؛ زیرا قرآن ضـمن بیـان داسـتان زنـان دیگر، تصـریحی به نمونه بودن آنان نداشـته است؛ در این صورت آیـا می توان در سـرگذشت آنان نیز الگویی برای زنان یافت؟ امام خمینی رحمه اللهـدر کلام خود، عبرت آموز بودن قصه های قرآن را در نظر گرفته و فرموده اند:

تمام قصه هایی که در قرآن نقل شـده است، گاهی هم تکرار شـده است، برای این بوده است که مسـئله اهمیت داشـته است و این قصه هـا راهنمای مردم بوده و برای تهـذیب بوده است. قرآن، کتاب احکام نیست. کلیات را، کلیات احکام را، اصولش را ذکر فرموده است. قرآن کتاب دعوت است و کتاب اصلاح یک جامعه است.(۲)

در جایی دیگر می فرمایند:

و دیگر از مطـالب این صـحیفه الهیه، قصـص انبیا و اولیا و حکماست و کیفیت تربیت حق، آنها را و تربیت آنها خلق را، که در این قصص فواید بی شمار و تعلیمات بسیار است و در آن قصص به قدری معارف الهیه و تعلیمات و تربیت های ربوبیه مذکور و مرموز است که عقل را متحیر کند.(۳)

۱- فرهنگ جامع روان شناسی ــ روان پزشکی، ص ۱۴۰۶.
۲- روح الله موسوی خمینی، صحیفه نور، تهران، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹ ــ ۱۳۶۱، ج ۱۶، ص ۹.
۳- روح الله موسوی خمینی، آداب الصلوه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، ۱۳۷۰، ص ۱۸۶.

پس، قرآن کریم در نقل داستان ها و بیان تاریخ، تنها به دنبال قصه سرایی نیست، بلکه هدف قرآن از بیان سرگذشت گذشتگان، آشنا ساختن مردم با درست و نادرست در طول حیات آنان و عبرت گرفتن از آن است. و به این خاطر است که بیان یک قصه در قرآن، به صورت مکرر انجام می شود، در حالی که اگر مقصود تنها بیان تاریخ بود، نیازی به تکرار مکررات نبود.

حضرت امام خمینی قدس سره در تشریح سرّ وجود تکرار در قصه های قرآن می فرمایند:

این که قصص قرآنیه مثل قصه آدم و موسی و ابراهیم و دیگر انبیاء علیهم السلام مکرر ذکر شده برای همین نکته است که این کتاب، کتاب قصه و تاریخ نیست، بلکه کتاب سیر و سلوک الی الله و کتاب توحید و معارف و مواعظ و حکم است و در این امور مطلوب تکرار است تا در نفوس قاسیه تأثیری کند و قلوب از آن موعظت گیرد. و به عبارت دیگر کسی که بخواهد تربیت و تعلیم و انذار و تبشیر کند، باید مقصد خود را با عبارا ت مختلفه و بیانات متشتته، گاهی در ضمن قصه و حکایت و گاهی در ضمن تاریخ و نقل و گاهی به صراحت لهجه و گاهی به کنایت و امثال و رموز تزریق کند تا نفوس مختلفه و قلوب متشتته هر یک بتوانند از آن استفادت کنند.(۱)

از آنچه بیان شد پاسخ پرسش مطرح شده روشن می شود که حتی از نقل داستان افرادی که قرآن از آنان به عنوان اسوه و الگو نام نبرده نیز می توان بهره برد و از جنبه های مورد تأیید قرآن، الگویی مثبت و از جنبه های مورد نکوهش آن، الگویی منفی یافت و مسیر زندگی را آن چنان ترسیم کرد که همواره به الگوهای مثبت تأسی و از پیروی الگوهای

۱- آداب الصلوه، ص ۱۸۷.

نـادرست پرهیز نمود. البته مشـخص است که مرزبنـدی بین الگوهـای درست و نادرست، توسط خود قرآن صورت می گیرد و تأییـد یـا رد قرآن، کار ما را در تمایز بین الگوها آسان می سازد؛ ولی در مواردی مشاهـده می شود که قرآن کریم تنها به نقل داسـتان پرداخته و هیـچ گونه اظهار نظری در مورد آن نمی کند. آیا در چنین شـرایطی امکان الگوگیری، چه در زمینه مثبت و چه در زمینه منفی وجود دارد، یا به اظهار نظر صریح قرآن بستگی دارد؟

برای نمونه، در داسـتان ملکه سبا، پس از آن که از زبان هدهد، حکومت آن زن را بر مردم نقل می کند،(۱) مسئله سجده او و قومش بر خورشـید را مطرح می سازد و خورشـید پرستی و ستایش غیر خدا را مورد نکوهش شدید قرار می دهد(۲) و آنان را در عبادت آفتاب، فریب خورده شـیطان معرفی می کند؛ در صورتی که سلطنت یک زن بر یک ملت را بدون هیچ گونه اظهار نظر مطرح نموده و از آن می گـذرد. بی گمان، در اینجا بت پرستی به عنوان یک نقطه منفی در کارنامه ملکه سـبا ثبت شده و زنان نیز از تأسی به او در این مورد برحذر داشته می شوند.

ولی آیـا حکومت یـک زن را می توان به عنوان الگویی درست یـا نـادرست به شـمار آورد؟ استـاد شـهید مرتضـی مطهری در پاسخ به این پرسـش و این که می توان از مواردی که قرآن نظر منفی خود را در مورد واقعه ای بیان نداشته، تأیید ضمنی قرآن را استفاده نمود، می فرمایند:

ص: ۱۴

۱- نمل: ۲۳ ــ إِنّی وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِکُهُمْ وَ أُوتِیَتْ مِنْ کُلِّ شَیْءٍ وَ لَها عَرْشٌ عَظیمٌ.

۲- نمل، ۲۴ ــ وجدتها و قومها یسجدون للشمس من دون الله و زین لهم الشیطان اعمالهم فصدهم عن السبیل فهم لا یهتدون.

در قرآن داستان های زیادی ذکر شده است و قرآن که داستان هایی را ذکر می کند نظرش تنها نقل تاریخ نیست، بلکه نکات برجسته ای که در آن داستان هست، آن نکات را گوشزد می کند. یکی از داستان هایی که قرآن نقل کرده است، داستان ملکه سباست. این داستان را قرآن با جزئیات نقل کرده است، بدون این که انتقادی کرده باشد که چرا آنها زنی را پادشاه خودشان قرار داده اند؛ و این می رساند که قرآن با این موضوع مخالف نیست. اتفاقا قرآن در اینجا آنچه که از این زن نقل می کند، نکات خیلی برجسته ای است. یعنی قهرمان این داستان، در واقع خود این زن است... قرآن این داستان را خیلی مفصل نقل کرده است ولیکن طبق دأب قرآن در داستان ها که وقتی به یک نقطه ضعف می رسد آن را بیان می کند، در اینجا این (پادشاهی زن) را به عنوان یک نقطه ضعف بیان نمی کند.(۱)

البته ممکن است عدم موضع گیری قرآن در یک واقعه، به این دلیل باشد که در جای دیگری موضع قرآن کریم درباره آن مسئله تبیین گردیده و نیازی به بحث دوباره نباشد. از این رو، در صورتی می توان تأیید ضمنی قرآن را استفاده نمود که در دیگر آیات، اطمینان حاصل شده باشد.

با طرح پاسخ پرسش های گذشته، نتیجه می گیریم که قلمرو تحقیق حاضر، تمام آیاتی از قرآن مجید را که در آنها به نحوی به سرگذشت یکی از زنان اشاره شده، در بر می گیرد؛ چه از آن زن به عنوان الگویی مثبت یا منفی نام برده شود و چه اشاره ای به جنبه الگویی او نشده باشد و تنها رفتار او مورد تأیید یا تقبیح قرآن قرار گرفته باشد و حتی مواردی که مورد تأیید ضمنی قرآن کریم باشد نیز در محدوده بحث قرار می گیرد.

۱- مرتضی مطهری، «زن و سیاست»، ماهنامه پیام زن، سوم خرداد ۱۳۷۱، ص ۱۴.

هدف تحقیق

قرآن کریم برای به کمال رسانیدن استعدادهای انسان، افزون بر تبیین راه سعادت و فراخواندن انسان به پیروی از آن، به خاطر آنکه طی این طریق بر سالکان آن دشوار ننماید، به ارایه نمونه هایی نیز می پردازد تا با قدم نهادن در جای پای آنان، راه سعادت را با اطمینان و آسانی بیشتری طی نمایند. در این میان، برای هدایت و تربیت بانوان با بیان سرگذشت های تلخ و شیرین از زنان سرشناس تاریخ و تمجید ضمنی جنبه های مثبت و تقبیح مظاهر منفی رفتار انان، زنان را به پیروی از الگوهای شایسته فراخوانده و از پیروی نمونه های ناپسند بر حذر می دارد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی، این روش قرآن کریم را این گونه توصیف نموده اند:

قرآن کریم تنها موعظه نمی کند، بلکه برای معرفی زن، نمونه هایی را ارایه می کند و تربیت معنوی و رشد و بالندگی زن را با نمونه سازی به او می آموزد.(۱)

پژوهش حاضر در پی آن است تا با تحلیل نگرش ها، گرایش ها و رفتارهای قولی و عملی زنان مورد اشاره در قرآن کریم، الگویی جامع را در ابعاد گوناگون اعتقادی، اخلاقی، سیاسی، تربیتی، اقتصادی و اجتماعی برای پرورش زنان مسلمان و تبدیل آنان به انسان کامل به نمایش گذارد.

لازم به توضیح است که استفاده این پژوهش از آیات قرآن، مطابق با ظواهر آیات بوده و سعی شده تا برداشت های غیر مطابق با ظواهر آیات

۱- عبدالرحیم موگهی، سیمای زن، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳، ص ۱۲۷.

در نظر گرفته نشود. همچنین، در موارد رجوع به شأن نزول، موارد اتفاق در بین مفسـران مورد توجه قرار گرفته است. افزون بر این، در مراجعه به روایـاتِ مربوط به آیـات، چون بررسـی سـندی صورت نگرفته، از این روایـات به عنوان مؤیـد ظواهر قرآنی استفاده می شود.

سؤال ها و فرضیه های پژوهش

اشاره

زیر فصل ها

سؤال ها

فرضیات

پیشینه تحقیق

ضرورت تحقیق

سؤال ها

اصلی ترین پرسش هایی که در این پژوهش، ذهن محقق را به خود جلب می کند، عبارتند از:

ــ آیا چون و چرا کردن زنان با خدا و پیامبر در مورد مسایل دینی رواست؟

ــ با توجه به الگوهای قرآنی، محدوده معاشرت زنان با مردان نامحرم تا کجاست؟

ــ دیدگاه قرآن در مورد فرهنگ برهنگی چیست؟

ــ مراد از کفویت همسران، هم شأنی در ایمان است یا در منزلت اجتماعی و اقتصادی؟

ــ زنان با چه نوع فعالیت های اقتصادی سنخیت ندارند؟

ــ عمده ترین مشخصه الگوهای منفی در مورد بانوان چیست؟

ــ آیا حاکمیت سیاسی زنان بر جامعه و فرماندهی کل قوای نظامی توسط آنان، جایز است؟

البته در زمینه ابعاد رفتاری زنان الگو در قرآن، پرسش های فرعی

دیگری نیز مطرح است که در ضمن بحث درباره مسایل مورد اشاره، به آنها نیز پرداخته خواهد شد.

فرضیات

در نگـاه اول برای این پرسـش هـا که در سه بخش کلی اعتقادی، تربیتی و اجتماعی مطرح است، پاسـخ هایی به ذهن می آید که عبارتند از:

«بحث در مورد مسایل دینی، حتی با خـدا و پیامبر صـلی الله علیه و آله جایز است». تحقیق درباره این فرضـیه در بخش دوم که مربوط به تربیت الگویی زنان در زمینه های اعتقادی و عبادی است، انجام می شود.

«اصل معاشرت زنان با مردان نامحرم جایز است و محدوده آن رعایت قوانین الهی است.»

«عدم مراعات پوشش، نوعی کیفر و عقوبت الهی است.»

این دو فرضیه نیز در بخش تربیت الگویی زنان در ابعاد اخلاقی و تربیتی بررسی می شوند.

«مراد از کفویت همسران، هم شأنی در ایمان است، نه در منزلت اجتماعی و اقتصادی.»

«زنان با انجام فعالیت های سخت اقتصادی سنخیت ندارند.»

«مهم ترین ویژگی زنان مطرح به عنوان الگوهای منفی قرآنی، توطئه و خیانت به رهبری الهی است.»

این سه فرضـیه نیز در بخش چهارم و در بحث تربیت سیاسـی، اجتماعی و اقتصادی زنان، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته انـد. ابعاد دیگر

تربیت الگویی زنان نیز مورد توجه قرار گرفته و مطرح خواهد شد.

پیشینه تحقیق

گرچه داستان زنان نمونه قرآن به طور عام در کتاب های مربوط به قصص

قرآن و بـه طـور پراکنـده در بعضـی از تفاسـیر قرآن کریم به مناسـبت، بیـان شـده است؛ ولی در میـان تحقیقـات زیـادی که به پژوهش دربـاره موضـوع زن در قرآن پرداخته انـد، در مـوارد انـدکی، موضوع تحقیق، به زنـان الگو در قرآن اختصـاص یـافته است. در این میان نیز نویسندگان عرب زبان، سهم بیشتری نسبت به فارسی زبانان داشته اند.

در مجموع، می توان موضوع کتاب ها و مقالات مورد اشاره را در پنج عنوان طبقه بندی نمود:

اول، کتاب هایی است که به صورت داستان و به شکل نقل تاریخ در مورد زنان مطرح در قرآن کریم نوشته شده است؛ مانند کتاب های «زن در قرآن» و «نساء مثالیات»

بخش دیگری از نوشـته ها، بدون آنکه سـرگذشت همه زنان مطرح در قرآن را مورد توجه قرار دهند، تنها به صورت موردی، امـا به شـکلی عمیق، بعضـی از جلوه های رفتاری آنان را بررسـی نموده انـد. از این بخش می توان به کتاب های «زن در آئینه جلال و جمال» و مقاله «زن و سیاست» اشاره نمود.

بررسـی ابعاد الگویی زنان در قرآن و اسلام، موضوع بخش دیگری از کتاب ها را تشکیل می دهد. در این کتاب ها با اشاره به همسران و مادران پیامبران و استفاده الگویی از نقش برجسته آنان در تاریخ، سرگذشت بعضی از زنان شاخص اسلام نیز مورد توجه قرار گرفته است. کتاب های «بررسـی تاریخی منزلت زن از دیدگاه اسلام» و «درس هایی از زندگی زنان نامدار» در این گروه قرار دارند.

بخش دیگری از کتاب ها، به بیان ابعاد شخصیتی برخی از زنان که قرآن

از آنـان بـه عنـوان الگوهـای مثبـت یـا منفی نـام برده، پرداختـه انـد؛ همچـون کتـاب «امرئتـان فی الجنه و امرئتـان فی النـار» که سرگذشت مریم علیهاالسـلام، آسـیه و همسـران نوح و لوط را بررسـی نموده و کتاب «نساء الانبیاء فی ضوء القرآن و السنه» که زندگی ده زن از زنان انبیاء را مورد توجه قرار داده است.

بررسـی نسـبتا عمیق جلوه هـای رفتـاری بیشتر زنـان نام برده شـده در قرآن، توسط گروهی دیگر از نویسـندگان پردازش شـده است. در این میان می توان کتاب «نگرش قرآن بر حضور زن در تاریخ انبیاء» و کتاب «نساء انزل الله فیهن قرآنا» را برشمرد.

اکنون با نام بردن تعـداد زیادی از پژوهش های انجام شـده در مورد موضوع تحقیق، این پرسـش به ذهن می رسـد که جایگاه تحقیق حاضر در بین تحقیقات پیشین چیست و آیا این بحث جز تکرار دستاوردهای قبلی، نتیجه ای دربردارد؟

در پاسـخ به این پرسـش بایـد گفت که بـا وجـود اشـتراک زیـاد این پژوهش بـا مطالعـات پیشـین، وجود شـاخصه هـای روش پردازش، این پژوهش را با تحقیقات دیگر متمایز می سازد:

۱) این تحقیق به جـای گزارش زنـانِ نمونه در قرآن و ترسـیم چهره زن مطلوب قرآن، به نمایش سـیمای زن و تبیین نقش مهم عبادی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، تربیتی و اخلاقی وی در آئینه رفتارهای زنان الگو پرداخته است.

ص: ۲۰

همان طور که از عناوین تحقیقات پیشین نیز مشاهده می شود، تشریح ویژگی های زنان مطرح در قرآن، مقصودی است که به تبع آن جایگاه زن مورد نظر قرآن مشخص می گردد. البته ممکن است این تفاوت چندان مهم به نظر نرسد، زیرا در هر دو صورت به نقش الگوها در تربیت زنان پرداخته می شود. اگرچه یکی تشریح ویژگی های زنان الگو و دیگری تربیت الگویی زنان را مورد نظر قرار داده است؛ ولی این تفاوت از آن رو قابل توجه است که یک زن با نگاه به عنوانی همچون «نساء انزل الله فیهن قرآنا» یا «من بطولات المرئه فی القرآن الکریم» ممکن است برای آن زنان، شخصیتی رؤیایی و دور از دسترس تصور نموده و انطباق خود با آنان را غیر ممکن یا مشکل بداند، اما هر گاه به عنوان تربیت الگویی زنان توجه نماید، در می یابد که این تحقیق به طور مستقیم تربیت او را مورد توجه قرار داده است. به خصوص که در هر بخش، با بیان مثال ها و شواهد متعدد، پیمودن راه اسوه ها آسان تر به نظر می رسد.

۲) در پژوهش های پیشین، داستان یکایک زنان قرآنی، به صورت ترتیبی مورد بررسی قرار گرفته، ولی از آن جا که هدف تحقیق حاضر، تبیین نقش زنان در عرصه های مختلف حیات مادی و معنوی با نگرش الگویی است؛ دستاورد پژوهش به صورت موضوعی عرضه شده است.

۳) سعی این تحقیق بر آن است که آیات کریمه قرآن را مورد دقت و بررسی عمیق قرار داده و تمامی موضوعات فرعی را که از مطالعه این آیات به دست می آید، با موضوعات مورد اشاره تفاسیر و تحقیقات پیشین تلفیق کرده و تا حد امکان مجموعه کامل تری را نسبت به پژوهش های

قبلی ارایه کند.

در مجموع، می توان گفت موضوعی بودن تحقیق و وسعت موضوعات جزئی از ویژگی هایی است که این تحقیق را از مطالعات پیشین متمایز ساخته و انجام آن را با وجود پژوهش های وسیع مورد اشاره توجیه می نماید. از این روست که در بسیاری از موارد، قصه قرآنی به شکل کامل مطرح نشده و تنها به بخش مورد نظر آن، اشاره شده و در موارد زیادی نیز یک داستان از جنبه های گوناگون مورد استناد قرار گرفته که گرچه بوی تکرار از آن به مشام می رسد، ولی استفاده متفاوت از داستان، این توهم را برطرف می سازد.

ضرورت تحقیق

با توجه به نقش بسیار مهم الگو در یادگیری و تربیت و این که انتخاب مدل، تحت تأثیر عوامل متعددی همچون سن، جنس، موقعیت و جنبه های مشترک قرار دارد، متخصصان رسانه های تبلیغاتی جهانی از سال ها پیش، طرح ارایه الگوهای تربیتی مورد نظر و مناسب با ویژگی های جنسی، سنی و موقعیتی مخاطبان را در سر لوحه فعالیت های تبلیغاتی خود قرار داده و سعی نموده اند تا با بهره گیری از شبکه ارتباطی گسترده و به کار بردن شیوه های نوین و جذاب هنری، از الگوهای ارایه شده، سرمشقی برای همه مردم ترسیم نموده و در راستای اهداف خود از آن بهره گیرند.

در این میان، با توجه به تأثیرپذیری بیشتر جوانان از این شیوه تربیتی، تلاش این گونه مؤسسات بر ارایه الگو برای جوانان تمرکز یافته و با این

روش توانسته اند شخصیت گروه زیادی از جوانان جهان را بر مبنای مدل های ارایه شده بنا نمایند. فراگیری سریع و گسترده مدهای مختلف در قالب رفتار اجتماعی، نوع پوشش، نحوه آرایش و... در سطح جهان و حتی کشورهای جهان سوم، دلیلی بر این مدعاست. متأسفانه، کشورهای اسلامی و حتی کشور ما نیز در معرض نمایش الگوهای مختلفِ ساخته و پرداخته غرب قرار گرفته و تأثیر آن نیز در نگرش ها، گرایش ها و رفتارهای بخشی از جوانان این کشورها به خوبی نمایان است.

این فعالیت گسترده تبلیغاتی برای ارایه الگو به جوانان، تا آنجا پیش رفت که چندی پیش، یکی از دختران جامعه ما، در مصاحبه ای رادیویی قهرمانان برخی از فیلم ها را به عنوان الگوی خود معرفی کرد و بر این باور بود که لازم است شیوه زندگی خود را با چنین مدل هایی منطبق نماید و متأسفانه جمعی نیز به این روش ها تأسی نمودند.

همچنان که در قلمرو تحقیق بیان شد، قرآن کریم افزون بر معرفی الگوهایی عمومی، همچون رسول اکرم صلی الله علیه و آله به طرح الگوهای خاصی با ویژگی های سنی، جنسی و موقعیتی مشخص پرداخته و رفتار آنان را در آن مرحله مورد ستایش یا نکوهش قرار داده است که در این میان طرح نمونه های مختلف از زنان به عنوان الگوهای مثبت و منفی جایگاه ویژه ای یافته است. گرچه تعداد زنانی که به سرگذشت آنان در قرآن اشاره شده چندان زیاد نیست، اما ظرافت هایی که از این قصه ها استفاده می شود به اندازه ای زیاد است که می توان الگوی زن مسلمان را در ابعاد مختلف اعتقادی، عبادی، تربیتی، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بر مبنای

نکات آموزنده و تربیتی این داستان ها ترسیم نمود.

ارایه مدل تربیتی قرآنی به دختران مسلمان در قالب نمایش فیلم، تئاتر، کارتون، داستان و... راهی بسیار مؤثر در تربیت زنان و مادران آینده جامعه بر اساس آموزه های قرآنی خواهد بود و موجب خواهد شد تا زنان مسلمان دریابند که قرآن به زن با دید جامع و همه جانبه نگریسته و به ابعاد مختلف فعالیت های زنان، چه در محیط منزل و چه خارج از آن، نظر داشته و از آنان خواسته است تا از پیروی از الگوهای منفی پرهیز نموده و در راه انطباق هر چه بیشتر خود با الگوهای مورد نظر قرآن قدم بردارند.

ص: ۲۴

بخش دوم: تربیت اعتقادی و عبادی بانوا به شیوه الگویی

اشاره

ص: ۲۵

از آنجا که جهان بینی انسان، زیر بنای اعمال و رفتار او را تشکیل می دهد، تربیت فکری و اعتقادی نیز مقدمه ای برای تربیت وی در ابعاد مختلف اخلاقی، سیاسی و... به شمار می آید؛ از این رو، در فصل نخست این بخش، با تکیه بر تربیت اعتقادی زنان با استفاده از الگوهای قرآنی، ویژگی های روشی و محتوایی این نحوه از تربیت، مورد بررسی قرار خواهد گرفت و سؤال این فصل درباره امکان پرسش و پاسخ با بزرگان دین و حتی خدا و پیامبر در مورد مسایل دینی و اعتقادی نیز مطرح می شود.

قرآن کریم، هدف از آفرینش انسان را عبادت خدا دانسته(۱) و از راه بندگی، وی را به رسیدن به کمال دعوت نموده است. بنابراین، با توجه به اهمیت بسیار زیاد مسئله عبودیت، در فصل دوم این بخش، تربیت عبادی زنان به شیوه الگویی مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۱- «وَ ما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ إِلاّ لِيَعْبُدُونِ»، ذاریات: ۵۶.

فصل اول: تربیت اعتقادی بانوان به شیوه الگویی

اشاره

قرآن کریم، بـا تبیین ویژگی هـای روشـی و محتوایی مسایـل اعتقادی بانوان، به تربیت آنان به شـیوه الگویی پرداخته است. در تبیین ویژگی های روشـی، ابتدا هویت فکری مسـتقل زنان، مورد تأکید قرار گرفته و سپس به ساختار فکری آنان اشاره شده و پرسـش آنان برای کشف حقیقت، مورد ستایش قرآن کریم قرار گرفته و بر حق پذیری و پرهیز از لجاجت جاهلانه و استواری فکر و اعتقادی که بر اساس حق بنا شده، تأکید شده است.

گفتار اول: ویژگی های الگویی در قلمرو روش تربیت اعتقادی بانوان

اشاره

زیر فصل ها

هویت فکری مستقل زنان

اعتقاد بر مبنای تحقیق

تحقیق؛ مستلزم پرسش

حق پذیری و پرهیز ازتعصب و لجاجت جاهلانه

استواری و استقامت اعتقادی

هویت فکری مستقل زنان

همـان گونه که سایر ادیان الهی، زن را دارای هویت مسـتقل فکری و عقیـدتی و در برابر اعمال خویش مسـئول می داننـد،(۱) قرآن کریم نیز بـا اشـاره به اعتقـادات مخـالف برخی از زنـان با همسـران خویش، بر این مطلب صـحه گذاشـته است. به عنوان نمونه، می توان به دعای همسر فرعون اشاره نمود که در آن، نجات از فرعون و کردار ظالمانه او را از خدا مسئلت نموده

۱- اکبر هاشـمی رفسـنجانی و جمعی از محققـان مرکز فرهنگ و معارف قرآن، تفسـیر راهنما، قم، دفتر تبلیغات اسـلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۱۱۱.

است(۱) و این دعا، بیانگر عمق اختلاف اعتقادی این دو و طرز فکر ممتاز همسر فرعون است. همچنان که همسر لوط پیامبر نیز، از ویژگی های اعتقادی خاص خود برخوردار بود و از همین رو، گرفتار نتیجه گرایش ها و اعمال ناپسند خود در قالب عذاب الهی شد.(۲)

اعتقاد بر مبنای تحقیق

پس از اثبات هویت مستقل فکری زنان، قرآن کریم با ارایه نمونه هایی، زنان را به اتخاذ شیوه محققانه در ایجاد ساختار فکری خود فرامی خواند.

هنگامی که نامه حضرت سلیمان علیه السلام به دست ملکه سبا رسید، وی پس از مشاوره با بزرگان قوم خود، به این نتیجه رسید که برای شناخت اهداف حضرت سلیمان علیه السلام هدایایی برای او بفرستد. حضرت، آن هدایا را نپذیرفت و آنان را تهدید به جنگ و ذلت نمود. در آن هنگام که ملکه سبا و همراهانش، به نشانه تسلیم نزد سلیمان می رفتند، یکی از اصحاب سلیمان علیه السلام به دستور وی، عرش ملکه سبا را در پیشگاه آن حضرت حاضر کرد و برای آگاهی از میزان درایت و فهم و کمال وی، در آن تخت سلطنتی تغییراتی ایجاد کردند. وقتی ملکه سبا در بارگاه سلیمان علیه السلام حاضر شد، از او سؤال گردید: «آیا عرش تو این چنین است؟» او در جواب گفت: «کانه هو» (گویا این، همان است).(۳) و اگر این طور تعبیر کرد، خواست تا از سبک مغزی و تصدیق بدون تحقیق پرهیز کند، زیرا از

۱- ... قالَتْ رَبِّ ابْنِ لی عِنْدَکَ بَیْتًا فِی الْجَنَّهِ وَ نَجِّنی مِنْ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ ... مریم: ۱۱.

۲- فَأَنْجَیْناهُ وَ أَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ کانَتْ مِنَ الْغابِرینَ، اعراف: ۸۳ .

۳- نمل: ۲۹ تا ۴۲.

اعتقادات ابتدایی که هنوز وارسی نشده و در قلب جای نگرفته است با تشبیه، تعبیر می آورند.(۱) حضرت سلیمان علیه السلام نیز از این که وی بدون تحقیق، اقرار نکرد، به کمال عقل و هوش و استواری فکری او پی برد؛ زیرا اگر بدون تحقیق جواب آری یا نه می داد، در هر دو حال اشتباه کرده بود.

تحقیق؛ مستلزم پرسش

تحقیق مستلزم پرس وجو و دقت نظر عمیق است. سؤالی که اکنون مطرح می شود، آن است که قلمرو این پرسش تا کجاست و آیا می توان بزرگان دین را در مورد مسایل دینی مورد سؤال قرار داد؟ و بالاتر از آن، آیا پرسش از افعال خداوند، رواست؟ یا خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله بالاتر از آن هستند که مورد بحث و سؤال قرار گیرند؟ برای رسیدن به پاسخ این پرسش ها، توجه به برخی از نمونه های قرآنی لازم است:

پس از آنکه بشارت تولد عیسی علیه السلام توسط فرشتگان به مریم علیهاالسلام داده شد، وی از این که بتواند بدون همسر، دارای فرزندی شود بسیار شگفت زده شده، سؤال نمود:

خداوندا! چگونه ممکن است بدون ارتباط با هیچ بشری، صاحب فرزند شوم؟(۲)

این پرسش ممکن است بیانگر شگفتی مریم از اصل این ولادت خارق العاده و یا مربوط به نحوه و چگونگی این پدیده باشد. آنچه مهم است، آن

۱- سیدمحمد حسین طباطبایی. تفسیر المیزان، ترجمه: سیدمحمدباقر موسوی همدانی قم، دفتر انتشارات اسلامی، ج ۱۵، ص ۵۲۱.

۲- آل عمران: ۴۵ تا ۴۷.

است که مریم علیهاالسلام بااین که طرف خطاب فرشتگان بود، خداوند را مخاطب قرار داده و از او در مورد چگونگی تحقق این رویداد شگفتی ساز سؤال نمود.(۱) اما پرسش این بانوی برگزیده، نه تنها بی جواب نماند، بلکه خداوند، خود پاسخگویی آن را بر عهده گرفت:

قالَ كَذلِكِ اللّهُ يَخْلُقُ ما يَشاءُ. (آل عمران: ۴۷)

این چنین است که خدا آن چه را اراده کند، می آفریند.

در این شیوه جوابگویی، افزون بر آنکه با اشاره به قدرت لایزال الهی، مریم را در مورد انجام چنین امری اطمینان می بخشد، به طور ضمنی از پرس و جوی محققانه وی، تقدیر به عمل می آورد.

مورد دیگر، بیانگر بحث و گفت و گوی زنی به نام «خوله بنت ثعلبه» با پیامبر صلی الله علیه و آلهاست که برای روشن شدن حکم ظهار،(۲) با آن حضرت به مجادله پرداخت.

«اوس بن صامت»، همسر خوله، روزی نسبت به وی خشمگین شد و او را ظهار کرد. ظهار، نوعی طلاق در زمان جاهلیت بود و تا آن موقع منعی از اسلام درباره آن نرسیده بود و ظهار اوس، اولین ظهاری بود که در اسلام صورت گرفت؛ از این رو، وی به خوله گفت: تصور می کنم تو بر

۱- قالت رب انی یکون لی ولد و لم یمسسنی بشر قال کذلک الله یخلق ما یشاء اذا قضی امرا فانما یقول له کن فیکون» مریم گفت: ای پروردگار من! چگونه مرا فرزندی باشد، در حالی که بشری به من دست نزده است؟ گفت: بدین سان که خدا هرچه بخواهد می آفریند؛ چون اراده چیزی کند به او گوید موجود شو، پس موجود می شود. آل عمران: ۴۷.

۲- عرب متعصب وقتی نسبت به زن خود خشم می نمود، به او می گفت: «ظهرک کظهر امی»؛ یعنی پشت تو، مانند پشت مادر من است. و با این سخن که آن را «ظهار» می گفتند، زن را تا ابد بر خود حرام می کرد. این عمل را «مظاهره» می نامیدند.

من حرام شده باشی. خوله به محضر رسول اکرم صلی الله علیه و آله شتافت و از ایشان درباره حکم ظهار سؤال نمود. حضرت فرمود: خدای تعالی درباره این مسئله آیه ای نازل نفرموده تا براساس آن، میان تو و شوهرت حکم کنم و من نمی خواهم از کسانی باشم که پاسخ روشن نمی دهند. وی با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد این مسئله دینی به مجادله پرداخت و تا روشن نشدن حکم شرعی مسئله خود، قانع نشد.(۱) بحث و محاوره این زن، عنوان سوره ای از سوره های قرآن قرار گرفت. بنابراین و با توجه به شواهد ارایه شده، می توان در پاسخ پرسش مطرح شده در عنوان بحث، این فرضیه را مطرح نمود که: انجام گفت و گو و بحث درباره مسایل مهم دینی با بزرگان دین و حتی با خدا و پیامبر روا و بلکه ستوده است.(۲)

در پایان این بحث، تذکر این نکته لازم است که مراد از این گونه سؤالات از خداوند که به جاست سؤال برای استعلام و به این معناست که کسی از خدا چیزی را بپرسد تا علم به مجهولی پیدا کند. ولی نوع دیگری از سؤال وجود دارد که خداوند مورد آن قرار نمی گیرد و آن سؤال، مؤاخذه است؛ یعنی نمی توان خدا را مورد مؤاخذه و بازخواست قرار داد که چرا این کار را کردی، «لا یُسْئَلُ عَمّا یَفْعَلُ وَ هُمْ یُسْئَلُونَ»،(۳) کسی حق مؤاخذه از خدا را ندارد، بلکه خداست که حق مؤاخذه دیگران را دارد.

دلیل این مطلب نیز روشن است؛ چون وقتی تمام هستی موجودات از

۱- «قَدْ سَمِعَ اللّهُ قَوْلَ الَّتی تُجادِلُکَ فی زَوْجِها وَ تَشْتَکی إِلَی اللّهِ» ۸ مجادله: ۱.

۲- مرحوم علامه طباطبایی در ذیل آیه ۳۴ سوره نساء در تفسیر المیزان، روایت ارزشمندی را نقل کرده اند که آشکارا مطلب بالا را تایید می کند.

۳- انبیاء: ۲۳.

خداست، به این جهت حقی بر خدا ندارند. خداوند متعال، نیاز به خدمت ندارد و محال است کسی نفعی به او برساند تا حقی بر او پیدا کند. بنابراین، هیچ کس نمی تواند خدا را مؤاخذه کند که چرا فلان کار را انجام دادی یا ندادی. این چراها در صورتی روا است که مؤاخذه کننده بر مسئول حقی داشته باشد.(۱)

حق پذیری و پرهیز ازتعصب و لجاجت جاهلانه

پس از این که جواز بحث و چونِ و چرا در مسایل گوناگون دینی، مطرح و ثابت شد که حتی می توان با خدا و رسول درباره حقایق دینی به گفت و گو پرداخت، از بررسی نمونه های قرآنی به این نتیجه می رسیم که در جست وجوی حقیقت، لازم است از تعصب و لجاجت بی مورد خودداری شود و پس از آنکه حقیقت کاملاً روشن شد، از پذیرش آن امتناع نشود.

یکی از ویژگی های برجسته ملکه سبا، وارستگی او از تعصب و لجاجت های جاهلانه است. این بانوی ارجمند، نور ایمان را دریافت و با خوشرویی و دوراندیشی، مشاوران خود را از آن آگاه ساخت و با زیرکی و تدبیری خاص، به آزمودن سلیمان علیه السلام پرداخت و پس از آنکه به نتیجه دلخواه رسید، بی آنکه کوچک ترین تعصبی از خود نشان دهد، آماده پذیرش کیش سلیمان علیه السلام شد و به یاران خود فرمود تا همگی با هم، آهنگ رسیدن به حضور سلیمان علیه السلام کنند.(۲)

ص: ۳۲

۱- محمدتقی مصباح یزدی، معارف قرآن، قم، مؤسسه در راه حق، ۱۳۶۸، ص ۱۴۷.

۲- سید خلیل خلیلیان، سیمای زنان در قرآن و زنان بزرگ در صدر اسلام، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۵۹، ص ۹۰.

هنگامی که آنان به دربار سلیمان علیه السلام رسیدند و آن بانو، عرش خود را در برابرش حاضر دید، گفت: ما حتی پیش از دیدن این معجزه، علم به نبوت سلیمان علیه السلام داشتیم و تسلیم فرمان او گردیدیم.(۱) و این علم زمانی برای ملکه سبا حاصل شد که وی، برای آزمودن حضرت سلیمان علیه السلام، هدایایی برای او فرستاد و چون سلیمان علیه السلام آنها را نپذیرفت، به نبوت او ایمان آورد و تسلیم وی شد.

همچنین، وقتی یوسف علیه السلام تأویل خواب حاکم مصر را بیان نمود، حاکم او را به حضور طلبید و هنگامی که فرستاده اش موضوع را با یوسف علیه السلام در میان گذاشت، آن حضرت به او فرمود: «به سوی سرور خود بازگرد و از او بپرس ماجرای زنانی که دست های خود را بریدند، چه بود.» حاکم، زنان مصر را مخاطب قرار داده و از ماجرای آنان با یوسف جویا شد. آنان در جواب گفتند: «پناه بر خدا! ما هیچ ایرادی در کار او نیافتیم.»

در اینجا زلیخا، که نه مورد خطاب یوسف بود، نه پادشاه، نه زنان مصر که از اشاره به او و متهم ساختن او خودداری کردند و با وجود این که دفاعیه زنان برای پاکی یوسف کافی بود، سکوت را جایز نمی شمارد، وجدان بیدار خود را حاکم می بیند و با این که هنوز در موضع قدرت است، خود و جایگاهش را فدای حقیقت کرده و با کلامی روشن، بدون مقدمه و بی پرده، شجاعانه به واقعیت اعتراف می کند و خود را مقصر و یوسف را بی گناه و پاک اعلام می کند:

۱- «وَ أُوتِينَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِها وَ كُنّا مُسْلِمينَ». نمل: ۴۲

اْلآنَ حَصْحَصَ الْحَقُّ أَنَا راوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ وَ إِنَّهُ لَمِنَ الصّادِقِینَ.

اکنون حق آشکار شد. من بودم که او را به سوی خود خواندم و او راست می گوید. (یوسف: ۵۱)

و این خود، اعترافی است که ضمیری عالی می طلبد و انسانی که به تمام معنا آلوده باشد، نمی تواند لب به چنین سخنی بگشاید و از غلام خویش، جوانی با موقعیت پایین تر از خود، دفاع کند و در واقع آبروی خود را بفروشد و آبروی او را بخرد.(۱)

استواری و استقامت اعتقادی

زنانی که از هویت فکری مستقل خویش آگاهند و ساختار اعتقادی خود را بر پایه تحقیق بنا نموده اند، در یافتن حقیقت از هیچ کوششی فرو گذار نکرده و پس از رسیدن به آن، بی درنگ قلب و دل را به آن می سپارند، به آسانی در برابر باورهای نادرست تسلیم نمی شوند و در دفاع از مبانی اعتقادی خویش، از خطرها استقبال می نمایند و تا پای جان از آن دست بر نمی دارند.

نمونه بارز این استقامت، آسیه همسر فرعون است که وقتی فرعون از ایمان او آگاه شد، بارها او را نهی نموده و اصرار داشت تا از آیین موسی علیه السلام دست بردارد و خدای او را رها کند؛ ولی این زن با اعتقادی راسخ، هرگز تسلیم خواسته فرعون نشد تا سرانجام فرعون دستور داد تا در زیر آفتاب سوزان، دست و پای او را با میخ ها ببندند و سنگ عظیمی

۱- منیر گرجی، نگرش قرآن بر حضور زن در تاریخ انبیاء. شرح و بسط: زهرا امّی. تهران مرکز چاپ و انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶، ص ۶۷ .

برسینه اش بیفکنند. اما این زن راست قامت و مقاوم، هنگامی که آخرین لحظات عمر خود را می گذراند، دعایش این بود:

رَبِّ ابْنِ لی عِنْدَکَ بَیْتًا فِی الْجَنَّهِ وَ نَجِّنی مِنْ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ وَ نَجِّنی مِنَ الْقَوْمِ الظّالِمینَ. (تحریم: ۱۱)

پروردگارا! برای من خانه ای در بهشت در جوار خودت بنا کن و مرا از فرعون و کردار او نجات بده و از قوم ستمگر رهایی بخش.(۱)

گفتار دوم: ویژگی های الگویی در قلمرو محتوای تربیت اعتقادی بانوان

اشاره

زیر فصل ها

توحید در عبادت

تسلیم در برابر دستورهای الهی

اتکال به خداوند

اعتقاد به وحی انبیاء

تسلیم عملی در برابر انبیای الهی

توحید در عبادت

قرآن کریم، به طور مکرر انسان را به یگانه پرستی دعوت و از عبودیت غیر خدا بر حذر می دارد. برترین الگوی ارایه شده در قرآن برای توحید عبادی، حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام است که سراسر عمر کوتاه خود را به عبادت خدای تعالی پرداخت، به گونه ای که در داستان نذر، آن حضرت پس از سه روز، روزه داشتن و تحمل گرسنگی، در محراب به عبادت مشغول بودند.(۲) و نیز از ابن عباس نقل شده که آیه شریفه

«کانُوا قَلیلًا مِنَ اللَّیْلِ ما یَهْجَعُونَ وَ بِالْأَسْحارِهُمْ یَسْتَغْفِرُونَ» (ذاریات: ۱۷ و ۱۸)

اندکی از شب را می خوابیدند و به هنگام سحر استغفار می کردند.

در شأن علی بن ابیطالب و حسن و حسین و فاطمه علیهم السلام نازل شده

۱- ناصر مکارم شیرازی با همکاری جمعی از نویسندگان. تفیسر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲، ج ۲۴، ص ۳۰۲.
۲- محمود الزمخشری، الکشاف عن حقائق التنزیل. بیروت: دار الکتاب العربی، ۱۹۸۷ م، ج ۴، ص ۶۷۰ .

است.

و نیز حضرت مریم علیهاالسلام که مادرش او را مریم (عبادت کننده) نام نهاد(۱) از کودکی در گوشه ای از مسجد و دور از مردم خود را وقف عبادت پروردگار قرار داد، از الگوهای مثبت توحید عبادی به شمار می رود می آید.(۲) در بین الگوهای قرآنی، به مواردی نیز برمی خوریم که با وجود آشکاری حقیقت در نزد آنان، همچنان به سرکشی و طغیان خود در برابر یگانه مدبر عالم هستی اصرار ورزیدند و طعم تلخ تکبر و گردن فرازی در برابر خدا را چشیدند.

تسلیم در برابر دستورهای الهی

پس از نفی تأثیرگذاری غیر خدا در عالم آفرینش و توجه دادن انسان به این که هیچ موجودی جز خدا شایستگی پرستش ندارد، به این دلیل که تدبیر بخش های مختلف جهان هستی تنها به دست او صورت می پذیرد،(۳) نوبت به آن می رسد که با ایمان کامل و اعتقادی راسخ، تسلیم محض او شده و در اجرای فرمان های او لحظه ای به خود تردید و دو دلی راه ندهد.

یکی از ویژگی های برجسته مادر موسی علیه السلامتسلیم محض بودن او در برابر حق و اطاعت بی چون و چرا از دستورهای الهی است. او هنگامی که با الهام از سوی خداوند، دریافت که باید موسی علیه السلام را در صندوقی قرار داده و به دریا افکند، با دلی آرام و اعتمادی کامل به خدا، دست به این کار

۱- آل عمران: ۳۶.

۲- مریم: ۱۶ و ۱۷.

۳- نمل: ۲۵ و ۲۶.

خطرناک زد، با این که خدا به او گفته بود که کسی او را از آب می گیرد که دشمن خدا و آن طفل است و این احتمال بسیار قوی بود که حتی اگر در دریا غرق نشود، گرفتار فرمانروای ستمگری شود که هزاران نوزاد بی گناه را برای نابود ساختن او از بین برده است؛(۱) ولی این زن، مطمئن به وعده الهی، بدون هیچ گونه اضطرابی، به فرمان خدا عمل نمود و فرزند دلبندش را به دریا افکند و با دلی سرشار از سکینه و آرامش، منتظر ماند تا وعده الهی به تدریج تحقق پذیرد.(۲)

این حالت، شبیه اطاعت حضرت ابراهیم علیه السلام از فرمان الهی در ذبح نمودن فرزندش اسماعیل است که با دلی مطمئن و ایمانی سرشار، اقدام به قربانی کردن او نمود و در واقع، نفس خود را در برابر رضای الهی به قربانگاه عشق برد. در اینجا نیز، مادر موسی علیه السلام پاره تن خود را به امواج خروشان نیل سپرد، ولی چون از نظر ایمان، به درجه ایمان انبیای ابراهیمی رسیده بود، انجام این عمل برای او دشوار ننمود و بی چون و چرا، فرمان الهی را اجرا کرد.(۳) برخی از نویسندگان، احتمال دیگری را برای جمله «وَ أَصْبَحَ فُؤادُ أُمّ ِ مُوسی فارِغًا » مطرح کرده اند و آن این که، قلب مادر موسی از هر امیدی تهی گردید و نهایت خوف و غم، او را دربرگرفت؛ زیرا آگاه شد که فرزندش، اکنون در میان دستان فرعون و درباریان است. این احتمال را از آن رو که خداوند به او نوید آینده ای گرانبار برای فرزندش داده است،

۱- بقره: ۴۹.

۲- «وَ أَصْبَحَ فُؤادُ أُمّ ِ مُوسی فارِغًا». قصص: ۱۰

۳- ابراهیم ابراهیم هلال، من بطولات المرئه فی القرآن الکریم، مکتبه النهضه المصریه، ۱۴۰۶ق، ص ۲۳.

منتفی است؛ زیرا با وجود وعده الهی، بسیار دور از ذهن است که قلب او فارغ از هر امیدی شده باشد.(۱)

اما در عین حال، ممکن است منظور از آیه این باشد که دل مادر موسی با توجه به شرایط طبیعی و عادی، از هر امیدی درمورد زنده ماندن فرزندش، تهی گردید. ولی در جایی که اعتماد بنده از هر سببی بریده شود و تنها به خدا امیدوار باشد، خداوند بی درنگ دعایش را مستجاب نموده و آرامش و اطمینان را بر دل و جانش مستولی می گرداند.

اتکال به خداوند

همچنان که اشاره شد، در شرایطی که با توجه به علل و اسباب عادی، هیچ امیدی به حل مشکلات وجود ندارد و انسان به کمال انقطاع از شرایط طبیعی رسیده است، امید بیشتری به عنایت الهی می رود. در حدیثی از امیرالمؤمنین علیه السلامروایت شده که فرمود:

«کُنْ لِما لا تَرْجوا أرْجی مِنک لِما تَرْجُوا» إلی أنْ قال: «و خرجت ملکةُ سبأ فاسلمت مع سلیمان علیه السلام»(۲)

در مواردی که از شرایط عادی ناامید هستی، بیشتر امیدوار باش. تا آنجا که آن حضرت فرمود: «ملکه سبا ــ باآن قدرت و شوکتش، به نشانه تسلیم ــ از شهر خود خارج و به سوی سلیمان علیه السلام روانه گردید، ــ در حالی که امیدی به آینده روشنی نداشت، ــ ولی توفیق اسلام آوردن در معیت سلیمان علیه السلام نصیب او گردید.

ص: ۳۸

۱- نگرش قرآن بر حضور زن در تاریخ انبیاء، ص ۸۹ .

۲- عبد علی العروسی الحویزی، تفسیر نورالثقلین، تحقیق: السید هاشم الرسولی المحلاتی، قم، مطبعه الحکمه، ج ۴، ص ۹۳.

آری! خدای متعال کار ضـعیفان چنان سازد که جمله اقویا از آن در تعجب آیند. صدهزار مقرب مسبّح مقدس در بحار رکوع و سـجود غوص کردنـد و بر درگـاه عزت، آواز تسبیـح و تقـدیس برآوردنـد و کس حـدیث ایشـان نکرد و آن ضـعیفه بینوای عاجز، آن مجادله که از سـر سوز و تحیر بر آن درگاه بزاریـد و از نومیـدی بنالیـد، بنگر که قرآن مجید رقم اعزاز بر کسوه راز وی چون کشید که:

قَدْ سَمِعَ اللّهُ قَوْلَ الَّتی تُجادِلُکَ فی زَوْجِها وَ تَشْتَکی إِلَی اللّهِ وَ اللّهُ یَسْمَعُ تَحاوُرَکُما إِنَّ اللّهَ سَمیعٌ بَصیرٌ (مجادله: ۱)

به راستی که خداوند سـخن زنی را که با تو درباره همسـرش مجادله می کرد و به خداوند شکایت حال خود می گفت، شنید. و خداوند گفت وگوی شما دو تن را می شنود؛ زیرا خداوند، شنوای بیناست.

اعتقاد به وحی انبیاء

پس از ایمان و اعتقاد راسـخ به خدا و پس از دل سپردن به او در اجرای فرمان ها و خواسـته های الهی، قدم بعدی آن است که به نبوت فرستادگان او ایمان آورده و اوامر آنها را که شعبه ای از دستورهای الهی است، جامه عمل بپوشانیم.

از ویژگی هایی که خداونـد متعال، بنـده برگزیده خود، مریم علیهاالسـلام را با آن سـتود، آن است که وی، کلمات پروردگار خود را که بنـا به گفته برخی، همـان وحی انبیـاء است، تصـدیق نموده و به آن ایمان آورد. همچنین، وی کتاب هایی را که از سوی خـدا بر انبیاء نازل شـده، مورد تأیید و تصدیق خود قرار داد. از این رو، تصدیق وحی انبیاء و کتاب های آنان، از ویژگی هایی است که مریم علیهاالسلام با داشتن آنها به عنوان الگویی، نه فقط

برای زنان بلکه برای تمامی مردم عالم، معرفی شده است:

وَ ضَرَبَ اللّهُ مَثَلاً لِلَّذینَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قالَتْ رَبِّ ابْنِ لی عِنْدَکَ بَیْتًا فِی الْجَنَّهِ وَ نَجِّنی مِنْ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ وَ نَجِّنی مِنَ الْقَوْمِ الظّالِمینَ وَ مَرْیَمَ ابْنَتَ عِمْرانَ الَّتی أَحْصَنَتْ فَرْجَها فَنَفَخْنا فیهِ مِنْ رُوحِنا وَ صَدَّقَتْ بِکَلِماتِ رَبِّها وَ کُتُبِهِ وَ کانَتْ مِنَ الْقانِتینَ. (تحریم: ۱۱ و ۱۲)

و خدا برای کسانی که ایمان آورده اند، زن فرعون را مَثَل می زند، آن گاه که گفت:ای پروردگار من! برای من در بهشت نزد خود خانه ای بنا کن و مرا از فرعون و عملش نجات ده و مرا از مردم ستمکاره برَهان. و مریم، دختر عمران را که دامان خود را پاک نگه داشت و ما از روح خود در او دمیدیم و او کلمات پروردگار خود و کتاب هایش را تصدیق کرد و او از فرمانبرداران بود.

تسلیم عملی در برابر انبیای الهی

هر چند گرایش قلبی به وحی و رسالت لازم است، ولی تا به مرحله عمل در نیاید، نمی توان از ثمرات ارزشمند آن بهره مند شد؛ بلکه می توان گفت، کسی که خود را معتقد به رسالت انبیاء دانسته، اما از اوامر آنها سرپیچی می کند، در حقیقت طعم شیرین این اعتقاد را در کام خود احساس نکرده است.

همسر لوط شاهد مناسبی بر این مدعاست. هنگامی که گروهی از فرشتگان برای عذاب کردن قوم جفاکار لوط به منزل او واردشدند، آن حضرت به همسرش فرمود: امشب میهمانانی بر من وارد شده اند، پس مسئله ورود آنان را پنهان دار تا از سوی مردم به آنها آسیبی نرسد. همسر لوط پذیرفت، ولی از آنجا که اعتقاد او به نبوّت لوط با جانش آمیخته

نبود، بر روی بام رفت و با روشن کردن آتش، مردم را از حضور میهمانان آگاه ساخت.(۱)

خدای سبحان نیز به خاطر این نفاق و دورویی، وی را در آتش قهر و غضب خود شعله ور ساخت.(۲)

درمقابل، کسانی نیز هستند که هر چند تمایل باطنی به انجام امری ندارند، اما همین که رضایت خدا و رسول را در تحقق آن می یابند، با میل و رغبت به آن گردن می نهند.

پیامبراکرم صلی الله علیه و آله که می خواست برای بنده آزاد شده و فرزند خوانده خویش، زید بن حارثه، همسری برگزیند. از دختر عمه اش، زینب بنت جحش که از اشراف بنی هاشم بود، خواستگاری نمود. او و برادرش عبدالله، از این که زید از نظر حسب و نسب با آنان برابر نبود، این پیشنهاد را نپذیرفتند، تا این که این آیه نازل شد:

وَ ما کانَ لِمُؤْمِنٍ وَ لا مُؤْمِنَةٍ إِذا قَضَی اللّهُ وَ رَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ یَکُونَ لَهُمُ الْخِیَرَهُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَ مَنْ یَعْصِ اللّهَ وَ رَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلالاً مُبینًا. (احزاب: ۳۶)

و هیچ مرد و زن مومنی را نرسد که چون خداوند و پیامبرش امری را مقدر دارند، آنان را در کارشان اختیار (و چون و چرایی) باشد و هر کسی از (امر) خداوند و پیامبر او سرپیچی کند، در گمراهی آشکاری افتاده است.

و بر اساس آن، زینب موظف شد، حتی در امری شخصی همچون

۱- ابی علی الفضل طبرسی، تفسیر مجمع البیان، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۶ ق، ج ۴، ص ۶۸۶ .
۲- «فَأَنْجَیْناهُ وَ أَهْلَهُ إِلاَّ امْرَأَتَهُ کانَتْ مِنَ الْغابِرینَ»، اعراف: ۸۳ .

ازدواج، نظر رسول خدا صلی الله علیه و آله را بر نظر خود ترجیح دهد. و او نیز که انجام این ازدواج را مطابق رضایت رسول خدا دانست، سرانجام با آن موافقت کرد.(۱)

ص: ۴۲

۱- در اینجا ممکن است این سؤال مطرح شود که چرا رسول اکرم صلی الله علیه و آله در امری کاملاً شخصی مانند ازدواج، نظر خود را بر زنی که از نظر قانونی حق انتخاب همسر آینده را دارد، تحمیل نموده و او را وادار به ازدواج با شخصی می کنند که مورد پسند وی نیست؟ و آیا این امر با این ادعا که اسلام بیشترین دفاع را از حقوق زنان کرده است، منافات ندارد؟ در جواب این سؤال باید گفت که یکی از مهم ترین دستاوردهای اسلام، احقاق حقوق بشر و مبارزه با آداب و سنن جاهلی است که بر مبنای آنها، جوامع بشری به صورتی کاملاً طبقاتی درآمده بود و به جای تکیه بر فضیلت های فردی، شرافت های نسبی حرف اول را در تعیین ملاک سنجش افراد می زد. رسول خدا صلی الله علیه و آله با پیام حیات بخش «ان اکرمکم عندالله اتقیکم» به مبارزه با ارزش های موهوم جاهلیت برخاست و تنها ملاک برتری افراد را در تقوای آنها دانست. و از آن جا که صرف گفتار، در تحقق خواسته باطنی آن حضرت کافی نبود، عملاً شرافت های بی پایه زمان جاهلیت را زیر پا گذاشت. یکی از مظاهر مبارزات عملی حضرت باجامعه طبقاتی آن روز، تصمیم بر ازدواج زید با زینب بود. اصرار آن حضرت بر انجام این پیوند، با وجود میل باطنی زینب در ابتدای امر و حمایت خداوند از این اقدام رسول اکرم صلی الله علیه و آله، اهمیت توجه به ارزش های اصیل و نادیده انگاشتن ارزش های خرافی و غیر واقعی را به اثبات می رساند. جالب آنکه، رسول خدا برای مبارزه با این سنت جاهلی، از دختر عمه خویش که زنی زیبا و از اشراف بنی هاشم بود، آغاز نمود و او را به عقد برده آزاد شده خویش درآورد تا این عمل رسول خدا نیز سرمشقی برای همه پیروان او قرار گیرد. ضمن آنکه زینب نیز پس از آگاهی از خشنودی الهی به این ازدواج و تلازم آن با ایمان، با رضایت کامل به آن تن داد.

فصل دوم: تربیت عبادی بانوان به شیوه الگویی

اشاره

پس از تشریح هویت فکری مستقل زنان و تأکید بر داشتن جهان بینی مبتنی بر تحقیق و اعتقاد به توحید عبادی و ایمان به رسالت و وحی انبیاء، نوبت به آن می رسد که با تبیین هدف خداوند از آفرینش انسان، راه او را در رسیدن به مقصد غایی خلقت مشخص سازیم. این قسمت از بخش دوم که بر محور عبودیت متمرکز است، شامل دو مبحث درباره عبادت و دعاست و در آن با بهره گیری از نمونه های قرآنی به تبیین ویژگی های هر یک پرداخته خواهد شد. نکته قابل توجه آن است که در فصل اول این بخش نیز به بحث درباره عبادت پرداخته شد؛ ولی در آنجا، محور بحث، ابعاد اعتقادی مربوط به مسئله عبادت و بندگی بود، ولی در این فصل، جنبه های عملی و ویژگی های رفتاری عبودیت و پرستش، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

عبادت و ویژگی های آن

اشاره

خداوند سبحان در قرآن کریم، هدف نهایی از خلقت انسان را عبادت خودمعرفی نموده(۱) و ارزش انسان را به میزان دعا و عبودیت او می داند.(۲)

۱- «وَ ما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ إِلاّ لِيَعْبُدُونِ». ذاریات: ۵۶.

۲- قُلْ ما يَعْبَؤُا بِكُمْ رَبّى لَوْ لا دُعاؤُكُمْ، فرقان: ۷۷ [در این آیه عبادت را به دعاء مبدل کرده است. تفسیرالمیزان، ج ۱۸، ص ۵۸۲].

حقیقت عبـادت آن است که بنـده، خود را در مقـام ذلت و عبودیت واداشـته، رو به سوی مقام رب خود آورد. بنابراین، اعمال عبادی که با اعضا و جوارح عبد انجام می گیرد، مانند قیام، رکوع و سجود، همه برای مطلوبی بالاتر است و آن این که بندگی و ذلت عبـودیت بنـده را در برابر رب العـالمین نشـان دهـد و عبـد، فقر و مملوکیت محض خود را در برابر عزت مطلق و غنـای محض مجسم سازد.(۱) همین اظهـار عجز و ذلت است که لباس فخر و کرامت بر قامت انسان می پوشانـد و او را تا مقام خلیفه اللهی بالا می برد. بررسـی سـرگذشت زنان نمونه در قرآن، ما را به این حقیقت آگاه می کند که سرّ عنایت و توجه خداوند به آنان، جز آن نبود که سر تعظیم بر آستان بی نیاز، فرود آوردند.

اطاعت و خضوع کامل مریم علیهاالسلام در برابر پروردگار و ابراز فقر محض خویش در برابر کمال مطلق، او را به آنجا رساند که الگو و نمونه ای برای تمامی انسان های با ایمان شد.

وَ ضَرَبَ اللّهُ مَثَلًا لِلَّذینَ آمَنُوا... وَ مَرْیَمَ ابْنَتَ عِمْرانَ... وَ کانَتْ مِنَ الْقانِتینَ. (تحریم: ۱۱ و ۱۲)

در این آیه کریمه، مریم علیهاالسـلام از «قـانتین» دانسـته شـده و قانت کسـی است که در برابر رب جلیل مطیع، متواضع و ذلیل باشد.(۲)

زکریای پیامبر با مشاهده عبودیت خالصانه مریم علیهاالسلام، با وجود پیری

۱- تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۵۸۲.

۲- المنجد، ص ۶۵۶ .

خود و نازا بودن همسرش، از خدا درخواست ذریه طیبه نمود(۱) و خداوند دعای او را اجابت فرمود و در مقام تعلیل استجابت دعا فرمود:

و اسْتَجَبْنا لَهُ وَ وَهَبْنا لَهُ یَحْیی وَ أَصْلَحْنا لَهُ زَوْجَهُ إِنَّهُمْ کانُوا یُسارِعُونَ فِی الْخَیْراتِ وَ یَدْعُونَنا رَغَبًا وَ رَهَبًا وَ کانُوا لَنا خاشِعینَ. (انبیاء: ۹۰)

و دعایش را مستجاب کردیم و به او یحیی را بخشیدیم و زنش را برایش شایسته گردانیدیم. اینان در کارهای نیک شتاب می کردند و با بیم و امید ما را می خواندند و در برابر ما خاشع بودند.

و از عواملی که باعث شد او و همسرش به آرزوی خود رسیده و صاحب فرزند صالحی چون یحیی علیه السلام شوند، خشوع و فروتنی کامل آنان در برابر ذات غنی مطلق عنوان شد.(۲)

با این وصف، عبادتی که مورد توجه حق تعالی قرار گرفته و هدف آفرینش انسان دانسته شده، از خصوصیاتی برخوردار است که در زیر به آنها اشاره می شود.

خلوص در عبادت

همچنان که اشاره شد، حقیقت عبادت آن است که عبد، از غیر خدا گسسته و به او پیوسته باشد؛ بنابراین در انجام اعمال عبادی جز فقر خود و غنای حق، چیز دیگری را در نظر نگرفته و نه تنها در عبادت جلب توجه دیگران مورد نظر او نبوده و از آن پرهیز می کند، بلکه حتی خود را نیز به فراموشی می سپارد و تنها به او می اندیشد. پس اگر عبادتی، فاقد

۱- «هُنالِکَ دَعا زَکَرِیّا رَبَّهُ قالَ رَبِّ هَبْ لی مِنْ لَدُنْکَ ذُرِّیَّهً طَیِّبَهً». آل عمران، ۳۸

۲- ما بر ایشان انعام کریم چون که... و دل هایشان در برابر ما خضوع داشت. تفسیرالمیزان، ج ۱۴، ص ۴۴۶.

ویژگی اخلاص شد و در آن توجه به غیر خدا مطرح شد، از حبّ و واقعیت تهی می گردد و جز صورت عبادت از آن باقی نمی ماند.

از ویژگی های بارز مریم علیهاالسلام، اخلاص او در عمل و بی توجهی محض او نسبت به ماسوی الله بود. خدای سبحان، عبادت ناب وی را آن چنان مورد توجه و عنایت خود قرار داده که پیامبراکرم صلی الله علیه و آله را به آن تذکر داده و می فرماید:

وَ اذْكُرْ فِي الْكِتابِ مَرْيَمَ إِذِ انْتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِها مَكاناً شَرْقِيًّا. (مریم: ۱۶)

و در کتاب از مریم یاد کن، آن گاه که از خاندان خویش، در گوشه ای شرقی کناره گرفت.

در این آیه، کلمه «انتبذت» از ماده «نبذ» و به معنی دور انداختن شیئی غیر قابل توجه است(۱) و این تعبیر در آیه، شاید اشاره به آن باشد که مریم علیهاالسلام به صورت متواضعانه و گمنام و بی هیچ جلب توجهی، از جمع کناره گیری کرد و آن مکان از خانه خدا را برای عبادت انتخاب نمود.(۲)

نکته تربیتی مهمی که از اینجا به دست می آید، آن است که انسان آن گاه قادر به ایجاد دگرگونی های عمیق و اساسی در جامعه خواهد بود که ابتدا با ایجاد آرامشی درونی و رهایی از درگیری های قلبی، مقدمات عنایت الهی را فراهم نماید و آن گاه که از دلی آرام وضمیری صافی برخوردار گردید، با بازگشت به اجتماع، به ایجاد اصلاحات اساسی اقدام نماید.

البته آشکار است که این نحو از فراغت قلبی، با آن نوع از انزوا که

۱- المنجد، ص ۷۸۵.

۲- تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۳۳.

مورد نهی بزرگان دین واقع شده، بسیار متفاوت است؛ زیرا در انزوای مذموم، نفس گوشه گیری و بر بدن از اجتماع به صورت هدف جلوه کرده و فرد منزوی، هیچ تمایلی به ارتباطات اجتماعی و حتی عمل به وظایف اجتماعی دینی از خود نشان نمی دهد؛ در حالی که سالک الی الله، برای عمل بهتر به وظیفه و تعهدات اجتماعی، خود را ملزم به تصفیه درونی دانسته و از «انتباذ» به عنوان عاملی مؤثر در رسیدن به هدف که عمل صحیح به وظایف فردی و اجتماعی و در نهایت قرب الی الله است، استفاده می کند.

جدیت در عبادت

کسی که خود را عبد خدا دانسته و خود را فقیر محض و او را بر طرف کننده همه نیازهای خود بداند، در مسیر عبادت و بندگی حق، هیچ گونه خستگی و کسالتی در خود احساس نمی کند، زیرا او در آفرینش ،هدفی جز عبادت نمی شناسد و کمالی جز قرب به حق سراغ ندارد. پس اگر می شنویم که مریم علیهاالسلامآن چنان غرق عبادت و بندگی خدا بود که به گفته ابن عباس، هنگامی که نه ساله شد، روزها روزه می گرفت و شب ها به عبادت می پرداخت و آن چنان در پرهیزگاری و معرفت پروردگار پیش رفت که از احبار و دانشمندان پارسای آن زمان نیز پیشی گرفت(۱) یا از مفسرین نقل شده است که وقتی فرشتگان فرمان «یا مریم اقنتی لربک و اسجدی و ارکعی مع الراکعین». (آل عمران: ۴۳) (ای مریم! از پروردگارت اطاعت کن و سجده کن و با نمازگزاران نماز بخوان) را به مریم رساندند، آن قدر به نماز

۱- تفیسر مجمع البیان، ج ۲، ص ۴۳۶.

ایستاد تا پاهای او ورم کرد و خون و چرک از پایش جاری شد،(۱) و یا در ماجرای نذر امیرالمؤمنین و حضرت زهرا علیهماالسلام برای بهبودی حسنین علیهماالسلام شنیده ایم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، زهرای اطهر علیهاالسلام را پس از سه روز روزه پیاپی و بدون افطاری در محراب عبادت یافت، در حالی که چشمانش گود افتاده و شکمش ازگرسنگی به دنده های پشتش چسبیده بود؛(۲) همه این موارد حاکی از معرفت و عشق سرشار آنان به کمال مطلق است، نه صرف یک عمل صوری خشک و بی محتوا.

دوام در عبادت

برخی چنین می پندارند که عبادت، تنها وسیله ای برای رسیدن به بعضی از مقامات روحانی و معنوی است و تا جایی کاربرد دارد که نیل به آن مقامات حاصل نشده، بنابراین پس از رسیدن، دیگر نیازی به بندگی و پرستش نیست و اصولاً در این مرحله تکلیف از انسان ساقط می گردد؛ اما بر خلاف تصور آنان، قرآن کریم عبادت را هدف آفرینش انسان دانسته(۳) و برای انسان ارزش و هویتی جدا از دعا و عبادتش قائل نیست؛(۴) زیرا انسان آن گاه می تواند باقی به بقای حق گردد که به فقر ذاتی خود به کمال مطلق و نامحدود آگاه شده و همواره به آن اذعان نموده و از راه اظهار فقر و ناچیزی خود، با اتصال به ذات حق، کسب هویت نماید. پس اگر در

۱- فخرالدین محمد الرازی، التفسیر الکبیر، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ ق، ج ۸، ص ۴۰.

۲- تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص ۲۱۳.

۳- «وَ ما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ إِلاّ لِيَعْبُدُونِ»، ذاریات: ۵۶.

۴- «قُلْ ما يَعْبَؤُا بِكُمْ رَبّى لَوْ لا دُعاؤُكُمْ»، فرقان: ۷۷.

مرحله ای از مراحل سیر و سلوک، عبداز بندگی و ذلت خود غافل شود و سر نیاز بر قدم بی نیاز نساید، بی تردید از هدف خلقت دور مانده و به سر منزل مقصود، ره نخواهد برد.

در اینجا اگر کسی ادعا نماید که بندگی از آن رو که اظهار عجز و اعتراف به ذلّ و مسکنت در برابر خداست، امری درونی و باطنی است و تلازمی با عبادات صوری و ظاهری ندارد، در جواب گفته می شود که گرچه بر اساس تعریف قبلی،(۱) حقیقت عبادت آن است که بنده، خود را در مقام ذلّت و عبودیت واداشته و رو به سوی رب خود آورد، ولی این معنا همان طور که عجز و مسکنت باطنی را شامل می شود، ابراز بندگی به شکل ظاهری را نیز در بر می گیرد. و حتی اگر بندگی را تنها با دل شکستگی و اظهار انکسار باطنی مترادف بدانیم، به طور حتم در جایی که این مذلت افزون بر باطن، به ظاهر نیز تسری یابد، درجه عبودیت بالا و بالاتر خواهد رفت. افزون بر آن که در سیره هیچ یک از بزرگان دین دیده نمی شود که پس از رسیدن به مقامات عالی روحانی، دست از وظایف ظاهری خود برداشته و تنها با اعمال قلبی، انکسار خود را در پیشگاه حق ابراز نمایند.

حضرت مریم علیهاالسلام پس از آن که به مقام منیع اصطفاء و تطهیر از سوی خدا نایل شد،(۲) مأمور به قنوت، سجود و رکوع پروردگار گردید.(۳) و

۱- تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۵۸۲.
۲- «وَ إِذْ قالَتِ الْمَلائِکَهُ یا مَرْیَمُ إِنَّ اللّهَ اصْطَفاکِ وَ طَهَّرَکِ وَ اصْطَفاکِ عَلی نِساءِ الْعالَمینَ»، آل عمران: ۴۲.
۳- «یا مَرْیَمُ اقْنُتی لِرَبِّکِ وَ اسْجُدی وَ ارْکَعی مَعَ الرّاکِعینَ»، همان، ۴۳.

«قنوت»، گرچه در اصـل به معنی طـاعت است، ولی به هر گونه اسـتقامت و پایـداری در راه دین نیز گفته شـده و حتی طولانی نمودن نماز را نیز قنوت خوانده اند.(۱)

و خداونـد متعـال در آن هنگـام که مریم علیهاالسـلام را الگوی همه مردم معرفی نمود، قنوت و اطاعت دایمی او از فرمان های الهی را به عنوان یکی از ملاک های این انتخاب مهم برشمرد:

وَ ضَرَبَ اللّهُ مَثَلًا لِلَّذینَ آمَنُوا... وَ مَرْیَمَ ابْنَتَ عِمْرانَ الَّتی... وَ کانَتْ مِنَ الْقانِتینَ. (تحریم: ۱۱ و ۱۲)

عبادت جمعی

از آنجـا که عبادت، هر گاه به صورت جمعی برگزار شود آثار و برکات آن چنـد برابر می گردد، خداونـد سبحان با فرمان به مریم علیهاالسـلام، او را به انجـام عبـادت به همراه عبادت کننـدگان دعوت نمود. و با این دعوت، اصل مطلوبیت شـرکت زنان مؤمن در نیایش های گروهی، همچون نماز جماعت را اثبات نمود؛

«یا مَرْیَمُ اقْنُتی لِرَبِّکِ وَ اسْجُدی وَ ارْکَعی مَعَ الرّاکِعینَ» (آل عمران: ۴۳)

ای مریم فرمانبردار خدا باش و همراه با رکوع کنندگان سجده و رکوع کن.

نکته شایان توجه در این ندا، آن است که خداوند فرمود: «وارکعی مع الراکعین» و به کار بردن واژه راکعین، «نه راکعات»، می تواند اشاره به آن باشد

۱- قنت... و الاصل فیه الطاعه، یقال قنت یقنت قنوتا ثم سـمی کل اسـتقامه فی طریق الدین قنوطا و قیل لطول القیام فی الصـلاه قنوت. معجم مقأئیس اللغه، ج ۵، ص ۳۱.

که زنـان بـا رعایت قوانین و احکام و شـئون اخلاقی و دینی، می تواننـد در عبادات جمعی که مردان نیز در آن حضور دارنـد، مشارکت نمایند.

دعا و ویژگی های آن

اشاره

همچنان که در بحث پیشـین عنوان شـد، خداونـد، عبادت را تنها هدف آفرینش انسان اعلام نمود؛ از این رو توجه حق، تنها به کسـی اسـت کـه به هـدف آفرینش پی برده و به عبـادت او بـپردازد. از سـوی دیگر، ارج و ارزش انسـان را به دعـای او مرتبط دانسته و به پیامبر خود فرمود: «بگو پروردگار من برای شما ارجی قائل نیست، اگر دعایتان نباشد.»(۱)

نتیجه ای که از جمع بین این دو آیه به دست می آیـد، آن است که عبـادت و دعـا به یک اصل منتهی می شود و حقیقت دعا، چیزی جز طاعت و بنـدگی حق نیست؛ به خصوص که آیه ۷۷ سوره فرقان نتیجه ای برای چهارده آیه پیشـین است که در آنها به بیان صفات و ویژگی های «عبادالرحمن» پرداخته شده و از آن چنین برداشت می شود که عبادت حق و دعا به درگاه او، هر دو از یک سرچشمه جریان یافته اند و آن هم چیزی جز اظهار فقر و عجز مطلق در برابر غنا و کمال مطلق نیست.

کلمه دعـا از «دعو» گرفته شـده و به معنـای آن است که انسـان به کمـک صـدا و کلاـم، چیزی را متوجه خود سازد؛(۲) و در اصطلاح، دعای عبد به معنی آن است که با خواندن پروردگارش، رحمت و عنایت او را به سوی

۱- «قل ما یعبوا بکم ربی لولا دعاءُکم»، فرقان: ۷۷.
۲- معجم مقائیس اللغه، ج ۲، ص ۲۷۹.

خود جلب کند و خواندنش به این است که خود را در مقام عبودیت و مملوکیت قرار دهد. از این رو، عبادت درحقیقت دعاست، چون بنده در حال عبادت، خود را در مقام مملوکیت و اتصال به مولای خویش قرار می دهد و اعلام پیروی و اقرار به ذلت می کند تا خدا را با مقام مولویت و روبوبیتش به خود معطوف سازد؛ دعا هم عینا همین است. خدای تعالی در جای دیگر نیز به اتحاد حقیقت دعا و عبادت اشاره داد، آنجا که می فرماید:

وَ قالَ رَبُّکُمُ ادْعُونی أَسْتَجِبْ لَکُمْ إِنَّ الَّذینَ یَسْتَکْبِرُونَ عَنْ عِبادَتی سَیَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ داخِرینَ. (مؤمن: ۶۰)

و پروردگارتان گفت: بخوانید مرا تا پاسخ شما را گویم. آنهایی که از پرستش من سرکشی می کنند، زود است که در حالت خواری به جهنم در آیند.

که در اول فرمان به دعا داده، سپس همین تعبیر به دعا را مبدل به تعبیر عبادت کرده و فرموده است(۱): «بی گمان کسانی که از عبادت من استکبار می ورزند، به زودی به خواری و زاری وارد دوزخ شوند.»

اینک، در این بخش از بحث درباره تربیت عبادی زنان با استفاده از الگوهای رفتاری زنان در قرآن، به گفت و گو در مورد اهمیت و آداب دعا می پردازیم.

اولین دعایی که انسان از خدا مسئلت نمود، درخواست عفو وبخشش بود.(۲) هنگامی که آدم و حوا تحت تأثیر وسوسه شیطان، از درخت ممنوع

۱- تفسیر المیزان، ج ۱۰، ص ۵۲.

۲- تفسیر نور، ج ۴، ص ۳۷.

چشیدند، بی درنگ به خطا و لغزش خویش آگاه شده و پس از اعتراف به آن، از خداوند تقاضای عفو و رحمت نمودند.(۱) این تقاضای ارزشمند که به صورتی کاملاً عاجزانه از خدا مسئلت شد؛(۲) با لطف الهی همراه بود؛ زیرا تلقی و ادای همین کلمات دعا را نیز، خدا خود به آدم آموزش داده بود.(۳) و این به ما می آموزد که خدا تا آنجا به بنده عاصی خویش عنایت دارد که حتی چگونگی ارتباط با خود را پس از ارتکاب عصیان و گناه، به او آموزش می دهد.

نمونه دیگر از عنایت ویژه خدا به دعا کنندگان را در آیه ۷۵ سوره نساء می بینیم که بزرگداشت دعای زنان مستضعف که به همراه مردان و کودکان، برای رفع ستم ظالمان دست به دعا برداشته و از خداوند، ولی و ناصر طلبیدند، مسلمانان را از بی اعتنایی به فریاد رسی آنان بر حذر داشته و به جهاد در راه آزاد سازی مردم مستضعف ترغیب می نماید.

در واقع، نقل این دعا، رد کسانی است که می پندارند دعا برای انسان سودی ندارد و از دعا چیزی به او نمی رسد؛ زیرا خداوند، در اینجا از این حکایت کرده که مستضعفان دعا کردند و خدا دعای آنان را اجابت فرمود، چه اگر دعای آنان مستجاب نشده بود، ذکر کردن دعای آنان از سوی خدا، بی معنی و بی مورد بود.(۴)

۱- «فدلیهما بغرور فلما ذاقا الشجره بدت لهما سوءاتهما... قالا ربنا ظلمنا انفسنا و ان لم تغفرلنا و ترحمنا لنکونن من الخاسرین»، اعراف، ۲۲ و ۲۳.

۲- آدم و حوا نگفتند: خدایا! ما را ببخش، بلکه عرضه داشتند: خدایا! اگر ما را مورد بخشش و رحمت خود قرار ندهی، از زیان کاران خواهیم بود.

۳- «فَتَلَقّی آدَمُ مِنْ رَبِّهِ کَلِماتٍ فَتابَ عَلَیْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوّابُ الرَّحیمُ»، بقره: ۳۷.

۴- تفسیر مجمع البیان، ج ۳، ص ۷۶.

از بررسی دعاهایی که از سوی بانوان مطرح در قرآن به پیشگاه الهی عرضه شده، آداب خاص دعا و ایجاد ارتباط با معبود برداشت می شود که در این بخش با استناد به نمونه ها، به استخراج آداب دعا می پردازیم.

توجه کامل به خدا در دعا

همان گونه که اشاره شد حقیقت دعا، گسستن از خود و پیوستن به معبود است؛ از این رو، در هنگام دعا، توجه عبد تنها به سوی او بوده و خود را در محضر او می یابد. همسر عمران که برای وفای به نذر و گماردن فرزندش به خدمت خانه خدا، در انتظار فرزند پسری لحظه شماری می کرد، وقتی نوزادش را دختر یافت، آن چنان خود را به خدا نزدیک می دانست که او را مخاطب قرار داد:

فَلَمّا وَضَعَتْها قالَتْ رَبِّ إِنّی وَضَعْتُها أُنْثی. (آل عمران: ۳۶)

چون فرزند خویش بزاد گفت: ای پروردگار من! این که زاییدم دختر است...

و در این مناجات لطیف خود، پروردگارش را باحرف ندا نخواند، چرا که ندا مستلزم فاصله است و بین او و خدا فاصله ای نبود. او مطمئن بود که خدا پیشاپیش از دختر بودن حملش آگاه بوده، ولی با گفتن این کلام به دنبال آن بود تا خدا مرهمی بر درد وی نهد(۱) و خدا نیز چنین کرد و فرمود:

وَ اللّهُ أَعْلَمُ بِما وَضَعَتْ وَ لَیْسَ الذَّکَرُ کَالْأُنْثی وَ إِنّی سَمَّیْتُها مَرْیَمَ وَ إِنّی

۱- تفسیر کشف الاسرار، ج ۲، ص ۱۱۰.

أَعيذُها بِکَ وَ ذُرِّيَّتَها مِنَ الشَّيْطانِ الرَّجيمِ. (آل عمران: ۳۶)

و خدا به آنچه زاییده بود، داناتر است و پسر چون دختر نیست. او را مریم نام نهادم و او و فرزندانش را از شیطان رجیم در پناه تو می آورم.»(۱)

همین خصوصیت به فرزند ارجمندش، حضرت مریم علیهاالسلام هم منتقل شد؛ زیرا آن بانو نیز هنگامی که بشارت عیسی علیه السلام را از فرشتگان شنید، با این که طرف سخنش آنان بودند، شگفتی خود ازصاحب فرزند شدن را به طور مستقیم با خدا در میان گذاشت و نیز خدا را منادا قرار نداده، بلکه با او به مناجات پرداخت:

إِذْ قالَتِ الْمَلائِكَةُ يا مَرْيَمُ إِنَّ اللّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسيحُ عيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجيهًا فِي الدُّنْيا وَ الْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبينَ وَ يُكَلِّمُ النّاسَ فِي الْمَهْدِ وَ كَهْلًا وَ مِنَ الصّالِحينَ قالَتْ رَبِّ أَنّى يَكُونُ لى وَلَدٌ وَ لَمْ يَمْسَسْنى بَشَرٌ قالَ كَذلِكِ اللّهُ يَخْلُقُ ما يَشاءُ إِذا قَضى أَمْرًا فَإِنَّما يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ. (آل عمران: ۴۵ _ ۴۷)

فرشتگان گفتند:ای مریم! خدا تو را به کلمه خود بشارت می دهد؛ نام او مسیح، عیسی پسر مریم است، در دنیا و آخرت آبرومند و از مقربان است. با مردم همچنان که در بزرگی، در گهواره سخن می گوید و از شایستگان است. مریم گفت: ای !پروردگار من! چگونه مرا فرزندی باشد، در حالی که بشری به من دست نزده است؟ گفت: بدین سان که خدا هر چه بخواهد می آفریند؛ چون اراده چیزی کند به او گوید موجود شو، پس موجود می شود. بنده ای که خدا را به سوی خدا می خواند از خود جز عجز و ذلت و از او جز کمال و رأفت در نظر ندارد. پس هر گز اعمال کوچک و ناچیز خود را در برابر عظمت خدا به شمار نمی آورد، زیرا

۱- آل عمران، ۳۶.

توفیق انجام آن را نیز خدا به او عطا فرموده است.

همسـر عمران، سال ها به انتظار فرزنـد مانده بود، اما وقتی که باردار می شود، آن را نذر خدمت خانه خدا می نماید و با آنکه عزیزترین و محبوب ترین هدیه را به درگاه او تقدیم می کند، باز چشـمش به رحمت بی منتهای حق است و از مقام ربوبیت او می خواهد که این فرزند را از او پذیرا شود:

إِذْ قالَتِ امْرَأَتُ عِمْرانَ رَبِّ إِنّی نَذَرْتُ لَکَ ما فی بَطْنی مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنّی إِنَّکَ أَنْتَ السَّمیعُ الْعَلیمُ. (آل عمران: ۳۵)

هنگامی که همسـر عمران گفت:ای پروردگار من! نذر کردم که آنچه در شـکم دارم، آزاد و در خدمت توباشد. این نذر را از من بپذیر که تو شنوا و دانایی.

اعتراف به خطا و توبه از آن

ادب دیگر دعا آن است که عبـد، خطاها و لغزش هایش را در نظر گرفته و به آنها اعتراف نماید. پذیرفتن گناهان و اعتراف به آن هـا، درجه مهمی از عبـودیت است که طی آن ،بنـده بـا اظهـار اشـتباهات، ذلت خـود را در پیشـگاه حق به منصه ظهور می رساند.

آدم و حوا علیهماالسـلام به خـاطر نافرمـانی از دسـتور خـدا، ابتـدا به خطـای خویش اعتراف عـاجزانه و اظهار تـذلل و عبودیت نمودند و آن گاه از او طلب بخشش و رحمت نمودند:

قالا رَبَّنا ظَلَمْنا أَنْفُسَنا وَ إِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنا وَ تَرْحَمْنا لَنَکُونَنَّ مِنَ الْخاسِرینَ. (اعراف: ۲۳)

ص: ۵۶

گفتند: ای پروردگار ما! به خود ستم کردیم و اگر ما را نیامرزی و بر ما رحمت نیاوری، از زیان دیدگان خواهیم بود.

پس از اعتراف به گناه، لازم است عبد از آن توبه نماید و هوای بازگشت به خطای گذشته را به طور کامل از سر بیرون نماید. کسی که از لغزش خود توبه نکند، در حقیقت خود را از بندگی حق آزاد دانسته و لزومی به حرکت بر مبنای خواست او، در خود احساس نمی کند. در چنین شرایطی، نه تنها خدا نیز عنایتش را از او بر می گرداند، بلکه به شدت با او برخورد می کند. هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله رازی را با یکی از همسرانش در میان گذاشت و او با خیانت به ایشان، آن سرّ را برای یکی دیگر از زنان افشا کرد، خداوند توبه از آن گناه بزرگ را بر ایشان واجب کرد(۱) و تهدید کرد که اگر توبه نکنند و علیه رسول خدا با هم متحد گردند، خدا به سختی با آنان به رویارویی برمی خیزد. و برای آنکه عظمت این رویارویی روشن گردد، نه تنها خود و جبرئیل و صالح مؤمنان(۲) را یاور پیامبر معرفی کرد، بلکه فرشتگان را هم به عنوان پشتیبان آنان برشمرد.(۳) تلازم ترک توبه و انصراف عنایت الهی، از این آیه به خوبی برداشت می شود.

۱- «إِنْ تَتُوبا إِلَى اللّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُما» تحریم: ۴ «این خطاب با عایشه و حفصه است و جواب شرط محذوف است، یعنی اگر توبه کنید، این بر شما واجب است، چرا که قلوب شما از حق منحرف گردیده و لازم است توبه نمایید.» تفسیر کشف الاسرار، ج ۱۰، ص ۱۵۸.

۲- روایات متعدد از شیعه و سنی «صالح المؤمنین» را علی علیه السلام دانسته اند. رجوع شود به المیزان، ج ۱۹ ص ۵۷۲.

۳- « ... وَ إِنْ تَظاهَرا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللّهَ هُوَ مَوْلاهُ وَ جِبْرِيلُ وَ صالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمَلائِكَةُ بَعْدَ ذلِكَ ظَهِيرٌ»، تحریم: ۴.

همت بلند و جامعیت در دعا

همسر فرعون از چنان همتی برخوردار بود که آن گاه که خداوند او را به عنوان انسان نمونه معرفی می نماید ،برای بیان علت این گزینش، تنها به ذکر دعایی که در اواخر عمر شریفش از او نقل شده می پردازد:

وَ ضَرَبَ اللّهُ مَثَلاً لِلَّذینَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قالَتْ رَبِّ ابْنِ لی عِنْدَکَ بَیْتًا فِی الْجَنَّهِ وَ نَجِّنی مِنْ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ وَ نَجِّنی مِنَ الْقَوْمِ الظّالِمینَ. (تحریم: ۱۱)

و خدا برای مؤمنان، زن فرعون را مثل آورد هنگامی که عرض کرد: بارالها! تو در جار خودت خانه ای برایم در بهشت بنا کن و مرا از شر فرعون و کردارش و از قوم ستمکارش نجات بخش.

و چون خدای متعال در بیان حال این بانو و اشاره به مقام ویژه ای که در عبودیت داشت، دعایی را نقل می کند که او به زبان رانده، همین خود بر این دلالت می کند که دعای او عنوان جامعی برای عبودیت اوست و از این رو، خدای سبحان، حال او و آرزوی او و عمل او در طول زندگی را در دعایی مختصر خلاصه کرد، دعایی که جز این معنا نمی دهد که او از تمام سرگرمی های دنیا و هر چیزی که آدمی را از خدا بی خبر می کند، بریده و به پروردگار خود پناهنده شده و جز این آرزویی نداشته که به خدا نزدیک باشد و در دار کرامت او منزل گزیند.(۱)

همراه کردن دعا با عمل

ص: ۵۸

۱- تفسیر المیزان، ج ۱۹، ص ۵۷۸.

کسی که دعای خود را با عمل همراه نسازد، به تیراندازی می ماند که با کمان بدون زه تیراندازی نماید.(۱) چنین فردی، حقیقت دعا را نشناخته و نمی داند که دعا، همان اظهار عبودیت و بندگی بوده و مصداق روشن آن، عمل به خیرات و وظایف دینی است. پس اگر او تنها با زبان خدا را بخواند، ولی در عمل خلاف آن را مرتکب گردد، نه دعای او دعاست و نه مستلزم اجابت. هنگامی که زکریا از خدا خواست که با عطا کردن فرزند به او، وارثی برای او قرار داده و او را در تنهایی نگذارد، خدا نیز دعای او را مستجاب نمود و با شفا بخشیدن همسرش، یحیی را به او عطا کرد؛ آن گاه دلیل استجابت این دعا را اعمال صالح زکریا و خاندانش دانست و حتی صرف عمل به خیرات را کافی ندانست، بلکه مسئله تسریع آنان در انجام اعمال نیک را، عامل قبولی در خواست آنان و فرزند دار شدنشان بیان نمود.(۲)

همراه نمودن دعای کودکان

از آنجا که تکالیف الهی متوجه کودکان نیست؛ از این رو، آنان دچار گناه و معصیت الهی نمی شوند. مشارکت آنان در دعا، نقش موثری در پذیرفته شدن آن خواهد داشت و از آنجا که انجام این عمل عبادی از سوی کودکان، نیازمند تعلیم و آموزش است ،نقش آموزشی آن را همچون امور تربیتی دیگر، مادران عهده دار می شوند و فرزندانشان را نیز در دعا همراه

۱- الداعی بلا عمل کالرامی بلا وتر. نهج البلاغه صبحی صالح قصار الحکم ۳۷۷. قم: انتشارات دارالهجره.

۲- انبیاء، ۸۹ و ۹۰.

می نمایند؛ همان گونه که زنان مکه، هنگامی که فشار و ستم فراوانی از سوی کفار به آنان تحمیل شد، به همراه مردان و کودکانشان دست به دعا برداشتند و رهایی از چنگال مشرکان را از خدا مسئلت نمودند(۱) و چنان که در ابتدای بحث دعا مطرح شد، این دعا که خالصانه و با مشارکت کودکان بی گناه صورت گرفت، به اجابت رسید. نقش دعای کودکان به همراهی بزرگسالان در سرعت اجابت، تا آنجاست که حتی رسول خدا صلی الله علیه و آله با وجود عصمتش از گناه، در هنگام مباهله، حسنین را نیز در کنار پدر و مادر، وارد صحنه دعا می نماید و حتی در دعوت نصارا به مباهله، ابتدا سخن از دعوت فرزندان به میان می آورد(۲) و در حقیقت، چیزی که نصارا را از مباهله کردن با ایشان منصرف نمود، حضور مصمم خانواده رسول خدا در این مراسم بزرگ بود.(۳)

ازنقل این دو برنامه دعایی، یعنی دعای مستضعفان مکه و مباهله پیامبر و اهل بیتش علیهم السلام، اهمیت دعای دسته جمعی، به ویژه در موارد رویارویی حق با باطل نیز به خوبی استفاده می شود.

۱- «وَ ما لَکُمْ لا تُقاتِلُونَ فی سَبیلِ اللّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفینَ مِنَ الرِّجالِ وَ النِّساءِ وَ الْوِلْدانِ الَّذینَ یَقُولُونَ رَبَّنا أَخْرِجْنا مِنْ هذِهِ الْقَرْیَهِ الظّالِمِ أَهْلُها...»، نساء: ۷۵.

۲- «فَمَنْ حاجَّکَ فیهِ مِنْ بَعْدِ ما جاءَکَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعالَوْا نَدْعُ أَبْناءَنا وَ أَبْناءَکُمْ وَ نِساءَنا وَ نِساءَکُمْ وَ أَنْفُسَنا وَ أَنْفُسَکُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ...»، آل عمران: ۶۱ .

۳- زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله با نصارا برای مباهله توافق نمودند، رؤسای مسیحیان به آنان گفتند که اگر او با قومش به مباهله آمد با آنها مباهله می کنیم و اگر به اتفاق اهل بیتش آمدند مباهله نمی کنیم، زیرا در صورتی که فرزندان و اهل بیت خود را بیاورد، بی تردید صادق خواهد بود. و هنگامی که برای مباهله به میدان آمده و مشاهده نمودند که رسول خدا صلی الله علیه و آله، علی، فاطمه و حسنین را با خود به همراه آورده است، به شدت هراسان شده و با پرداختن جزیه از مباهله صرف نظر کردند. تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۸۸.

برآوردن دست نیاز

از آداب دعا که موجب جلب توجه و لطف و رحمت حق می گردد، ابتهال در دعاست. ابتهال، از «بهل» گرفته شده و به معنی تضرع در دعاست و مباهله نیز از اینجا گرفته شده، زیرا در آن هر یک از دو طرف مباهله، علیه طرف دیگر دعا می کند.(۱) رسول خدا صلی الله علیه و آله با به کار بردن کلمه «نبتهل» در پس آن بودند که با تضرع فراوان در درگاه خدا، بی درنگ دعایشان مستجاب شود و دروغگو به کیفر الهی برسد. ابتهال، مجسم کننده اوج خضوع و خشوع عبد در برابر مولاست که در بعضی از روایات نیز آن را باز کردن و بالا بردن دست ها و ساعدها به سوی آسمان(۲) و یا بالا بردن دست ها همراه با اشک ریختن(۳) دانسته اند که در این حالت، فقر محض در پیشگاه کمال مطلق ترسیم شده و رحمت و لطف او برای عنایت به بنده، معطوف می گردد.

همچنین در تبیین علت استجابت دعای زکریا، خداوند متعال، دعای با رغبت و رهبت او، همسر و خانواده اش را برمی شمرد.(۴) در کتاب معانی الاخبار در سندی، علی بن جعفر از برادرش موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده که فرمود:

رغبت آن است که آدمی کف دست و صورت خود را به آسمان کند و رهبت آن است که پشت هر دو دست را به طرف صورت کرده تا برابر

ص: ۶۱

۱- معجم مقائیس اللغه، ج ۱، ص ۳۱۰.

۲- «قال الصادق علیه السلام:... و الابتهال تبسط یدیک و ذراعیک الی السماء»، تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۲۹۱.

۳- «عن ابی عبدالله علیه السلام قال: و الابتهال رفع الیدین و تمدّهما و ذلک عندالدمعه»، همان.

۴- «فَاسْتَجَبْنا لَهُ... إِنَّهُمْ کانُوا... وَ یَدْعُونَنا رَغَبًا وَ رَهَبًا»، انبیاء: ۹۰.

صورت بلند کند.(۱)

البته در لغت، «رغب» را به معنی خواستن و طلب چیزی(۲) و «رهب» را به معنی خوف و ترس دانسته اند،(۳) پس ممکن است گفته شود که روایت امام کاظم علیه السلام در پی مجسم ساختن این ترغیب و ترهیب است، یعنی در جایی که به رحمت خدا رغبت داریم، به نشانه در خواست از خداوند، کف دستان را به سوی آسمان بلند کرده و هنگامی که از غضب و عقاب الهی بیمناکیم، به نشانه این ترس، پشت دستان را به طرف صورت کرده و تا برابر صورت بلند نماییم.

تأکید دعا توسط نذر

نـذر، از اموری است که می توان به کمک آن، خواسته را به اجابت نزدیک تر نمود. نـذر، در اصل به معنی ترسانیدن است و آن گـاه که انسـان چیزی را که بر او واجب نیست، واجب می گردانـد، از آن رو که تخلـف از آن مـوجب ترس از عقـاب می گردد، این گونه از تعهد را نیز «نذر» نامیده اند.(۴)

در داستان بیماری حسنین علیهماالسلام آمده است که برای شفای آنان، علی و فاطمه علیهماالسلام به اتفاق کنیزشان فضه، نذر نمودند که در صورت بهبودی

۱- تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۴۵۰.

۲- «رغب... طلب الشیئی»، معجم مقائیس اللغه، ج ۲، ص ۴۱۵.

۳- «رهب... یدل علی خوف»، همان، ج ۲، ص ۴۴۷.

۴- «نذر کلمه تدل علی تخویف او تخوف... و منه النذر و هو انه یخاف اذا خلف»، معجم مقائیس اللغه، ج ۵، ص ۴۱۴.

کودکان، سه روز روزه بگیرنـد و از آنجاکه خداونـد، این خانواده را به عنوان «ابرار» معرفی نموده و یکی از ویژگی های آنان را وفای به نذر خوانده است، معلوم می شود که نذر امیرالمؤمنین و حضـرت فاطمه علیهماالسـلام، باعث شفای فرزندان گردید و آنـان نیز با سه روز روزه پیاپی، به نـذر خود وفا نموده و طی آن ایثار تاریخی، غـذای افطار خود را به مسـکین و یتیم و اسـیر بخشیدند.(۱)

آنچه از انـدیشه در این ماجرا به دست می آیـد، آن است که نذر برای برآورده شدن خواسـته های انسان و به ویژه در بهبودی از بیماری تأثیر به سزایی دارد.

اما به طور حتم، نذر نیز مانند دعا باید با خلوص نیت همراه بوده و هر گونه انگیزه غیر الهی در نذر کنار گذاشـته شود. همسـر عمران، هنگامی که تصـمیم به نـذر فرزنـدش در راه عبادت خداگرفت، انگیزه ای جز به دست آوردن رضایت حق نداشت، از این رو بـا وجود سـال هـا انتظـار، آن گاه که باردار شـد، بـدون احساس کمترین دلبسـتگی به دنیا، پرده از اخلاص کامل خود برداشت و عرض کرد: «رب انی نـذرت لک ما فی بطنی محررا» پروردگارا، من آنچه در شـکم دارم نـذر کردم که آزاد از هر قیـد، در بند خدمت تو باشد. (آل عمران: ۳۵) و بـا تعبیر «لک» نشان داد که تنها هم و غم او، خـداست. و خـدا نیز پاداش این اخلاص را اصطفاء و برگزیدن خاندان عمران قرار داد، آنجا که فرمود:

«ان الله اصطفی آدم و نوحا و آل ابراهیم و آل عمران علی العالمین.»

۱- «ان الابرار... یوفون بالنذر... و یطعمون الطعام...»،انسان: ۵ تا ۸ .

خدا آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر جهانیان برتری داد.

و سپس با ارتباط دادن این اصطفاء به آن نذر مخلصانه، تبیین نمود که راز این انتخاب، در نذر مخلصانه همسر عمران نهفته است.(۱) اخلاص کامل مادر، به دختر نیز منتقل شد و آن گاه که مریم علیهاالسلام به اذن الهی و بدون هیچ ارتباطی با مردان بیگانه تنها با دمیده شدن روح الهی در او، وجود مبارک عیسی علیه السلام را در خود احساس نمود، شرم از مواجهه با مردمی که با دیدن فرزند، او را متهم به گناه می کردند، سراپای او را فراگفت. تا اینکه حق تعالی به او گفت که وقتی با آنان رو به رو شدی، بگو: برای خدا نذر روزه سکوت کرده ام و امروز با هیچ انسانی سخن نمی گویم.(۲) خدا نیز نذر مخلصانه او را که با گفتن کلمه «للرحمن» اثبات نمود، پذیرفت و در برابر آن، عیسی علیه السلام را در حالی که نوزاد بود، به سخن در آورد و او نیز با بیان شیوای خود، به پاکی مادر گران قدرش صحّه گذارده و قلب او را آرامش بخشید.(۳)

البته همچنان که اشاره شد، پس از اجابت دعا از راه نذر، وفای به نذر، واجب است و انسان با ایمان، به عنوان تشکر از عنایت الهی و با ترس از سرپیچی از تعهد، قطعا به نذر عمل خواهد کرد. همان گونه که خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله به نذر خود وفا نموده و خداوند نیز، ترس آنان را از روزی

۱- «ان الله اصطفی... اذ قالت امرأت عمران...»، آل عمران: ۳۳ تا ۳۵.

۲- «فاماترین من البشر احدا فقولی انی نذرت للرحمن صوما فلن اکلم الیوم إنیسا»، مریم: ۲۶.

۳- مریم: ۳۰ تا ۳۳.

که شرّش فراگیر است، به عنوان یکی از عوامل تعهد آنان به نذر برشمرد.(۱)

همچنین، همسر عمران که نـذر کرده بـود فرزنـدش را به عبـادت خـدا بگمـارد، هنگـام تولـد، نـام او را مریم(به معنی عابـده) گـذاشت تا پای بنـدی خود را به نـذر اثبات نمایـد.(۲) و سـرانجام نیز او را برای تربیـت دینی و عبـادت الهی بـه مسجد روانه کرد.(۳)

خلاصه فصل

بررسـی الگوهای قرآنی نشان می دهد که زنان، از هویت فکری مستقل برخوردار بوده و بانوان بزرگ، بنای اعتقادات خود را بر مبنـای تحقیق و دقت نظر اسـتوار سـاخته انـد. به دست آوردن ساختار فکری محققانه، مسـتلزم پرسـش و جست وجو است و سؤالات دینی و اعتقادی، مرزی نـدارد و می توان آنها را حتی با خـدا و رسول نیز در میان گذاشت. گام بعدی پس از سؤال و تحقیق و رسیدن به حقیقت، پذیرش حق و پرهیز از لجاجت جاهلانه است و لازم است اعتقادات به حق از استواری و استحکام خاصی برخوردار بوده و در اثر فشارها و مشکلات آسیب نبیند.

انسانی که از جهان بینی الهی برخوردار است، تنها به عبادت خدا نظر دارد و از دسـتورهای او پیروی می نماید، در هر شرایطی امیـدوار به رحمت الهی است و از هر گونه اعتمـادی به غیر خـدا برکنار است. او به نبوت و وحی انبیاء معتقـد است و از فرمان های آنها که پرتو از دستورهای

ص: ۶۵

۱- «یُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَ یَخافُونَ یَوْمًا کانَ شَرُّهُ مُسْتَطِیرًا»، انسان: ۷.

۲- تفیسر راهنما، ج ۲، ص ۴۰۹.

۳- آل عمران: ۳۷.

الهی است، پیروی می کند.

از دیدگاه جهان بینی اسلامی، هدف از آفرینش انسان، عبادت خدا و رسیدن به کمال از راه آن است. عبادت، به معنی اظهار عجز و نیاز در پیشگاه خدای بی نیاز بوده و عبادت بندگان راستین، از خلوص، جدیت و تداوم برخوردار بوده، چنانچه آن بزرگان به شرکت در عبادات جمعی نیز اهتمام داشته اند. همچنین، خداوند ارزش انسان را به دعای او دانسته و این، حقیقت یگانگی عبادت و دعا را به اثبات می رساند. آداب دعا در عمل بانوان نمونه قرآنی عبارت است از: توجه کامل به خدا، اعتراف به خطا و توبه از آن، همت بلند و جامعیت در دعا، همراه کردن دعا با عمل، همراه نمودن دعای کودکان، برآوردن دست نیاز و همراه نمودن دعا با نذر.

بخش سوم: تربیت اخلاقی بانوان و پرور فرزند به شیوه الگویی

اشاره

ص: ۶۸

بـا توجه به اهمیت خاصـی که قرآن کریم برای صـفات و افعال اخلاقی قایل است، در ارایه الگوهای رفتاری به بانوان نیز جنبه هـای اخلاـقی را مورد توجه قرار داده و حتی می توان ادعا کرد که تربیت اخلاقی، بیشترین سـهم را در تربیت الگویی زنان در قرآن به خود اختصاص داده است.

همچنین مادران، از حساس ترین موقعیت برای تربیت و پرورش جسـمی و روحی فرزندان خود برخوردارند و بی گمان مراحل رشد شخصیت در سنین بالا تا حد زیادی بر پایه چگونگی انجام وظایف تربیتی مادران است. از این رو، قرآن کریم نیز با ارایه نمونه های روشن، در پی تربیت زنان برای پذیرش نقش مادری است.

در فصـل نخست این بخش که به تربیت الگویی زنـان در بعـد اخلاـقی اختصـاص دارد، مباحث مربوط به آثار و تبعات گناه و همچنین ابعـاد عفاف بانوان، به عنوان الگوی اخلاقی زنان در قرآن مورد بررسـی قرار خواهـد گرفت. در فصل دوم که مربوط به تربیت فرزند است، به بحث درباره تربیت الگویی زنان، برای پرورش جسمانی و روحانی فرزندان خواهیم پرداخت.

ص: ۶۹

فصل اول: تربیت اخلاقی

اشاره

در بخش پیشین، درباره ساختار فکری زنان مباحثی مطرح شد و با استفاده از الگوهای قرآنی، هویت مستقل فکری بانوان به اثبات رسید و این نتیجه به دست آمد که بانوان خردمند باتحقیق و بررسی، جهان بینی خود را انتخاب می کنند و شیوه زندگی خود را بر اساس آن تنظیم می نمایند. همچنین به عبادت به عنوان هدف آفرینش انسان اشاره و عنوان شد که کمال و ارزش هر انسان به میزان بندگی و اظهار عبودیت او در برابر قادر متعال است.

خداوند سبحان، انسان را کامل ترین مخلوق خود و موجودی که شایستگی کسب عنوان خلیفه اللهی را دارد، معرفی نموده است. امتیاز انسان نسبت به دیگر مخلوقات الهی و حتی فرشتگان، در آن است که با وجود راه های هدایت و ضلالت و دارا بودن اختیار و قدرت انتخاب، می تواند راه درست را از نادرست تشخیص داده و با وجود وسوسه های شیطانی، سر به عبودیت الله سپرده و از این راه به فلاح و رستگاری نایل گردد.

در حقیقت، سرّ آزادی شیطان در ایجاد وسوسه در انسان نیز همین

است که افراد بشر از یک سو با فطرت الهی خویش به معنویت گرایش یابند و از سوی دیگر نیز وسوسه های شیطانی، آنها را به تمایلات نفسانی و غیر الهی متمایل سازد. تنها در این شرایط است که امکان انتخاب یکی از دو راه فراهم می شود و فرد می تواند با حسن اختیار خویش راه هدایت را انتخاب و به سعادت نایل گردد و یا با سوء اختیار خود، مسیر گمراهی را برگزیند و دچار بدبختی گردد.

دراینجاست که نقش مفاهیم اخلاقی روشن می شود. کسی که افعال و صفات اخلاقی مثبت را مورد توجه قرار داده و با ایجاد آن صفات در نفس خود، پای بند به انجام افعال اخلاقی مثبت گردد، به فلاح و رستگاری نایل شده و در مقابل، کسی که نهال صفات منفی اخلاقی را در وجود خود بکارد و خود را به انجام اعمال بداخلاقی وادارد؛ نتیجه ای جز هلاکت و بدبختی به دست نمی آورد.

قرآن کریم در تربیت اخلاقی خود، بشر را نسبت به فضایل و رذایل اخلاقی آگاه می کند، او را به انجام افعال اخلاقی مثبت ترغیب و از ارتکاب اعمال اخلاقی منفی بر حذر می دارد و به این وسیله شرایطی را به وجود می آورد که انسان بتواند با اختیار خود راه سعادت را انتخاب نماید و به فوز عظیم نایل گردد.

قرآن کریم، در ابتدا به وجود گرایش های متفاوت در درون انسان اشاره کرده و با توجه به اثرات سوء گناه و افعال و صفات منفی اخلاقی، وی را به مبارزه ای همه جانبه باامیال و هواهای نفسانی فرا می خواند. بیشترین قسمت تربیت الگویی بانوان در بعد اخلاقی، بر محور رعایت ضوابط در

روابط جنسی، پوشش و تنظیم روابط و معاشرت های اخلاقی آنان با مردان متمرکز گردیده است. البته در تربیت اخلاقی به ویژگی های دیگر صفات اخلاقی نیز اشاره شده، ولی از آنجا که این موارد به صورت پراکنده مطرح شده و عمده مباحث این بعد از تربیت الگویی قرآن به بررسی مسایل مربوط به عفاف بانوان پرداخته است، در نخستین قسمت این فصل، تنها به طرح مباحث آثار و تبعات گناه و بررسی ابعاد عفاف بانوان خواهیم پرداخت.

گفتار اول: گناه و آثار و تبعات آن

اشاره

همچنان که در ابتدای بحث اشاره شد، انسان آن گاه رو به تکامل حرکت می کند که با وجود وسوسه های شیطانی و قدرت اختیار، راه فطرت و هدایت را برگزیند. بنابراین، وجود وسوسه های شیطانی امری ضروری برای حرکت تکاملی انسان محسوب می شود.

شیطان بااستفاده از امیال و آرزوهای انسان، در پی آن است که وی را در انتخاب درست فریب داده و از پیروی حق دور نماید. همچنان که با استفاده از آرزوی انسان به خلود و جاودانگی یا فرشته شدن، آدم و حوا را وسوسه کرد تا از آن درخت نهی شده بخورند و از قرب الهی دور گردند:

فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطانُ لِيُبْدِيَ لَهُما ما وُورِيَ عَنْهُما مِنْ سَوْآتِهِما وَ قالَ ما نَهيكُما رَبُّكُما عَنْ هـذِهِ الشَّجَرَهِ إِلاّ أَنْ تَكُونا مَلَكَيْنِ أَوْ تَكُونا مِنَ الْخالِدِينَ. (اعراف: ۲۰)

آن گاه شیطان آنان را وسوسه کرد تا شر نگاهشان را که ازآنها پوشیده بود، در نظرشان آشکار کند و گفت پروردگارتان شما را از این درخت نهی نکرد، مگر از آن روی که (با خوردن از میوه آن) فرشته شوید یا از جاودانگان گردید.

پس کار شیطان، پسندیده جلوه دادن خواهش های نفسانی در برابر تمایلات الهی است و در این راه از هیچ کوششی فروگذار نمی کند تا انسان در این مبارزه درونی، گرایش های شیطانی را بر جاذبه های رحمانی ترجیح دهد.

در اینجاست که انسان باید با درک درست از شرایط مبارزه و بایاری از نصرت الهی، خود را آماده رویارویی با هواهای نفسانی و وسوسه های شیطانی نماید.

مریم صدیقه علیهاالسلام با تشخیص همین شرایط بود که در مقطعی از زمان از مردم کناره گرفت و برای عبادت به محراب مسجد رفت. بنا به گفته «راغب» در مفردات، به قول بعضی محراب مسجد را به این نام نهاده اند؛ زیرا که محل جنگ با شیطان و هوای نفس است.(۱)

مریم تا آنجا به این مبارزه ادامه داد که در هنگام ظاهر شدن جبرئیل بر او، با گفتن جمله با شکوه «إِنّی أَعُوذُ بِالرَّحْمنِ مِنْکَ إِنْ کُنْتَ تَقِیًّا» (مریم: ۱۸)

مریم گفت: من از تو اگر پرهیزگار باشی به خدای رحمان پناه برم.

شیطان را برای همیشه از خودناامید ساخت و به مقام اصطفای الهی نایل شده و افتخار مادری فرزند بزرگواری چون مسیح علیه السلام نصیب او گشت؛ افتخاری که نصیب هیچ زن دیگری نگردید که بدون همسر، فرزندی چون روح اللّه بیاورد.

وَ إِذْ قالَتِ الْمَلائِکَهُ یا مَرْیَمُ إِنَّ اللّهَ اصْطَفاکِ وَ طَهَّرَکِ وَاصْطَفیکِ عَلی نِساءِ الْعالَمینَ. (آل عمران: ۴۲)

ص: ۷۳

۱- حسین الراغب الاصفهانی. المفردات فی غریب القرآن. دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴ ق، ص ۱۱۳.

و فرشتگان گفتند:ای مریم! خدا تو رابرگزید و پاکیزه ساخت و بر زنان جهان برتری داد.

ولی اگر کسی در این مبارزه درونی شکست خورد و تمایلات نفسانی را بر سلوك الی الله برتری داد و به تعبیر دیگر، دچار گناه شد، آثار سوئی دامنگیرش خواهد شد که به نمونه هایی از آن اشاره می شود.

خطا و لغزش؛ ظلم به نفس

همچنان که اشاره شد، پیروی از تمایلات نفسانی از آن رو که انسان را از حرکت در راه کمال باز می دارد، مهم ترین ظلم به نفس به شمار می آید. آدم و حوا پس از لغزش و استفاده از درخت نهی شده، خطا و عصیان خود را مصداق بارز ستم به خود دانستند و با ارتکاب این عمل، خود را مستحق دوری از عنایت الهی شمردند و از این رو خواستار آن شدند که خداوند با رحمت خویش، بار دیگر عنایت خود را نصیب ایشان سازد و از خطای آنان درگذرد. همچنان که گناه و معصیت الهی از آن رو که اقدامی علیه خویشتن به شمار می رود، مستلزم زیان کاری فرد خطا کار نیز خواهد بود که اگر فرد از این اقدام نادرست از خدا طلب رحمت و بخشش نکند، بی تردید دچار خسران و زیان خواهد شد.

قالا رَبَّنا ظَلَمْنا أَنْفُسَنا وَ إِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنا وَ تَرْحَمْنا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخاسِرينَ. (اعراف: ۲۳)

گفتند: ای پروردگار ما! به خودستم کردیم و اگر ما را نیامرزی و بر ما رحمت نیاوری از زیان دیدگان خواهیم بود.

نافرمانی الهی؛ زمینه رسوایی

نافرمانی الهی، اگرچه کم باشد، زمینه رسوایی انسان را فراهم می کند. چه،

پس از آنکه آدم و حوا علیهماالسلام از درخت نهی شده چشیدند، شرمگاهشان برای آنان آشکار گردید:

«فَلَمّا ذاقَا الشَّجَرَهَ بَدَتْ لَهُما سَوْآتُهُما». (اعراف: ۲۲)

چون از آن درخت خوردند، شرمگاه هایشان آشکار شد.

و از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند: «چون آدم و حوا از آن درخت ممنوع خوردند، زیور و پوشش آنها از بدنشان جدا شده و برهنه ماندند.»(۱)

نکته دیگری که از این آیه کریمه استفاده می شود، آن است که در انجام گناه، کم و زیاد مطرح نیست، آنچه مهم است، گستاخی بر گناه است؛ زیرا با چشیدن از درخت نهی شده و نه سیر شدن از آن، پوشش آنها جدا شد.

گناه؛ موجب دوری از خدا

تخلف آدم و حوا از فرمان الهی، به دور شدن آنان از مقام قرب الهی انجامید؛ زیرا پس از چشیدن از درخت نهی شده، مورد سرزنش و توبیخ خداوند قرار گرفتند. قرآن کریم با این تعبیر، از توبیخ آدم و حوا یاد می کند:

ناداهُما رَبُّهُما أَ لَمْ أَنْهَکُما عَنْ تِلْکُمَا الشَّجَرَهِ.

و پروردگارشان به آنان ندا در داد که مگر شما را از این درخت نهی نکرده بودم؟

قرآن کریم در مقام تبیین تأثیر گناه بر دوری از خدا می گوید که خداوند پس از تخلف آدم و همسرش، آنان را ندا داد. واژه ندا، بیشتر در

۱- تفسیر راهنما، ج ۵، ص ۴۹۳.

مواردی به کار می رود که مخاطب فاصله نسبتا زیادی با نـدا دهنـده داشـته باشد. و این نشان از نقش گناه در بُعد معنوی فرد گناهکار از ساحت قدس الهی دارد.(۱)

امام صادق علیه السلام نیز با اشاره به دوری معنوی آدم و حوا پس از تخلف از فرمان الهی فرمودند:

خداوند به آدم و حوا فرمود: از آسـمان های من پایین روید، زیرا گناهکار نه در بهشت و نه در آسمان هایم در حریم من قرار نمی گیرد...(۲)

از آنجا که میدان مبارزه با شـیطان و هواهای نفسانی، میدانی سـخت و دشوار است و شـیطان برای شـکست انسان در این نبرد، قسم یاد کرده است،(۳) مشـکل می توان در برابر همه هجوم های او تاب آورد و ممکن است انسان در شرایطی تسلیم خواسته هـای او گردد. مهم آن است که انسان بی درنگ به خطای خود پی برده و با توبه به درگاه الهی، در پی برطرف نمودن اثرات سوء آن گنـاه برآیـد. توبه آدم و حوا پس از ارتکـاب تخلف، الگوی خوبی برای توبه کننـدگان خواهـد بود. آنـان بی درنگ پس از چشـیدن از درخت نهی شده از آن دور شده و با آن فاصـله گرفتند، زیرا در آیه ۲۲ سوره مبارکه اعراف، خداوند آنان را این گونه توبیخ نمود:

أَ لَمْ أَنْهَكُما عَنْ تِلْكُمَا الشَّجَرَهِ

مگر شما را از آن درخت نهی نکرده بودم؟

ص: ۷۶

۱- تفسیر راهنما، ج ۵، ص ۴۹۲.
۲- تفیسر نور الثقلین، ج ۲، ص ۱۵.
۳- قالَ فَبِما أَغْوَيْتَنی لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِراطَكَ الْمُسْتَقیمَ... اعراف: ۱۶ و ۱۷.

استعمال کلمه «تلک» که برای اشاره به دور است نشان دهنده آن است که آدم و همسرش پس از تخلف، بی درنگ از آن درخت دور شدند و پشیمانی از خطا و لغزش خود را در عمل به اثبات رساندند؛ همچنان که در آیه بعد نیز زبان به اعتراف گشودند و از دریای بی کران رحمت حق، طلب آمرزش نمودند.(۱)

توبه از گناه، بسیاری از آثار و تبعات ناپسند آن را برطرف می کند و بنده را به برخورداری از لطف و رحمت سرشار پروردگار امیدوار می سازد، ولی در عین حال ممکن است گناه، برخی آثار وضعی بر جا گذارد که با توبه نیز قابل جبران نباشد، چنان که خداوند رحمان، توبه خالصانه آدم و همسر او را پذیرفت،(۲) ولی به هر حال اثر وضعی آن عمل دامانشان را گرفت و دستور خارج شدن از بهشت به آنها داده شد:

قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْها جَميعًا. (بقره: ۳۸)

گفتیم همه از آن (بهشت) پایین روید.

گفتار دوم: عفاف

اشاره

در مباحث مربوط به عفاف که مهم ترین بخش از تربیت اخلاقی به شیوه الگویی قرآن را تشکیل می دهد، چهار عنوان عمده و اصلی جلب نظر می کند که عبارتند از:

۱) عفاف در برقراری روابط جنسی؛

۲) عفاف در معاشرت با نامحرم؛

۱- «قالا رَبَّنا ظَلَمْنا أَنْفُسَنا وَ إِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنا وَ تَرْحَمْنا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخاسِرينَ»، همان: ۲۳.

۲- «فَتَلَقّی آدَمُ مِنْ رَبِّهِ کَلِماتٍ فَتابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوّابُ الرَّحيمُ» آن گاه آدم کلماتی از پروردگارش فراگرفت و خداوند از او درگذشت،چه او توبه پذیر مهربان است. (بقره: ۳۷)

۳) عفاف در پوشش؛

۴) پرهیز از اتهامات ناروا.

در اینجا به بررسی هر یک از عنوان های بالا می پردازیم.

عفاف در برقرار ساختن روابط جنسی و آثار آن

آنچه از بررسی روابط غریزی زنان نمونه در قرآن به دست می آید، آن است که این بانوان، برقرار نمودن این گونه روابط و تأمین نیازهای جنسی را در محدوده خانواده روا دانسته و در خارج از این محدوده، آن را امری نکوهیده و ناپسند به شمار می آورده اند. این مطلب در مورد افرادی چون حضرت مریم علیهاالسلامکه الگوی عفاف و پاک دامنی به شمار می روند، روشن است، ولی برای شناخت هرچه بیشتر میزان حیا و عفت آن بزرگوار، به مقایسه دو تعبیر قرآن کریم در مورد عفاف حضرت یوسف علیه السلام و حضرت مریم علیهاالسلام می پردازیم. قرآن موضوع آزمون یوسف علیه السلام را این چنین بیان می دارد:

هَمَّتْ بِهِ وَ هَمَّ بِها لَوْ لا أَنْ رَأی بُرْهانَ رَبِّه. (یوسف: ۲۴)

آن زن آهنگ او کرد و اگر برهان روشن پروردگارش را ندیده بود، او نیز آهنگ آن زن می کرد.

در این آزمون، همسر حاکم مصر به کام جویی از یوسف علیه السلام همت گماشت و همتش در حد تعقیب وی به فعلیت رسید؛ ولی یوسف صدیق نه تنها در مقدمات کار نبود، بلکه قصد و همت و خیال هم در میان نبود، به این دلیل که آیه شریفه، همت و قصد حضرت را تعلیق چیزی کرد که حاصل نشد و فرمود: «وهم بها لولا ان رأی برهان ربه» چون برهان رب را

دید قصد نکرد... ولی وقتی از عفاف مریم علیهاالسلام سخن به میان می آید، سخن از این نیست که اگر مریم، دلیل الهی را مشاهده نمی کرد، مایل بود، بلکه سخن از آن است که «قالَتْ إِنِّی أَعُوذُ بِالرَّحْمنِ مِنْکَ إِنْ کُنْتَ تَقِیًّا» (مریم: ۱۸)

(مریم) گفت من از تو به خدای رحمان پناه می برم، اگر پرهیزگار هستی.

مریم با این سخن نشان می دهد که نه تنها میل به انجام گناه ندارد، بلکه آن فرشته را هم که به صورت بشر آشکار شده، نهی از منکر می کند و می گوید: «اگر تو با تقوایی، دست به این کار نزن». این گونه از تعبیرات به نوبه خود تعبیر ارشادی و راهنمایی است، یعنی من که دستم بسته است تو هم دستت را ببند. و این تعبیر از آن رو که مشتمل بر نهی از منکر نیز هست، لطیف تر از تعبیری است که در مورد یوسف علیه السلام در قرآن به کار رفت.(۱)

اما بهره برداری غریزی در خارج از چارچوب خانواده، نه تنها برای اسوه عفاف و پاک دامنی نازیباست، بلکه حتی زشتی آن برای کسانی که قرآن در این زمینه نام آنها را به بدی یاد کرده است، پوشیده نیست. همسر حاکم مصر با آن که قصد منحرف ساختن یوسف و ایجاد رابطه با او کرده بود، در عمق جانش زشتی و پلیدی این عمل را احساس کرده بود؛ زیرا اول این که، چون می خواست کسی متوجه نشود، درهای ورودی به اتاق خلوت خود را بست،(۲) دوم این که، به خاطر شرم از بتی که در آن

۱- عبداللّه جوادی آملی، زن در آیینه جلال و جمال. تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۷۴، ص۱۲۵.
۲- «وَ غَلَّقَتِ الْأَبْوابَ وَ قالَتْ هَیْتَ لَکَ»، یوسف: ۲۳.

خلوت خانه داشت، چادری بر روی آن کشید تا نتواند او را در آن حال ببیند(۱) و سوم این که، هنگامی که به دنبال یوسف، که از چنگال او فرار می کرد روانه شد و همسرش را در برابر در مشاهده نمود. برای انحراف ذهن همسرش و متهم ساختن یوسف گفت:

ما جَزاءُ مَنْ أَرادَ بِأَهْلِكَ سُوءًا إِلّا أَنْ يُسْجَنَ أَوْ عَذابٌ أَليمٌ (یوسف: ۲۵)

پاداش کسی که به زن تو قصد بدی داشته باشد، چیست؛ جز این که به زندان افتد یا به عذابی درد آور گرفتار آید؟

اگر نفس چنین ارتباطی در نزد زلیخا نکوهیده نبود، او به دروغ، کسی را که مدت ها دچار عشق او بود، ناجوان مردانه متهم نمی ساخت. پس حتی اگر کسی در اثر فرمانبری از نفس اماره به دنبال ارضای نیازهای غریزی از راه های غیرمشروع باشد، او در درون و باطن خویش، زشتی آن را لمس می کند. ضابطه مند نمودن ارضای این نیازها از وظایف انبیاء الهی بوده و آنان با گفتار و کردار مردم را به محدود ساختن کام جویی های جنسی در نظام خانوادگی دعوت کرده اند. همچنان که در ماجرای مراوده همسر حاکم مصر با حضرت یوسف علیه السلام، وقتی آن زن سخن از «هیت لک» (بشتاب)(۲)

۱- روایت کرده اند از علی بن حسین صلوات الله علیه که در آن خلوت خانه بتی نهاده بود. آن ساعت زلیخا برخاست و چادری بر سر آن بت کشید تا بپوشد. یوسف گفت: این چیست که تو کردی؟ گفت: از آن بت شرم دارم که به ما می نگرد. یوسف گفت: «تستحین ممن لایسمع و لایبصر و لا استحیی ممن خلق الاشیاء و علمها یسمع و یبصر و ینفع و یضر» آیا تو از کسی که نمی شنود و نمی بیند حیا می کنی، ولی من از کسی که اشیا را ایجاد کرد و علم آنها را به دیگران آموخت، کسی که می شنود و می بیند و سود می دهد و ضرر می رساند، حیا نکنم؟ (تفسیرکشف الاسرار، ج۵، ص ۵۸.
۲- سوره یوسف، آیه ۲۳.

به میان آورد، آن بزرگوار از ارتکاب این گناه به خدا پناه برد و فرمود:

إِنَّهُ رَبّی أَحْسَنَ مَثْوایَ إِنَّهُ لا یُفْلِحُ الظّالِمُونَ. (یوسف: ۲۳)

او پرورانند‌ه من است و مرا منزلی نیکو داده و ستمکاران رستگار نمی شوند.

یوسف علیه السلام، قبول پیشنهاد آن زن را ستم خوانده است، بنابراین، بی تردید، خواسته آن زن از مصادیق مشخص ستم خواهد بود. اینک روشن شد که رعایت عفاف در ارضای غریزه جنسی و محدود ساختن آن به محیط خانواده، براساس دعوت انبیاء علیهم السلام و بر طبق سیره زنان برگزیده الهی در قرآن است.

اکنون این پرسش مطرح خواهد شد که دلیل التزام به ضابطه و منحصر ساختن این گونه روابط به نظام خانواده چیست و مگر آزادی در برقراری روابط، چه مشکلی را برای جوامع به وجود می آورد؟ برای یافتن پاسخ این پرسش، لازم است نگاهی به ابعاد فردی و اجتماعی ازدواج و پیوند خانوادگی بیندازیم.

اگر بعد فردی ازدواج را تنها، عبارت از تأمین نیازهای غریزه جنسی بدانیم، بی گمان در صورت آزادی روابط، کام یابی انسان بیشتر بوده و احساس خوشی ومسرت زیادتری خواهد نمود؛ ولی مهم آن است که هدف ازدواج تنها کسب لذت و کام جویی جنسی نیست، بلکه یکی از اهداف مهم پیوند زنان و مردان، ایجاد عواطف صمیمانه و انس و الفت بین آنها و اتحاد روح زن و شوهر است که قرآن کریم آن را به عنوان یکی از آیات و نشانه های الهی معرفی نموده است:

وَ مِنْ آیاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَکُمْ مِنْ أَنْفُسِکُمْ أَزْواجًا لِتَسْکُنُوا إِلَیْها وَ جَعَلَ بَیْنَکُمْ مَوَدَّهً وَ رَحْمَهً. (روم: ۲۱)

و از نشانه های قدرت اوست که برایتان از جنس خودتان همسرانی آفرید، تا به ایشان آرامش یابید و میان شما دوستی و مهربانی نهاد.

حتی می توان گفت در ایجاد روابط و علایق زنان و مردان، مسئله مودت و رحمت مقدم بر جنبه های شهوانی بوده و اصالت در گرایش مرد به زن، همان محبت الهی است؛ زیرا مسئله شهوت جنسی بعد از انس انسانی حضرت آدم به حوا، به او داده شد.(۱) پس اگر تصور کنیم که اتحاد روح زن و شوهر و عواطف صمیمانه ای که گاه تا آخرین روزهای پیری که غریزه جنسی فعالیتی ندارد، باقی است، برای زندگی ارزش بیشتر و بالاتری دارد و لذتی که انسان از مصاحبت همسر مشروع و وفادارش می برد، با لذتی که از مصاحبت آزاد با زنان و مردان می برد تفاوت دارد؛ کوچک ترین تردیدی نخواهیم کرد که به خاطر بهره مند شدن از مسرت و آرامش بیشتر، لازم است عواطف جنسی را محدود به همسر قانونی کرده و محیط و کانون خانوادگی را به این امر، و اجتماع بزرگ را به کار و

۱- زراره از امام صادق علیه السلام نقل کرد که آن حضرت فرمود: خداوند بعد از آفرینش آدم، حوا را به طور نوظهور پدید آورد... آدم علیه السلام بعد از آگاهی از خلقت وی از پروردگارش پرسید: این کیست که قرب و نگاه او مایه انس من شد؟ خداوند فرمود: این حواست. آیا دوست داری که با تو بوده و مایه انس تو شده و با تو سخن بگوید و تابع توباشد؟ آدم گفت: آری! پروردگارا تا زنده ام سپاس تو بر من لازم است، آن گاه خداوند فرمود: از من ازدواج با او را بخواه، چون صلاحیت همسری تو را برای تأمین شهوت دارد و خداوند شهوت جنسی را به او اعطا نمود... سپس آدم عرض کرد: من پیشنهاد ازدواج با وی را ارایه می دهم. رضای شما در چیست؟ خداوند فرمود: رضای من در آن است که معالم دین مرا به او بیاموزی... زن در آئینه جمال و جلال، ص ۳۵.

فعالیت اختصاص دهیم.(۱)

مطلب مهم تر، جنبه های اجتماعی ازدواج است. ازدواج تنها برای لذت بردن زن و مرد از مصاحبت با یکدیگر نیست؛ بلکه ازدواج و تشکیل کانون خانوادگی، ایجاد کانون پذیرایی نسل آینده است. عواطف اجتماعی و انسانی در محیط خانوادگی رشد می کنند. روح کودک با حرارت محیط فطری و طبیعی پدر و مادر، نرم و ملایم می شود. وقتی که می خواهیم عواطف دو نفر را نسبت به یکدیگر تحریک کنیم، می گوییم افراد یک ملت برادر یکدیگرند، یا می گوییم افراد بشر همه برادر یکدیگر و عضو یک خانواده هستند. قرآن کریم عواطف پاک ایمانی مؤمنان رابه عواطف برادری تشبیه می کند: «انما المومنون اخوه»(۲) و عواطف برادری تنها از خویشاوندی و هم خونی پیدا نمی شود، مهم این است که دو برادر در یک کانون محبت بزرگ می شوند. حال اگر عواطف برادری که ناشی از کانون باصفا و پرمهر خانوادگی است، از بین برود، آیا افراد اجتماع می توانند کوچک ترین عواطفی نسبت به یکدیگر داشته باشند؟ اگرچه در اروپا تا حدود زیادی عدالت هست، اما میزان عاطفه بسیار کم است؛ حتی در میان برادران، پدران و فرزندان عواطف کمی مشاهده می شود. چرا؟ برای اینکه این گونه عواطف در کانون های باصفا، صمیمی و پرمهر خانوادگی رشد می کند؛ اما در اروپا چنین صمیمیت و وحدت و یگانگی میان زن و شوهر وجود ندارد. چرا این یگانگی که بیشتر در مشرق زمین میان زن و شوهر وجود

۱- مرتضی مطهری، اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، تهران، صدرا، ۱۳۶۸، ص ۴۵.

۲- حجرات: ۱۰.

دارد، در آن جا وجود نـدارد؟ برای این که در آنجا عواطف جنسـی زن و مرد به یکـدیگر اختصاص نـدارد و هر کدام به طور نامحدود می توانند دست کم از تمتعات نظری و لمسی در اجتماع بزرگ بهره مند شوند.(۱)

پس از این مقـدمه، در مورد گرایش زنان نمونه در قرآن به پاک دامنی و بررسـی نقش فردی و اجتماعی آن، نوبت به این می رسـد که بـا کـاوش در سـرگذشت زنـان نمونه در قرآن، نقش عفاف در کمال یا نابودی معنوی بانوان را نیز مورد تحقیق قرار دهیم.

رستگاری؛ نتیجه عفاف

قرآن کریم، فلاح و رسـتگاری مردم را به رعایت عفت و پاک دامنی توسط آنان منوط ساخته و کسانی را که مقیـد به رعایت عفاف در روابط جنسـی نباشند، ظالم دانسته و از نیل به فوز و فلاح بر کنارشان داشته است. این مطلب که از زبان یوسف علیه السـلام صادر شد و از جانب خدا بر آن صـحه گذاشـته شد، مربوط به زمانی است که زلیخا با بسـتن درها، او را به سوی خود دعوت کرد، ولی یوسف از اینکه آلوده به گناه شود، به خدا پناه برد و اذعان نمود که اگر تن به گناه سپارد از ظالمان است و به رستگاری نخواهد رسید.(۲)

اگر یوسف بـا اجابت خواسـته همسـر «عزیز»، رسـتگار نشود، بی گمان همسـر «عزیز» با ابتکار این پیشـنهاد و عملی نمودن میل خود، از فلاح و رستگاری فاصله بیشتری خواهد داشت. جالب توجه آن است که تنها

۱- اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، ص ۴۶.

۲- یوسف: ۲۳.

کام جویی جنسی از راه غیر الهی، مقدمات بُعد و دوری از رحمت خدا را فراهم نمی کند، بلکه حتی مراتب پایین تر و حتی ترغیب و تشویق دیگران به ارضای نیازهای غریزی در خارج از چارچوب شرعی، خشم و غضب الهی را به همراه خواهد داشت.

همسر لوط پیامبر، خود اهل معاشرت های آزاد جنسی نبود، ولی از این رو که دیگران را به عمل زشت و منافی عفت همجنس بازی ترغیب می کرد و هرگاه میهمانی به منزل همسرش وارد می شد، با سوت زدن، مردم را از حضور آنان آگاه می کرد و آنان نیز به سوی منزل لوط روانه می شدند، به عذاب الهی گرفتار شد و از نجات یافتگان خانواده لوط جدا گردید.(۱)

زن عفیف؛ الگویی برای همه انسان ها

خداوند متعال در قرآن کریم مسئله عفت و پاک دامنی حضرت مریم علیهاالسلام را مورد توجه ویژه قرار داده است. در یک جا رسول خود را به یاد کردن حیا و عفاف او فراخوانده و آن را عامل دمیده شدن روح الهی در او معرفی نموده است:

وَ الَّتی أَحْصَنَتْ فَرْجَها فَنَفَخْنا فیها مِنْ رُوحِنا وَ جَعَلْناها وَ ابْنَها آیَةً لِلْعالَمینَ. (انبیاء: ۹۱)

۱- عن ابی عبداللّه علیه السلام قال: قیل له: کیف کان یعلم قوم لوط انه قد جاء لوطا رجل؟ قال: کانت امرأته تخرج فتصفر فاذا سمعوا التصفیر جاؤوا فلذلک کره التصفیر. از امام صادق علیه اسلام سؤال شد: قوم لوط چگونه متوجه ورود میهمانی به منزل او می شدند؟ آن حضرت فرمود: وقتی میهمانی به منزل او می رسید، همسرش از خانه بیرون آمده، سوت می زد و آن مردم با شنیدن صدای سوت به سوی منزل لوط می رفتند. از این رو سوت زدن ناپسند دانسته شد. تفسیر نورالثقلین، ج ۲، ص ۳۸۶.

و آن زن را (یاد کن) که خود را پاکدامن نگاه داشت، و از روح خویش در او دمیدیم و او و پسرش را برای جهانیان آیتی قرار دادیم.

و در جایی دیگر، یکی از مهم ترین عواملی را که به واسطه آن مریم به عنوان الگو برای همه مردم و نه تنها زنان معرفی شده، عفاف و پاک دامنی او دانسته و فرموده است:

وَ ضَرَبَ اللّهُ مَثَلاً لِلَّذینَ آمَنُوا امرأت فرعون ... . وَ مَرْیَمَ ابْنَتَ عِمْرانَ الَّتی أَحْصَنَتْ فَرْجَها فَنَفَخْنا فیهِ مِنْ رُوحِنا... (تحریم: ۱۱ و ۱۲)

و برای کسانی که ایمان آورده اند، خدا... مریم دخت عمران را مَثَل آورده، همان کسی که خود را پاک دامن نگاه داشت و در او از روح خود دمیدیم... .

در این آیه کلمه «الذین» شامل مردان و زنان می شود.

در تفسیر قمی در بیان شدت عفاف مریم علیهاالسلام از علی بن ابراهیم روایت شده که در تفسیر جمله «والتی احصنت فرجها» گفت: مریم آن چنان عفیف بود که احدی او را ندید.(۱)

و البته این نکته نیز روشن است که این حدیث اشاره به شدت پاک دامنی مریم و تقوای وی در پوشش دارد و به معنی این که به طور کلی هیچ ارتباطی با مردان نامحرم نداشته، نیست؛ زیرا همان هنگام که مریم را برای عبادت به مسجد سپردند، زکریای پیامبر که شوهر خاله او بود، سرپرستی او را به عهده گرفت و تربیت وی را عهده دار شد و مرتب

۱- علی بن ابراهیم القمی، تفسیر القمی، قم، موسسه دارالکتابه، ۱۴۰۴ ق، ج ۲، ص ۷۵.

به او سرکشی می نمود؛(۱) همچنان که پس از وضع حمل و تولد عیسی علیه السلام، مریم در حالی که عیسی علیه السلام را در آغوش گرفته بود، به سوی قوم خود روانه شد و در جواب آنان که با لحنی توبیخ گونه با او به سخن پرداختند، به عیسی اشاره کرد تا از او سخنی در رد اتهامات وارد شده بشنوند. رفتن مریم به طرف قوم و سخن گفتن آنان با او، نشانه روابط اجتماعی مریم با مردم، در عین رعایت کامل عفاف و پوشش خود بوده است.(۲)

عفاف؛ زمینه کرامت

پاک دامنی و عفاف مریم علیهاالسلام کرامت های بی شماری برای وی به دنبال آورد که یکی از آنها، ولادت خارق العاده عیسی علیه السلام بود؛ که با دمیده شدن روح الهی در مادرش و بدون مباشرت هیچ مردی صورت پذیرفت و باعث شد تا او و فرزندش، نشانه ای برای همه جهانیان قرار گیرند و همه عالمیان پی به عظمت و بزرگواری آن دو ببرند.

گرچه کرامت هایی که پس از روبه رو شدن مریم با جبرئیل علیه السلام که به صورت بشری بر او ظاهر شده بود، به اندازه ای زیاد است که قابل انکار نیست،(۳) اما ممکن است شاهدی در برابر اقامه شود که پیش از رویارویی مریم با جبرییل و هنگامی که او در محراب به عبادت مشغول بود و هیچ

۱- «... وَ کَفَّلَها زَکَرِیّا کُلَّما دَخَلَ عَلَیْها زَکَرِیَّا الْمِحْرابَ وَجَدَ عِنْدَها رِزْقًا قالَ یا مَرْیَمُ أَنّی لَکِ هذا قالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللّهِ...»، آل عمران: ۳۷.

۲- «فاتت به قومها تحمله قالوا یا مریم... فاشارت الیه...»، مریم: آیات ۲۷ تا ۲۹.

۳- مثل سخن گفتن عیسی در شکم مادر با او مریم: ۲۴ استفاده از نهر آبی که زیر پای او پدید آمد (مریم: ۲۴)، استفاده از خرمای تازه از درختی که سال ها خشکیده بود مریم: ۲۵ و... .

ناراحتی نداشت نیز رزق او از سوی خدا می رسید(۱) و زکریا با دیدن این کرامت، از خداوند تقاضای ذریه طیبه نمود.(۲) بنابراین، کرامت های مریم ارتباطی با عفاف او نداشته و حتی به نظر می رسد پس از این ماجرا، کرامات مریم کم رنگ تر شد، زیرا زمانی که ولادت عیسی علیه السلام نزدیک شد و مریم در شدت ضعف و ناتوانی جسمی و در اوج ناراحتی روحی به سر می برد، خداوند غذای آماده ای برای او نفرستاد، بلکه او را امر نمود تا به پا خاسته شاخه خرما را تکان دهد و از میوه آن بهره مند گردد و این نشان از آن دارد که پاک دامنی او نه تنها در کراماتش تأثیر مثبتی نداشته، بلکه تأثیر منفی نیز داشته است.

در جواب این اشکال، افزون بر استناد به کرامات دیگری که به هیچ رو قابل انکار نیست و در آیات ۱۹ تا ۳۳ سوره مریم به آنها اشاره شده است، باید گفت؛ نقل شده که هفتصد سال بود که آن درخت، خشک و بی سر و بی شاخ و برگ در آن بیابان مانده بود و خداوند آن را نگاه داشته بود تا روز ولادت عیسی علیه السلام معجزه وی گرداند. وقتی ندای «و هزّی الیک بجذع النخله»(۳)

و تنه درخت خرما را به طرف خود بگیر

به او داده شد، مریم برخاسته، دست به سوی آن شاخه خشک برد و

ص: ۸۸

۱- «كُلَّما دَخَلَ عَلَيْها زَكَرِيَّا الْمِحْرابَ وَجَدَ عِنْدَها رِزْقًا قالَ يا مَرْيَمُ أَنّى لَكِ هذا قالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللّهِ»، آل عمران: ۳۷.
۲- «هُنالِكَ دَعا زَكَرِيّا رَبَّهُ قالَ رَبِّ هَبْ لی مِنْ لَدُنْکَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً ...»، آل عمران: ۳۸.
۳- مریم، آیه ۲۵.

تکان داد. چون دست وی به چوب خشک رسید، سبز و تازه گشت و بار آورد و در همان حال خرما داد و خرمای تازه بر وی بارید. به او الهام شد که ما توان آن داشتیم که بی آن که درخت را تکان دهی، رطب در برابرت قرار دهیم، ولی خواستیم که با تکان دادن آن درخت، دو کرامت در تو پدید آوریم: یکی آن که در وقت زایمان و ضعیف جسمانی، قدرتی به تو دادیم که درخت را تکان دهی و آن نشان کرامت و صدق بود. و دیگر آن که خواستیم که تا برکت دست تو به درخت رسد و آن درخت پر ثمر گردد تا عالمیان بدانند که هر که در غم و اندوه ما بود، دست وی شفای دردها بود.(۱)

ضمن آن که در میوه دادن آن درخت، امر خارق العاده دیگری نیز رخ داد و آن، زایمان مریم در فصل زمستان بود و نخل در تابستان میوه می دهد. به ویژه آنکه آن درخت، سر نداشت و به طور معمول درخت بی سر، ثمری نخواهد داد.(۲)

عفاف در معاشرت با نامحرم

از مباحث مهم و مطرح در جوامع اسلامی، آن است که آیا زنان مسلمان می توانند در جامعه حضور یافته و به ایفای نقش اجتماعی خود بپردازند؟ و اگر جواب مثبت است، باتوجه به این که مشارکت اجتماعی بانوان مستلزم ارتباط و معاشرت با مردان نیز هست، آیا اسلام این گونه ارتباط را تأیید می کند یا خیر؟ و باز اگر جواب مثبت است آیا این معاشرت ها

۱- تفسیر کشف الاسرار، ج ۶، ص ۴۲.

۲- تفسیر مجمع البیان، ج ۳، ص ۷۹۰.

محدود است یا مطلق؟ و اگر محدود است چه حد و مرزهایی برای آن در نظر گرفته شده است؟

پاسخگویی به اولین سؤال،مربوط به فصل چهارم این تحقیق است، ولی پرسش های دیگر با بررسی جلوه های رفتاری بانوان الگوی قرآن در این فصل، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

حیا و نجابت؛ از ویژگی های مهم زنان

اشاره

بررسی خصوصیت های زنان نمونه در قرآن نشان می دهد که حیا و نجابت از مهم ترین خصایص آنان به شمار می رود و سیمای آنان گویای این حقیقت است که آنان در رویارویی با مردم و به ویژه مردان بیگانه، از شرم و حیای خاصی برخوردار بوده اند.

وجود مقدس مریم صدیقه علیهاالسلام آن چنان از نجابت موج می زد که آن هنگام که روح الهی در او دمیده شد و به عیسی علیه السلام باردار گشت، از شدت حیا از قوم خود کناره گرفت و چون احساس کرد که قبول پاک دامنی او برای مردم دشوار است، به مکان دوری عزیمت نمود.(۱) در این هنگام درد زایمان او را واداشت تا به کنار تنه درخت خرمایی رود و از شدت شرم و خجالتش از مردم گفت:

یا لَیْتَنی مِتُّ قَبْلَ هذا وَ کُنْتُ نَسْیًا مَنْسِیًّا. (مریم: ۲۳)

ای کاش پیش از این مرده بودم و از یادها فراموش شده بودم.

مریم، چون در لحظات نخستین تصور کرد که با تولد این فرزند، تمام

۱- «فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَذَتْ بِهِ مَکانًا قَصِیًّا» پس به او باردار شد و او را با خود به مکانی دور افتاده برد. مریم: ۲۲.

آبرو و حیثیتش در برابر مردم بی خرد به خطر خواهد افتاد، آرزوی مرگ و فراموش شدن کرد و این خود دلیل بر آن است که او عفت و پاک دامنی را حتی از جانش بیشتر دوست می داشت و برای آبروی خود، ارزشی بیش از حیات خود قایل بود.(۱)

امام صادق علیه السلام نیز دلیل این خواسته مریم را این امر دانسته اند که او در قوم خود انسان رشید و بافراستی که او را از بدی منزه بداند، نمی دید.(۲)

نمونه دیگری که مارا به موضوع بحث نزدیک تر می کند، دختران شعیب پیامبر و ماجرای برخوردآنان با موسی علیه السلام است. وقتی که موسی علیه السلام از چنگال فرعونیان گریخت و پس از طی مسیر طولانی و با پای پیاده به «مدین» رسید، گروهی را دید که برای آب دادن به گوسفندانشان گرد چاه، اجتماع کرده بودند. کمی دورتر از آنها دو دختر را مشاهده کرد که از پراکنده شدن و مخلوط شدن گوسفندان خود با دیگر گوسفندان جلوگیری می کردند. موسی علیه السلام از آنان پرسید: چه می کنید؟ گفتند: ما گوسفندان خود را آب نمی دهیم تا آنکه چوپان ها از آب دادن گوسفندان خود فارغ شوند؛ ـ یعنی عادت ما این است ـ و پدرمان پیرمردی سالخورده است که نمی تواند خودش برای آب دادن به گوسفندان بیاید؛ از این رو، ما این کار را می کنیم.(۳) موسی علیه السلام که از گفتار آن دو دختر فهمیده بود که کناره گیری آنان از آب دادن به گوسفندان، هم به دلیل نوعی

۱- تفیسر نمونه، ج ۱۳، ص ۴۴.

۲- تفیسر نورالثقلین، ج ۳، ص ۳۳۰.

۳- وَ لَمّا وَرَدَ ماءَ مَدْیَنَ وَجَدَ عَلَیْهِ أُمَّةً مِنَ النّاسِ یَسْقُونَ وَ وَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَیْنِ تَذُودانِ قالَ ما خَطْبُکُما قالَتا لا نَسْقی حَتّی یُصْدِرَ الرِّعاءُ وَ أَبُونا شَیْخٌ کَبیرٌ. قصص: ۲۳.

حجب و حیا وعفت آنـان و هم به خـاطر سـتم مردم به آن دو است، پیش رفت و برای آنها آب کشـید و گوسـفندان ایشان را سیراب کرد.(۱) هنگـامی که دختران بازگشـته و مـاجرا را برای پـدرشان نقـل کردنـد، او یکی از آنان را به دنبال موسـی علیه السـلام فرستاد تا مزد آب کشیدن از چاه را به او بدهد. یکی از آن دو دختر که با نهایت حیا گام برمی داشت و پیدا بود که از سخن گفتن با یک جوان بیگانه شرم دارد به سراغ او رفته و به او گفت: پدرم از تو دعوت می کند تا پاداش آبی را که از چاه برای گوسفندان ما کشیدی به تو بدهد.(۲) در اینجا نحوه گام برداشـتن دختر شعیب آن چنان با حیا توأم بود که خداوند نحوه راه رفتن او را در قرآن متذکر شد و از آنجا که کلمه «استحیاء» رانکره و بدون الف و لام ذکر کرد، عظمت آن حالت را نیز به نمایش گذاشت.(۳)

قرآن کریم بابیـان این مـاجرای کوتـاه، صـحنه های بزرگی از حیای دختران شـعیب در روبه رو شـدن با نامحرمان را به تصویر کشـیده است. امـا جـالب آن است که در فرهنـگ قرآن، «حیاء» مفهوم خاص خود را دارد و با خجالت و شـرم بی مورد که به اشتباه، بعضی آن را حیا نامیده اند، متفاوت است.

برخی می پندارند که حیای زن در آن است که در کنج خانه پنهان شده،

۱- تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۳۴.
۲- فَجاءَتْهُ إِحْداهُما تَمْشی عَلَی اسْتِحْیاءٍ قالَتْ إِنَّ أَبی یَدْعُوکَ لِیَجْزِیَکَ أَجْرَ ما سَقَیْتَ لَنا. قصص: ۲۵.
۳- تفیسر المیزان، ج ۱۶، ص ۳۵.

هر گز سخنی با مردان بیگانه نگوید، راه علم و دانش را نپوید و تنها به انجام وظایف خانه داری بپردازد؛ حال آنکه شیوه زندگی زنانی که قرآن آنان را ستوده این چنین نبوده؛ بلکه زنی که با آموزه های انبیاء رشد نموده؛ موجودی است که بنای نظراتش را با ساختار مستحکم فکری بنا کرده، راه علم و دانش را در پیش گرفته، بر مبنای علم عمل نموده و آنچه را که درست می داند، آزادانه بیان می کند. همین داستان دختران شعیب به خوبی مرز میان حیای بجا و حیای نابجا را مشخص می سازد. دختران شعیب با حفظ عفاف کامل خود، وارد صحنه های اجتماعی و اقتصادی شده و در جایی که پدرشان قدرت انجام کار ندارد، مسئولیت سنگین اداره اقتصادی خانواده را عهده دار می شوند و آن گاه که موسی علیه السلام در مورد علت آب ندادن به گوسفندان سؤال می کند، با کمال متانت و وقار به او جواب می دهند و حتی، آن گاه که قرار شد شعیب علیه السلاممزد آب دادن موسی علیه السلام را بدهد، یکی از آنان به تنهایی به دنبال موسی روانه شد و با کمال حیا و صلابت، مطلب را به موسی گفت و او را تا منزل پدر راهنمایی نمود.(۱)

همه این موارد، نشانگر آن است که حیا و نجابت یک زن به عزلت و گوشه گیری و بریدن از اجتماع نیست، بلکه به آن مفهوم است که در عین حضور در صحنه های اجتماعی، پای بند به دستورهای دینی در مورد نحوه معاشرت باشد.

در خصوص دختر شعیب، نکته جالب توجه دیگری نیز به چشم

۱- قصص: ۲۳ و ۲۵.

می خورد که آن نیز نشان دهنده دوری خاندان انبیاء از خجالت و حیای بیجاست. وقتی که موسی علیه السلام وارد منزل شعیب شد و داستان خود را برای او تعریف کرد، شعیب او را ایمنی بخشید و گفت که از قوم ستمکار، نجات پیدا کرده است. آن گاه دختر شعیب به پدر پیشنهاد داد تا او را به استخدام خود درآورد و گفت: بهترین کسی را که می توانی استخدام کنی، کسی است که قوی و امین باشد.(۱) در اینجا شعیب علیه السلام دریافت که دخترش به ازدواج با موسی علیه السلام تمایل دارد؛ زیرا پس از این پیشنهاد، شعیب پیشنهاد ازدواج موسی با یکی از دخترانش را با او در میان گذاشت(۲) و از آنجا که رضایت خود دختر شرط ازدواج است، پس بی گمان شعیب علیه السلام با طرح مسئله استخدام موسی علیه السلام از سوی دختر خود، به تمایل قلبی او برای ازدواج با موسی پی برده و آن را با او در میان گذاشته است. پس، از فرهنگ قرآن چنین برداشت می شود که زنان در بیان نظرات خود آزاد بوده و به راحتی می توانند عقیده و تمایلات خود را حتی درباره مسایلی چون ازدواج، به صورتی ظریف با بستگان در میان گذارند و در تصمیم گیری ها نیز به آنان کمک کنند و از رقم زدن آینده ای ناپسند برای خود با دستاویز قرار دادن مسایلی چون خجالت و شرم بی مورد دوری نمایند.(۳)

نتیجه مباحث گذشته آن است که فرهنگ الگویی قرآن، (باتوجه به

ص: ۹۴

۱- قصص: ۲۶.

۲- قصص: ۲۷.

۳- نگرش قرآن بر حضور زن در تاریخ انبیاء، ص ۹۷.

آنچه که در فصل آینده بیان می شود) اصل مشارکت اجتماعی بانوان را تأیید نموده و چون این مشارکت مستلزم ارتباط و معاشرت با مردان است، بر آن نیز صحه گذارده است. البته همچنان که ازبررسی موارد گذشته به دست آمد، این ارتباط، مطلق و بی قید و شرط نیست و بی گمان از محدودیت هایی برخوردار است.

در اینجا با بررسی جلوه های رفتاری زنان قرآنی، قلمرو این گونه روابط را جست وجو می کنیم.

نگاه به نامحرم

از مباحث گذشته این چنین برداشت می شود که اصل نگاه کردن زنان به چهره مردان اشکالی ندارد؛ زیرا به عنوان نمونه، در داستان موسی علیه السلام، اگر دختر شعیب ایشان را نمی دید نمی توانست پیام پدر خود را به ایشان برساند. ولی مهم آن است که این نگاه از حالت نگاه انسانی خارج نشده و به یک نگاه آلوده و شهوانی تبدیل نشود؛ زیرا اگر نیت و انگیزه نظر، نیّتی سالم و بر کنار از شوایب و ناخالصی ها نباشد، زمینه انحرافات و آلودگی های بعدی را نیز فراهم می کند.

هنگامی که ماجرای رسوایی زلیخا و تمایل او به ایجاد ارتباط با یوسف علیه السلام به گوش برخی از زنان دربار مصر رسید، آنان زبان به ملامت همسر «عزیز» باز کرده و گفتند: همسر «عزیز»، غلامش را به سوی خود دعوت می کند و عشق این جوان در اعماق قلبش نفوذ کرده، ما او را در گمراهی آشکار می بینیم».(۱) همین زنان که این چنین لب به نکوهش و

۱- یوسف: ۳۰.

بـد گویی زلیخا باز کرده بودند، هنگامی که به منزل او دعوت شدند و زلیخا از یوسف خواست تا بر آنان وارد شود، با نگاهی آلوده به یوسف نظر انداخته و آنان نیز واله و شیدای او شدند.

فَلَمّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ وَ أَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَّكَأً وَ آتَتْ كُلَّ واحِدَةٍ مِنْهُنَّ سِكِّينًا وَ قالَتِ اخْرُجْ عَلَيْهِنَّ فَلَمّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَ قَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَ قُلْنَ حاشَ لِلّهِ ما هذا بَشَرًا إِنْ هذا إِلاّ مَلَكٌ كَرِيمٌ. (یوسف: ۳۱)

چون افسونشان را شنید، نزدشان کس فرستاد و برای هر یک متکایی قرار داد و به هر یک کاردی داد و گفت: بیرون آی تا تو را بنگرنـد. چون او را دیدنـد، بزرگش شـمردند و دست خویش بریدنـد و گفتند: معاذاللّه ، این آدم نیست، این جز فرشـته ای بزرگوار نیست.

ولی کـار به اینجـا هم ختم نشـد، بلکه این آغـاز راه بود. نگـاه آلوده زنان باعث شـد تا آنها هم از یوسف درخواست ارتباط و معاشرت نمایند. دلیل این خواست آن است که در آیات بعد، یوسف علیه السلام، رفتن به زندان را از اجابت درخواست ایشان محبوب ترمی داند(۱): البته ممکن است گفته شود که آنان پس از دیـدن یوسف و عشق وصف ناپـذیر همسر حاکم به او، به عنوان شـفاعت، به گفت وگو بایوسف پرداخته و خواهان آن شدند که یوسف، درخواست همسر حاکم را اجابت نماید، ولی این با دنباله آیه ناسازگار است؛ یوسف به خدا عرض کرد:

«وَ إِلاّ تَصْرِفْ عَنّی كَیْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَیْهِنَّ وَ أَكُنْ مِنَ الْجاهِلِینَ». (یوسف: ۳۳)

و اگر مکر این زنان را از من نگردانی، به آنها میل می کنم و در شمار

۱- یوسف: ۳۳.

نادانان در می آیم.

بنابراین، از ضمایر جمع «کیدهن» و «اصب الیهن» چنین برداشت می شود که این زنان پس از مشاهده عظمت یوسف، به دنبال برقراری ارتباط با او بودند؛ به ویژه که در آیه ۵۱ همین سوره نیز خداوند، کلام عزیز مصر به زنان دربار را این چنین نقل فرمود: «ما خَطْبُکُنَّ إِذْ راوَدْتُنَّ یُوسُفَ عَنْ نَفْسِهِ»

ماجرای کار شما هنگامی که یوسف را به خود دعوت می کردید، چه بود؟

که از اینجا نیز دعوت کردن یوسف توسط زنان مصر برای برقرار نمودن ارتباط به دست می آید.

همه این تمایلات نادرست نفسانی و دعوت های شیطانی، از آن جا شروع شد که آنها عفت در نگاه را پاس نداشتند و بانگاهی آلوده و بیمار به یوسف نگریستند. بنابراین، نمی توان خطرات احتمالی نگاه را نادیده گرفت و بی مهابا و بدون رعایت حدود الهی وارد این عرصه شد.

گفت وگو با نامحرم

در این مبحث نیز، مانند مبحث پیشین باید گفت در روا بودن اصل گفت وگو و سخن گفتن زنان با مردان بیگانه در فرهنگ الگویی تردیدی وجود ندارد؛ دلیل آن نیز صحبت و گفت وگوی دختران شعیب با موسی علیه السلام است. اما از همین سخن گفتن آنان می توان برداشت کردکه حیا و نجابت زنان اقتضا می کند که در هنگام صحبت کردن با مردان، نخست این که، به مقدار لزوم بسنده کرده و بحث رابه سخنان بی مورد و بی جا

نکشانند و دوم این که، لحن سخن گفتن خود را به گونه ای قرار دهند که از ایجاد هر گونه تحریک، تطمیع و وسوسه در مخاطب جلوگیری شود.

برای نمونه، درآن هنگام که دختر شعیب، مأمور رساندن پیام پدر به موسی علیه السلام شد، با حالتی سرشار از حیا به حضور اورسیده و با کمال وضوح و روشنی و بدون هیچ گونه لرزش و اضطرابی و در نهایت اختصار و ایجاز، پیام پدر را به او ابلاغ نمود:

فَجاءَتْهُ إِحْداهُما تَمْشی عَلَی اسْتِحْیاءٍ قالَتْ إِنَّ أَبی یَدْعُوکَ لِیَجْزِیَکَ أَجْرَ ما سَقَیْتَ لَنا. (قصص: ۲۵)

یکی از آن دو زن که به آزرم راه می رفت، نزد او آمد و گفت: پدرم تو را می خواند تا مزد آب دادنت را بدهد.

پس، با این که دختران مؤمن به طور فطری در سخن گفتن و گفت و گو با مردان بیگانه از حیای خاص خود برخوردارند، ولی از آن رو که به پاکی خود اطمینان دارند؛ بدون هیچ گونه اضطراب و در نهایت ایجاز و با وضوح کامل، بامخاطب سخن می گویند.(۱)

ارتباط نزدیک با نامحرم

ارتباط مستمر و غیر لازم بامردان بیگانه، به تدریج زمینه دلبستگی های نابجا و گرایش های نادرست را فراهم نموده و لغزش ها و خطاهای بزرگی را به دنبال می آورد. نمونه روشنِ نتیجه این ارتباط، ماجرای دلبستگی همسر حاکم مصر به یوسف صدیق علیه السلام است. از هنگامی که قرار شد یوسف علیه السلام، در خانه حاکم زندگی کند، در اثر ارتباط نزدیک و مستمر

۱- تفسیر فی ظلال، ج ۵، ص ۲۶۸۷.

همسـر حاکم با یوسف علیه السلام و با رشد جسمی یوسف، به تدریج نهال علاقه به وی در قلب زلیخا کاشته شد، تا جایی که او حاضـر شد. با داشتن همسر، غلامش را به سوی خود دعوت کرده و به نافرمانی از دستورهای الهی ترغیب و تحریک نماید. قرآن کریم در ترسیم نقش این ارتباط تنگاتنگ در دعوت نفسانی زلیخا به انجام گناه چنین می فرماید:

وَ راوَدَتْهُ الَّتی هُوَ فی بَیْتِها عَنْ نَفْسِهِ وَ غَلَّقَتِ الْأَبْوابَ وَ قالَتْ هَیْتَ لَکَ (یوسف: ۲۳)

و آن (بانو) که وی در خانه اش بود خواست ازاو کام گیرد، و درها را بست و گفت: بیا که از آن توام.

با آنکه در آیه ۲۱ همین سوره، از همسر حاکم نام برده بود(۱) و می توانست در این آیه نیز به ضـمیر فاعلی در فعل «راودت» بسنده نموده و یا در نهایت از کلمه «المرأه» به عنوان فاعل «راودت» استفاده نماید، ولی فاعل را به شکل موصول ذکر نمود: (و راودته الـتی هـو فی بیتهـا) و او را زنی دانست که یوسف در منزلش زنـدگی می کرد. از به کـار بردن این صـله و موصول می توان چنین برداشت کرد که قرآن کریم ارتبـاط دایم و مسـتمر همسـر حـاکم بـا یوسف را از عوامـل دلبسـتگی و مراوده وی با یوسف دانسته و زنان را از زیادی معاشرت و برخورد در موارد غیرلازم بر حذر می دارد.

ممکن است گروهی این ادعا را مطرح کنند که ملاک حسن و قبح

۱- «و قـال الـذی اشتراه من مصـر لامرأته اکرمی مثواه...» و آن کسـی که او را از مصـر خریـده بود، به همسـرش گفت: نیکش بدار... .

ارتباط زنان و مردان، تنها نیت و انگیزه آنهاست و از این رو، اگر معاشرت های آنان با نیتی پاک و خیرخواهانه همراه باشد، هیچ زمینه ای برای بروز گناه و فساد ایجاد نخواهد شد، هر چند که این ارتباط و برخورد در حدی وسیع و مستمر باشد. در حالی که داستان زلیخا، به روشنی پرده از روی این اشتباه بر می دارد؛ زیرا زلیخا و همسرش تنها با نیتی خیر خواهانه یوسف را به منزل بردند(۱) اما تأثیر معاشرت دایم به حدی بود که او را به شدت به یوسف علاقه مند ساخت و او را به گناه فراخواند. شاهد دیگر، نادرست شمردن عمل همسر حاکم، توسط زنان مصر است. آنان که با لحنی تمسخرآمیز زلیخا را به خاطر مراوده با غلامش سرزنش می کردند و او را در گمراهی آشکار می دیدند، همین که از نزدیک با یوسف ارتباط پیدا کردند و او را دیدند، به جای میوه، دستان خود را بریدند و او را فرشته ای بزرگوار دانستند.

بنابراین، سر اصرار قرآن و اسلام(۲) بر کاهش ارتباطات زنان با مردان بیگانه و اکتفا به موارد لزوم همین است که نفس ارتباط بی مورد، نقش مهمی در ایجاد علایق و وابستگی های دروغین(۳) دارد و این دلبستگی ها نیز

۱- «وَ قالَ الَّذِی اشْتَراهُ مِنْ مِصْرَ لِامْرَأَتِهِ أَکْرِمی مَثْواهُ عَسی أَنْ یَنْفَعَنا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا». یوسف: ۲۱.

۲- روایات متعددی از معصومین علیهم السلام شاهد این مدعاست که مردان را از خلوت کردن با زنان و زیاد صحبت کردن با آنان نهی نموده است. برخی از این احادیث در جلد چهارم کتاب میزان الحکمه، ص ۲۸۷۵ عرضه شده است.

۳- ابراز عشق و علاقه ای که بدون مبنای الهی و تنها از تمایلات شیطانی سرچشمه گرفته باشد، دروغی بیش نیست و بی درنگ از بین می رود، همچنان که وقتی یوسف به خواسته همسر عزیز تن داد و فرارکرد و آن دو جلوی در با عزیز مصر روبه رو شدند، زلیخا پرده از صادقانه نبودن عشق خویش برداشت و برای تبرئه کردن خود، یوسف علیه السلام را متهم به گناه کرد و به همسرش گفت: قالت ما جزاء من اراد باهلك سوءا الا ان یسجن او عذاب الیم«کیفر کسی که قصد بد به خانواده تو کرده چیست؟ جز این که زندانی یا دچار عذاب دردناکی گردد. یوسف: ۲۵. در حالی که اگر دوستی او صادقانه بود و از شهوت نفسانی برخاسته نبود، یوسف را بر خود مقدم می داشت و گناه را خود بر گردن می گرفت. تفسیر مجمع البیان، ج ۵، ص ۳۴۷.

مسیر انجام گناه را بسیار هموار می نماید؛ گرچه نیت ابتدایی افراد از هر گونه شایبه و انگیزه ناخالصی برکنارباشد.

در پایان این بحث و در پاسخ به این سؤال که «با توجه به الگوهای قرآنی، محدوده معاشرت زنان با مردان نامحرم تا کجاست؟» می توان به این جمع بندی رسید که با توجه به نمونه های قرآنی، اصل ارتباط و معاشرت بین زنان و مردان مورد تأیید است. گرچه لازم است که این برخوردها از قبیل نگاه و گفت و گو به کمترین مقدار لازم کاهش یابد و نیز زنان از اختلاط و ارتباط نزدیک با مردان بیگانه دوری کنند، حدود الهی را در این موارد مراعات نمایند.

پرهیز از انتساب امور نادرست به مردم

همچنان که در مباحث مربوط به رعایت عفاف در برقرار ساختن روابط جنسی و رعایت محدوده معاشرت با نامحرم گفته شد، هدف قرآن از تنظیم این روابط، دوری از بروز ناهنجاری های فردی و اجتماعی و ایجاد آرامش روحی در فرد و امنیت عمومی در جامعه است.

یکی از اموری که این آرامش و ثبات را خدشه دار و افراد جامعه را نسبت به یکدیگر بدبین نموده و سرانجام موج حریم شکنی و پرده دری را به وجود می آورد، آن است که بعضی از افراد جامعه بدون هیچ گونه دلیل موجهی و تنها برای ارضای مقاصد شیطانی خویش، افراد بی گناه

ص: ۱۰۱

وصالح را به برقراری روابط ناسالم جنسی متهم ساخته و با شیوه ای بسیار ناجوانمردانه به آبروی این افراد حمله ور شوند. قرآن کریم ضمن نکوهش شدید این عمل و عاملان آن، به مؤمنان آرامش خاطر می دهد که این گونه اتهامات نه تنها آسیبی به آنها نمی زند، بلکه برای آنان موجب خیر و نیکی است. آن گاه وظیفه مؤمنان را در برخوردبا این گونه شایعات و شایعه سازان به روشنی بیان می دارد و آنان را به هوشیاری کامل در رویارویی با این توطئه ها فرا می خواند.

تهمت؛ حیله و گناهی بزرگ

همسر حاکم مصر از کسانی است که با وارد نمودن اتهام، آن هم به چهره معصومی چون یوسف علیه السلام در پی خدشه دار کردن حیثیت این بزرگوار برآمد. وی که با پیروی از هواهای نفسانی خود، به دنبال کام جویی از یوسف بود، پس از خودداری و فرار وی، هنگامی که او را تا مقابل در تعقیب نمود و آنجا با همسرش روبه رو شد، به شکلی ناجوانمردانه یوسف را به تعرض نسبت به خود متهم ساخته و با مفروض دانستن آن، از او پرسید: «جزای کسی که نظر بدی نسبت به همسر تو داشته باشد، چیست؟ جز این که زندانی یا دچار عذابی دردناک گردد».(۱) اما همین که شاهدی از خانواده همان زن شهادت داد که اگر پیراهن یوسف از پشت پاره شده، زن دروغ گفته و او (یوسف) از راستگویان است(۲) و حاکم مصر دید که پیراهن او از پشت چاک خورده است، به زلیخا گفت:

ص: ۱۰۲

۱- یوسف: ۲۵

۲- همان، ۲۶.

إِنَّهُ مِنْ كَيْدِكُنَّ إِنَّ كَيْدَكُنَّ عَظيمٌ. (يوسف: ۲۸)

این از نیرنگ شماست و نیرنگ شما بزرگ است.

قرآن کریم در اینجا، با صحه گذاردن بر کلام عزیز مصر، تهمت ناروای زلیخا به یوسف را مکر و حیله ای بزرگ خواند.

همچنین در داستان «افک» و وارد ساختن اتهام ناروا به یکی از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله، قرآن کریم طی آیاتی(۱)، ضمن آنکه به شدت با شایعه سازان و شایعه پذیران برخورد می کند، وارد ساختن نسبت های ناروا را گناهی بس بزرگ شمرده و می فرماید:

إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِأَلْسِنَتِكُمْ وَ تَقُولُونَ بِأَفْواهِكُمْ ما لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَ تَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَ هُوَ عِنْدَ اللّهِ عَظيمٌ. (نور: ۱۵)

آن گاه که آن (بهتان) را از زبان یکدیگر می گرفتید و با زبان های خود چیزی را که بدان علم نداشتید، می گفتید و می پنداشتید که کاری سهل و ساده است، با این که آن، نزد خدا بس بزرگ بود.

و برای آنکه، این توهم پیش نیاید که عظمت و بزرگی گناه تهمت تنها به دلیل آن است که نسبت به یکی از نزدیکان رسول خدا صلی الله علیه و آله روا داشته شده، در ادامه، همه کسانی را که مایلند زشتی در میان مؤمنان شایع گردد، به عذاب دردناکی در دنیا و آخرت وعده می دهد:

إِنَّ الَّذينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشيعَ الْفاحِشَةُ فِي الَّذينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذابٌ أَليمٌ فِي الدُّنْيا وَ الْآخِرَةِ وَ اللّهُ يَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ. (نور: ۱۹)

کسانی که دوست دارند که زشت کاری در میان آنان که ایمان آورده اند، شیوع پیدا کند، برای آنان در دنیا و آخرت، عذابی پردرد خواهد بود، خدا می داند و شما نمی دانید.

۱- نور: ۱۱ تا ۲۵.

در این آیه کریمه، تعبیر «ان الـذین یحبون» حـاکی از آن است که نه تنهـا عـذاب نقـل کننـدگان چنین شایعاتی بسـیار سـخت است، بلکه حتی کسانی که پخش این نسبت ها را در بین مومنان می پسندند، به عذابی دردناک گرفتار خواهند شد.

تهمت؛ مایه خیر

پخش شایعات بی اساس و وارد ساختن اتهامات ناروا به مؤمنان، گرچه به ایجاد مشکلات و ناامنی های اجتماعی دامن می زند ولی قرآن کریم، به مؤمنان اطمینان می دهد که در مجموع، پخش این شایعات، نه تنها برای آنان شر به شمار نمی آید بلکه به خیر و صـلاح آنان منجر می شود! در تشریح خیر و مصالح این تهمت های ناروا باید گفت؛ نخست این که، از آنجا که تهمت باطل است؛ پایدار نمی ماند و سـرانجام تهمت زننده رسوا می شود. آن گاه که همسر حاکم مصر زبان به متهم ساختن یوسف گشود و به همسـرش گفت که بایـد وی را به زندان یا عذابی دردناک مجازات نماید،(۱) آنچه کوس رسوایی وی را به صـدا درآورد، همین ادعای دروغی بود که توسط او مطرح شـد و یوسف را ناچار کرد تا برای رفع اتهام از خود، زبان به بی گناهی خود و قصـد شوم زلیخا باز کنـد:(۲) «یوسف گفت: او از من کـام خواست». و از آنجـا که خداونـد، خود پشتیبـان بی پناهـان است، شاهدی از خانواده همان زن شهادت داد که اگر پیراهن یوسف از جلو

۱- یوسف: ۲۵.

۲- حسین ابوالفتوح رازی. تفسیر الوالفتوح رازی. تهران: چاپخانه ممد حسن علمی، ۱۳۳۴، ج ۵، ص ۴۶۸.

چـاک خـورده، زن راسـت گفتـه و او از دروغگویـان اسـت و اگر پیراهـن او از پشـت دریـده شـده، زن دروغ گفتـه و او از راسـتگویان است. و عزیز مصـر که دیـد پیراهن یوسف از پشت پاره شـده، حکم به برائت یوسف وکید و مکر و خطای همسـر خود داد.(۱) و نیز در مـاجرای اتهام قوم مریم علیهاالسـلام که او را به انجام کار ناپسـند متهم ساختنـد، خداونـد، روح الله علیه السـلامرا که نوزادی بیش نبود، به سـخن درآورد و نزاهت و پاک دامنی مادر را با تکلم این طفل به اثبات رسانید.(۲) همچنان که در جریان «افک» و بهتان به همسـر پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله وسـلم نیز، خداوند متعال پرده از روی این توطئه بزرگ منافقـان برداشت، برائت همسـر پیـامبر را از انجـام آن گنـاه اثبـات و با نازل کردن آیات متعـددی با شـدّت به برخورد با شایعه پردازان پرداخت و مؤمنان را به هوشیاری کامل در مواجهه با شایعات فراخواند.(۳)

دوم این که، یکی از برکات این شایعه پردازی آن بود که صـفوف منافقان را از صف موحـدان، جـدا کرد. بیان این مطلب آن است که یکی از سـعادت های جامعه صالح این است که اهل گمراهی و فساد، در آن جامعه شـناخته شوند، تا جامعه نسبت به آنها بصـیرت پیـدا کرده و برای اصـلاح این اعضای فاسد، دست به اقدام زند. به ویژه در جامعه دینی که سـر و کارش با وحی آسمانی است و در هر پیشامدی وحیی بر آنان نازل می شود و ایشان را موعظه و تذکر می دهد که چگونه از این پیشامد

۱- یوسف: ۲۶ تا ۲۹.

۲- مریم: ۲۷ تا ۳۳.

۳- نور: ۱۱ تا ۲۵.

استفاده کنند و دیگر نسبت به امور خود سهل انگاری و غفلت روا ندارند، بلکه در امر دین خود و هر مهم دیگر زندگیشان احتیاط کنند. دلیل بر این مدعا، جمله «لکل امری منهم مااکتسب من الاثم»(۱) است؛ چون اثم، آثار سوئی است که بعد از گناه برای آدمی باقی می ماند. پس ظاهر جمله این است که آنهایی که این تهمت را زده بودند، به آثار سوء عملشان شناخته می شوند و از دیگران متمایز می گردند و در نتیجه به جای آنکه رسول خدا صلی الله علیه و آله را رسوا کنند، خود مفتضح می شوند.(۲)

و سوم این که، خداوند متعال پس از واقعه «افک»، مردان و زنان مؤمن را به هوشیاری کامل در برابر توطئه منافقان و حفظ وحدت و یکپارچگی فراخواند و از آنان خواست که هرگز اجازه ندهند که دشمنان واقعی دین، در لباس دوست به ایجاد بدبینی و تفرقه در میان مسلمانان بپردازند و با نازل کردن آیاتی چند، چگونگی برخورد مومنان با شایعه، شایعه پردازان و نقل کنندگان شایعه را روشن ساخت و آنان را از نقل هر آنچه که می شنوند، به شدت برحذر داشت.

نتیجه این موارد سه گانه آن است که گرچه به نظر می رسد وارد ساختن چنین اتهاماتی به مردان و زنان مؤمن، لطمات فردی و اجتماعی بسیاری به همراه داشته باشد، ولی چنانچه جامعه ایمانی از این واقعه درس گیرد و با احتیاط و دقت کامل با عاملان این توطئه و افرادی که

۱- إِنَّ الَّذینَ جاؤُ بِالْإِفْکِ عُصْبَهٌ مِنْکُمْ لا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَکُمْ بَلْ هُوَ خَیْرٌ لَکُمْ لِکُلِّ امْرِی مِنْهُمْ مَا اکْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَ الَّذی تَوَلّی کِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذابٌ عَظیمٌ. نور: آیه ۱۱.
۲- تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۱۲۹.

مورد تهمت قرار گرفته انـد برخورد نمایـد، این شایعـات نه تنهـا تـأثیر منفی بر جـای نخواهـد گـذاشت، بلکه به خیر و صـلاح مسـلمانان خواهـد انجامیـد و بـا رسوا ساختن منافقان، آنها را از وارد ساختن آسـیب های جـدی تر به جامعه ایمانی، ناتوان می سازد.

وظایف زنان مؤمن در برابر شایعات

قرآن کریم در مورد مسـئله «افـک» و وارد سـاختن اتهـام به یکی از همسـران پیامبر صـلی الله علیه و آله ضـمن برخورد قاطع با شـایعه پردازان، به تبیین وظـایف مؤمنـان هنگام مواجهه با شایعه پرداخت. در اینجا به اختصار، اصل ماجرای «افک» را براساس نقل برخی از تفاسـیر، مطرح می کنیم و سپس به بیان دستورهای الهی در خصوص برخورد با افتراء می پردازیم. «عایشه، همسر پیامبر خدا می گوید: پیامبر خدا صـلی الله علیه و آله هنگامی که می خواست سـفری برود، در میان همسرانش قرعه می افکند، قرعه به نـام هر کس می آمـد او را بـا خود می برد، در یکی از غزوات، قرعه به نـام من افتـاد، من با پیامبر صـلی الله علیه و آله حرکت کردم و چون آیه حجاب نازل شـده بود در هودجی پوشـیده بودم، جنگ به پایان رسـید و ما بازگشتیم. نزدیک مدینه رسیدیم، شب بود، من از لشکرگاه برای انجام حاجتی کمی دور شدم. هنگامی که بازگشتم متوجه شدم گردنبندی که از مهره های یمانی داشـتم، پاره شـده است. به دنبال آن رفتم و معطل شدم. هنگامی که بازگشـتم، دیدم لشـکر حرکت کرده و هودج مرا بر شتر گـذارده انـد و رفته اند، در حالی که گمان می کرده اند من در آنم، زیرا زنان در آن زمان بر اثر کمبود غذا سـبک جثه بودند، افزون بر آن من سن و سالی نداشتم، به هر حال در آن جا تک و تنها ماندم و فکر کردم هنگامی

که به منزلگاه برسند و مرا نیابند به سراغ من باز می گردند، شب را در آن بیابان ماندم. اتفاقا «صفوان» یکی از افراد لشکر مسلمانان که او هم از لشکرگاه دور مانده بود، شب در آن بیابان بود، به هنگام صبح مرا از دور دید، نزدیک آمد، هنگامی که مرا شناخت بی آن که یک کلمه با من سخن بگوید جز این که «اناللّه و انا الیه راجعون» را بر زبان جاری ساخت، شتر خود را خواباند و من بر آن سوار شدم. او مهار ناقه را در دست داشت تا به لشکرگاه رسیدیم، این منظره سبب شد که گروهی درباره من شایعه پردازی کنند و خود را بدین سبب هلاک سازند. کسی که بیش از همه به این تهمت دامن می زد، «عبداللّه بن ابی سلول» بود. ما به مدینه رسیدیم و این شایعه در شهر پیچید، در حالی که من از آن هیچ خبر نداشتم...».(۱)

پخش این شایعه، گرچه از آن رو که افراد بی گناهی را متهم می ساخت گناه اخلاقی بزرگی به شمار می آمد، ولی از آن رو که سر کرده منافقان برای لکه دار ساختن چهره پر فروغ رسول اکرم صلی الله علیه و آله و دلسرد کردن مردم از او اقدام به این کار کرد، توطئه ای سیاسی بر ضد نظام اسلامی نیز قلمداد گردید. از این رو، قرآن کریم در ابتدا، هر یک از کسانی را که در پخش این شایعه دست داشتند گناهکار معرفی می کند و سپس منشأ اصلی ایجاد این شایعه را به عذابی عظیم وعده می دهد.(۲) آن گاه کسانی را که

۱- تفسیر مجمع البیان، ج ۴، ص ۲۰۴.

۲- «إِنَّ الَّذینَ جاؤ بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِنْكُمْ... لِكُلِّ امْرِی مِنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَ الَّذی تَوَلّی كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذابٌ عَظیمٌ»، نور: ۱۱.

ناآگاهانه در راستای مقاصد دشمنان حرکت کرده و به گسترش این نسبت ناروا دامن زدند، ملامت می کند و به تبیین وظایف مؤمنان در برابر شایعه می پردازد.

حسن ظن به مؤمن

اولین وظیفه مردان و زنان مؤمن آن است که به یکدیگر حسن ظن داشته باشند و هرگز به صرف احتمال یا حتی گمان قوی کسی را متهم نسازند.(۱) داستان «افک» و افترا به همسر پیامبر صلی الله علیه و آله درس خوبی برای مؤمنان است که گرچه عقب افتادن مرد و زنی از کاروان وصحنه بازگشت آنها با یکدیگر، احتمال ارتباط آنها را تقویت می کند، ولی از آنجا که این، گمانی بیش نیست و هیچ گونه پشتوانه عقلی و منطقی ندارد، نمی توان به آن اعتنا نمود و آن را پذیرفت. درس قرآن درچنین مواردی، آن است که تنها در صورتی که صددرصد به انجام گناه علم پیدا کنیم، می توانیم حسن ظن خود را از دست بدهیم.

در ماجرای باردار شدن مریم علیهاالسلام، همین که قوم او وی را به همراه فرزندی دیدند و می دانستند که او شوهری ندارد، حکم نادرست آلودگی و گناه مریم را صادر کردند.(۲) در حالی که هرگز بشری او را لمس نکرده بود و با دمیده شدن روح الهی در او باردار گردید.(۳)

البته شاید در نزد قوم مریم، محال به نظر می رسید که زنی بدون ارتباط

۱- «لولا ـ اذ سمعتموه ظن المؤمنون و المؤمنات بانفسهم خیرا»، چرا هنگامی که آن بهتان را شنیدید، مردان و زنان مؤمن به خود گمان نیک نبردند؟ نور: ۱۲.

۲- «قالوا یا مریم لقد جئت شیئا فریا» گفتند: ای مریم! کاری قبیح کرده ای. مریم: ۲۷.

۳- انبیاء: ۹۱.

بـا مرد، صاحب فرزنـد شود و از این رو، حکم به «بغی» مریم کردنـد؛ ولی قرآن به ما می آموزد که حتی در چنین مواردی، از آن جا که به این ارتباط نامشروع، علم نداریم، هرگونه اتهامی محکوم به بطلان است.

پس اصـل اول در شـنیدن اتهامـات و نسـبت های ناروا به مؤمنان، حسن ظن به آنهاست. نکته جالب در آیه ۱۲ سوره نور، آن است که به جـای گفتن «ولولا ـ ظننتم بانفسـکم خیرا» (چرا شـما به خـود گمـان خیر نبردیـد؟) فرمـود: «و لولا ـ ظن المؤمنـون و المؤمنات بانفسـهم خیرا» (چرا مردان و زنان مؤمن به خود گمان خیر نبردند؟) تا بر علت حکم دلالت کند و بفهماند که صفت ایمان، مؤمن را از فحشاء و منکرات عملی و زبانی باز می دارد. پس کسـی که متصف به ایمان است، بایـد به افراد دیگری که چون او متصف به ایمان هسـتند، گمان خیر داشـته باشـد و درباره آنان بـدون علم سـخنی نگوید؛ زیرا همه اهل ایمان همچون شخص واحـدی هسـتند که متصف به ایمان و لوازم و آثار آن است. بنابراین، معنای آیه چنین می شود که چرا وقتی «افک» را شنیدیـد به جای این که نسـبت به مؤمنان متهم، حسن ظن داشـته باشـید به تراشـنده «افک» حسن ظن پیـدا کردیـد و بدون علم درباره اهل ایمان سخنی گفتید؟

منع شایعه پراکنی

قرآن در برخورد بـا عاملاـن پخش شایعـات، شـنوندگان را به نهی از منکر و جلوگیری کردن آنـان از پراکنـده کردن اتهامات ناروا و ایجاد جوّ بـدبینی در اجتماع فراخوانـده و مردان و زنان مؤمن را از اینکه در ماجرای «افک»، وقتی سـخنان شایعه سازان را شنیدند، هیچ واکنشی از خود بروز ندادند،

سرزنش می نماید:

وَ لَوْ لا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ ما يَكُونُ لَنا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهذا سُبْحانَكَ هذا بُهْتانٌ عَظِيمٌ. (نور: ۱۶)

چرا آن گاه که این سخن را شنیدید، نگفتید: ما را نشاید که آن را بازگوییم، پروردگارا تو منزهی، این تهمتی بزرگ است؟

جالب آنکه در این آیه، خداوند از مؤمنان می خواهد که هنگام شنیدن چنین شایعه ای، بی درنگ این خبر را تهمت و افترایی بزرگ بنامند و در واقع گوینده این سخنان را به دروغ پردازی و نشر اکاذیب متهم نمایند و به هیچ رو به او اجازه ندهند که در این گونه موارد با آنان به گفت وگو بپردازد. همچنان که با یادآوری خاطره تلخ پذیرش شایعه توسط مؤمنان و روایت بدون درایت آن، آنان را به خاطر تساهل در مورد این امر بزرگ، مورد ملامت و سرزنش جدی قرار می دهد:

إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِأَلْسِنَتِكُمْ وَ تَقُولُونَ بِأَفْواهِكُمْ ما لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَ تَحْسَبُونَهُ هَيِّناً وَ هُوَ عِنْدَ اللّهِ عَظِيمٌ. (نور: ۱۵)

آن گاه که آن سخن را از دهان یکدیگر می گرفتید و چیزی بر زبان می راندید که درباره آن هیچ نمی دانستید، می پنداشتید که کاری خُرد است و حال آنکه درنزد خدا کاری بزرگ بود.

و به خاطر اهمیت بسیار زیاد مسئله، مومنان را از این که بار دیگر دچار چنین لغزشی گردند، به شدت برحذر می دارد:

يَعِظُكُمُ اللّهُ أَنْ تَعُودُوا لِمِثْلِهِ أَبَداً إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ. (نور: ۱۷)

خدا شما را اندرز می دهد که اگر از مؤمنان هستید، بار دیگر گرد چنان کاری نگردید.

رد مدعای تهمت زننده

از آنجـا که تعرض به آبروی مؤمنـان و نسـبت دادن اعمـال منـافی عفت، به آنـان اثرات فردی و اجتمـاعی ناگواری را به دنبال دارد، قرآن کریم با قرار دادن مقرراتی سخت برای کسانی که بی پروا اقدام به افک و افترا نمایند، تنها در صورتی ادعای آنان را قابل قبول دانسته که چهار شاهد برای اثبات مدعای خود اقامه کنند.

لَوْلا جاؤ عَلَيْهِ بِأَرْبَعَةِ شُهَداءَ فَإِذْ لَمْ يَأْتُوا بِالشُّهَداءِ فَأُولئِكَ عِنْدَ اللّهِ هُمُ الْكاذِبُونَ. (نور: ۱۳)

چرا چهار شاهد بر ادعای خود نیاوردند؟ پس اگر شاهدانی نیاورده اند، در نزد خدا در زمره دروغگویانند.

و از آن جا که مصلحت حفظ آبروی افراد جامعه اسلامی و سلامت فضای اخلاقی جامعه بسیار مهم و حتی از مجازات عاملان منـافی عفت نیز مهم تر و بالاتر است، در صورتی که حتی سه نفر شاهـد، کسـی را متهم به چنین عملی نماینـد، ادعای آنان در نزد خـدا پذیرفته نمی شود و حتی اگر به واقع چنین اتفاقی افتاده باشد، دروغگو به شـمار می آیند(۱) و به خاطر هتک حرمت مسلمانان، به حد محکوم می شوند.(۲)

ص: ۱۱۲

۱- «فاذلم یأتوا بالشهداء فاولئک عنداللّه هم الکاذبون». همان.

۲- حـد قـذف، هشـتاد ضـربه تازیانه است، چه افترا زننده مرد یا زن باشـد... (روح اللّه موسوی خمینی، تحریر الوسـیله، موسسـه مطبوعاتی اسماعیلیان، ج ۲، ص ۴۷۵).

فصل دوم: پرورش فرزند

اشاره

از آن جا که قرآن کریم برای تربیت و پرورش نسل های آینـده اهمیتی خاص قایل است و با توجه به نقش محوری مادران در تربیـت جسـمی و روحی فرزنـدان، بـه ویژه در سـنین کـودکی، قرآن کریـم بخشـی از تربیت الگـویی خـود را به معرفی زنـانی اختصاص داده که در پرورش فرزندان، نقشی حساس برعهده دارند.

به دلیل آن که هر دو بعـد تربیت جسـمی و معنوی در رشد و پرورش کودکان اهمیت دارد، آیات نورانی قرآن کریم نیز به هر دو بعـد پرداخته است. بنابراین، در فصل دوم این بخش، تربیت الگویی زنان را در زمینه های پرورش ظاهری و باطنی کودکان مورد بررسی قرار خواهیم داد.

گفتار اول: پرورش جسمی کودک

اشاره

سلامت جسـمانی و رشـد متنـاسب فیزیکی، سـهمی به سـزا در چگونگی ارتقـای روحی و معنوی انسان برعهـده دارد، هرچند موضوع تربیت های قرآنی، روح و جان انسان است و قرآن، جسم را به منزله مرکبی برای روح

می دانـد، ولی به دلیل تأثیر شـرایط جسـمی بر رشد روحی و تکامل معنوی(۱) و نقش سـلامت مرکب در سـرعت وچگونگی سیر، پرورش ظـاهری انسان نیز مـد نظر قرآن کریم قرار گرفته است. بررسـی نمونه های قرآنی، نشانگر آن است که زنان برای پرورش جسـمی کودکان خویش، در دو مرحله قبل و بعـد از ولادت فرزنـد به ایفای نقش پرداخته انـد که دراینجا به اقـدامات انجام شده توسط مادران برای تأمین سلامت کودکان خود در طی دو دوره یاد شده اشاره می کنیم.

زمینه سازی برای تولد فرزند سالم

در تربیت الگویی مادران، قرآن کریم برای تولد فرزند سالم امور زیر را توصیه می کند.

دعا و نیایش

آن هنگام که حوا باردار و حمل او سنگین گشت، به همراه آدم علیه السلام با نیایش به درگاه خدا، از وی خواستند تا فرزندی سالم و شایسته بقا به آنان عطا کند.

هُوَ الَّذی خَلَقَکُمْ مِنْ نَفْسٍ واحِدَهٍ وَ جَعَلَ مِنْها زَوْجَها لِیَسْـکُنَ إِلَیْها فَلَمّا تَغَشّاها حَمْلًا خَفیفًا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمّا أَثْقَلَتْ دَعَوَا اللّهَ رَبَّهُما لَئِنْ آتَیْتَنا صالِحًا لَنَکُونَنَّ مِنَ الشّاکِرینَ. (اعراف: ۱۸۹)

اوست که همه شما را از یک تن بیافرید و از آن یک تن همسرش را نیز

ص: ۱۱۴

۱- به دلیـل همین تأثیر است که قرآن کریم در آیه ۲۳۳ سوره بقره به ایراد بحث مبسوطی درباره شـیر دادن مادران به فرزندان پرداخته و در روایات متعـددی،ضـمن تأکید بر انتخاب فرد واجد شـرایط برای شـیر دادن کودک، اولیای کودک را از گزینش زنان احمق، دیوانه، زناکار، شارب خمر و ناصبی برای این امر مهم برحذر داشـته اند. محمد الری شـهری، میزان الحکمه، ج ۲، ص ۱۰۸۸.

آفریـد تا به او آرامش یابد. چون با او در آمیخت، به باری سـبک بارور شد و مدتی با آن سـر کرد. و چون (حوا) سـنگین بار شد، خدا، پروردگار خود را خواندند که اگر به ما (فرزندی) صالح عطا کنی، بی تردید از سپاسگزاران خواهیم بود.

نذر

همسـر عمران که سال ها در انتظار فرزنـد به سـر برد، پس از آن که مریم را باردار شـد، نـذر کرد که اگر خداوند او را از این عقبه برهاند و فرزندش به سلامت متولد گردد، او نیز بر خود واجب گرداند که فرزندش را از خدمت خود آزاد کند تا خدا را عبادت و به بیت المقدس خدمت نماید.

إِذْا قالَتِ امْرَأَتُ عِمْرانَ رَبِّ إِنّی نَذَرْتُ لَکَ ما فی بَطْنی مُحَرَّرًا. (آل عمران: ۳۵)

چون زن عمران گفت: پروردگارا! آنچه در شکم خود دارم نذر تو کردم تا آزاد شده (از مشاغل دنیا و پرستشگر تو) باشد.

خداوند نیز نذر او را پذیرفته و فرزندی سالم و شایسته، چون مریم به او عطا کرد.

تغذیه مناسب مادر

رژیم غـذایی مادر در زمان بارداری، نقشـی اساسـی در چگونگی تکوّن فرزنـد و ویژگی ها و خصوصـیت های او دارد. از این رو، خداوند متعال در هنگام بارداری مریم علیهاالسلام، در آن بیابان چشمه آبی گوارا برای او پدید آورد تا از آن بنوشد(۱) و درخت خشک شده خرما را سبز و خرم گرداند تا

۱- «فَناداها مِنْ تَحْتِها أَلاّ تَحْزَنی قَدْ جَعَلَ رَبُّکِ تَحْتَکِ سَرِیًّا»، پس از زیر پـای او (فرشـته) وی را نـدا داد کـه: غـم مـدار، پروردگارت زیر (پای) تو چشمه آبی پدید آورده است. مریم: ۲۴.

از خرمای تازه و با طراوات آن تغذیه نماید. پس، لازم است مادر برای حفظ سلامت خود و رشد مناسب فرزند، تغذیه خود را، چه از نظر کمی و چه از بعد کیفی مورد رسیدگی قرار دهد.

همان طور که حضرت علی علیه السلام نیز به آن اشاره نموده اند، بهترین غذا برای زن حامله، خرمای تازه است.(۱)

ما تَأْكُلُ الحامِلُ و لا تَتَداوی بِه افضلَ مِنَ الرُّطَب قال اللّه تعالی لمریم: وَ هُزّی إِلَیْكِ بِجِذْعِ النَّخْلَهِ تُساقِطْ عَلَیْكِ رُطَبًا جَنِیًّا فَكُلی وَ اشْرَبی وَ قَرّی عَیْنًا. (مریم: ۲۵ و ۲۶)

زن باردار، هیچ غذا و دارویی بهتر از خرمای تازه نخواهد خورد، زیرا خدای تعالی به مریم فرمود: و تنه درخت خرما را به طرف خود (بگیر و) بتکان، بر تو خرمای تازه می ریزد. بخور و بنوش و دیده روشن دار...

وظایف مادران پس از ولادت فرزند

اشاره

زیر فصل ها

سپاس گزاری از خداوند

تغذیه کودک با شیر مادر

تغذیه مناسب مادر

نگهداری و مراقبت از فرزندان

سپاس گزاری از خداوند

انسان ها معمولاً به هنگام انتظار فرزند، دست به دعا برمی دارند و از خدا فرزند سالم و شایسته طلب می کنند و همانند همه اشخاصی که خود را در برابر مشکل یا خطری می بینند، با اخلاص کامل به درگاه خدا روی می آورند و با او عهد می کنند که پس از برآمدن حاجات و حل مشکلشان شکرگزار باشند، زیرا داشتن فرزندی سالم و شایسته، از نعمت های خدا و سزاوار شکرگزاری به درگاه اوست؛ اما به هنگامی که فرزند متولد شد، یا مشکل آن ها برطرف گردید، عهد و پیمان ها را به دست فراموشی سپرده،

۱- تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۳۳۰.

گاه می گویند: اگر فرزند ما سالم یا زیباست، به پدرو مادرش رفته و این زیبایی مطابق قانون وراثت است، گاه می گویند نوع تغـذیه مـادر و دیگر شـرایط خوب بوده و به طور کلی، نقش پروردگار را نادیـده می گیرنـد و علت اصـلی این موهبت را تنها عوامل طبیعی می شـمرند.(۱) قرآن کریـم، این دعـا و طلب فرزنـد صالـح و سـالم از خـدا و قـول به سپاس گزاری از او را در صورت استجابت آن، چنین ترسیم نموده است:

فَلَمّا أَثْقَلَتْ دَعَوَا اللّهَ رَبَّهُما لَئِنْ آتَیْتَنا صالِحًا لَنَکُونَنَّ مِنَ الشّاکِرِینَ. (اعراف: ۱۸۹)

... چون بـار سـنگین گردیـد، آن دو، (پـدرو مـادر) اللّه ، پروردگار خویش را بخواندنـد که اگر ما را فرزنـدی صالـح دهی از سپاس گزاران خواهیم بود.

و آن گاه ناسپاسی این پدران و مادران را این گونه تصویر نمود:

فَلَمّا آتاهُما صالِحًا جَعَلا لَهُ شُرَکاءَ فیما آتاهُما فَتَعالَی اللّهُ عَمّا یُشْرِکُونَ. (اعراف: ۱۹۰)

و چون خدا آن دو را فرزندی صالح داد، برای او در آنچه به آن ها عطا کرده بود، شـریکانی انگاشتند؛ حال آن که خدا از هر چه با او شریک می سازند، برتر است.

تغذیه کودک با شیر مادر

بـا توجه به اهمیت ویژه شـیر مـادر در رشـد مناسب جسـمی و نیز تأثیر آن در ایجاد صـفات و ویژگی های شخصـیتی کودک، قرآن کریم افزون بر تأکید صریح بر شیر دادن مادران،(۲) اهمیت آن را با روش الگویی نیز مورد اهتمام

۱- تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۵۱.

۲- بقره: ۲۳۳.

خاص خود قرار داده است.

هنگـامی که مادر موسـی علیه السـلام، او را به دنیا آورد، عشق و علاقه مادری، به طور طبیعی اقتضا می کرد که فرزنـد خود را شیر داده و او را پرورش دهد و نیازی به راهنمایی از سوی خدا نبود ولی اهمیت تغذیه موسـی با شیر مادر تا حدی زیاد بود که خداوند با وجود آگاهی فطری مادر موسـی علیه السـلام به این امر، او را با سـروش غیبی نیز خطاب کرد که فرزند خود را شیر دهـد. مادر موسـی نیز او را شـیر داد و هنگام احساس خطر، براساس فرمان الهی او را در صـندوقی گذاشـته و بر روی آب نیل رهایش ساخت. پس ازآن که کارگزاران فرعون، موسـی علیه السـلام را از آب گرفتنـد و بنا به درخواست همسـر فرعون، قرار شد او را نکشند و در نزد خود نگه دارند، برای تغذیه او بسیاری از زنان شیرده را حاضر کردند، ولی موسی با هدایت الهی، از شیر هیچ یک از آن زنان نخورد. تا اینکه، خواهر موسی با ظرافت خاصی آنان را به سوی مادر موسی راهنمایی کرده و موسی علیه السلام از شیر او خورد، پس وی را برای تغذیه و تربیت، نزد مادرش سپردند.(۱)

خودداری موسـی علیه السـلام از پـذیرش شـیر زنان دیگر، نشانگر اهمیت خاص تغـذیه با شـیر مادر و تأثیراتی است که از نظر جسـمی و روحی بر کودک می گذارد. بنابراین، می توان گفت: شیر مادر، بهترین غذا برای کودک و دامان پر مهر او مناسب ترین محل برای تربیت فرزند به شمار می رود.

۱- قصص: ۷ تا ۱۳.

تغذیه مناسب مادر

باتوجه به لزوم تغذیه نوزاد با شیر مادر، ضروری است که مادران با استفاده از غذای کافی ومناسب، زمینه رشد کمی وکیفی کودکان خود را فراهم سازند.

در بحث تغذیه مناسب مادر در دوران بارداری، با استناد به حدیثی از حضرت علی علیه السلام، خرمای تازه به عنوان بهترین غذای مادران باردار معرفی شد، زیرا خداوند در زمان بارداری مریم علیهاالسلام غذای او را از خرمای تازه قرار داد. در روایتی دیگر، رسول اکرم صلی الله علیه و آله با استناد به آیه ۲۵ سوره مریم، زن نفساء(۱) را به خوردن رطب، به عنوان اولین غذا سفارش نموده اند. در ادامه آن روایت از رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال شد که اگر فصل خرمای تازه نبود، چه کنیم؟ فرمود: به جای آن، هفت خرما از خرمای مدینه واگر آن نیز در دسترس نبود، هفت خرما از خرمای منطقه خودتان مصرف شود. که خدا عزوجل می فرماید: به عزت و جلال و عظمت و رفعت منزلتم، زن نفساء در روز زایمان خرما نمی خورد، مگر این که اگر فرزندش پسر بود، پسری بردبار و اگر دختر بود، دختری صبور خواهد شد.(۲)

امام باقر علیه السلام نیز شفابخش ترین غذا برای زن نفساء را رطب و خرمای تازه دانسته اند، زیرا خداوند آن را خوراک مریم علیهاالسلام گردانید.(۳)

۱- نفساء: زنی که وضع حمل کرده است. محمد بن مکرم بن منظور، لسان العرب، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق ج ۱۴، ص ۲۳۷.

۲- تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۳۳۰.

۳- همان، ص ۳۳۱.

نگهداری و مراقبت از فرزندان

کودک، در سنین اولیه تولد که از قدرت جسمی و فکری لازم برای زندگی برخوردار نیست و به هیچ وجه توانایی تأمین نیازهای شخصی و نگهداری از خود را در برابر بلایا و آفات ندارد، به حمایت و مراقبت دقیق مادر نیازمند است و مادران باید نهایت تلاش خود را در حراست از کودکان خویش به کار گیرند. همچنان که مادر موسی علیه السلام، آن گاه که از راه الهام آسمانی دریافت که باید فرزندش را در نیل قرار دهد، صندوقی چوبین تهیه کرد و برای آسایش موسی، درون آن را پنبه قرار داد و برای آن که آب به داخل صندوق نفوذ نکند، بندهای آن را با قیر پر کرد(۱) و پس از آنکه موسی را به آب انداخت، برای آنکه در مراقبت از فرزند هیچ کوتاهی نکرده باشد، خواهر موسی را به دنبال او فرستاد تا از دور شرایط او را زیرنظر داشته ودر موقع لازم به کمک او بشتابد.

وَقالَتْ لِأُخْتِهِ قُصِّيهِ فَبَصُرَتْ بِهِ عَنْ جُنُبٍ وَ هُمْ لا يَشْعُرُونَ. (قصص: ۱۱)

و به خواهر او گفت: از پی او برو. و آن دختر بدون آنکه متوجه شوند، موسی را زیر نظر داشت.

گفتار دوم: تربیت معنوی کودک

اشاره

همچنان که در مباحث پیشین بیان شد، حقیقت انسان را روح او تشکیل داده و جسم از اصالت برخوردار نیست. بنابراین، نگرش قرآن کریم به تربیت روحی و معنوی انسان، نگرشی اصلی و نفسی و توجه آن به تربیت

۱- تفسیر ابوالفتوح رازی، ج ۷، ص ۱۸.

و پرورش جسمانی، مقدمه برای رشد وشکوفایی روحانی انسان است. پس به طور طبیعی، توجه قرآن کریم در تربیت زنان برای پرورش فرزند با روش الگویی نیز بیشتر به این بخش از تربیت معطوف است. قرآن، تلاش والدین برای پرورش معنوی کودک را شکر نعمت الهی دانسته و از آنان خواسته است تا در حفظ و تربیت فرزند خود به دست آویزو پناهگاهی جز خدا متمسک نشوند و او را تنها بر پایه دستورهای الهی پرورش دهند. به همین دلیل، عمل پدر و مادری که پیش از تولد فرزند، برای صحت و سلامت او دعا می کنند و متعهد به سپاس گزاری از خدا در برابر لطف او می شوند، ولی پس از استجابت دعایشان به تعهد خود پشت پا زده و در حفظ و تربیت فرزند به هر دست آویزی متوسل می شوند، مورد نکوهش قرآن واقع شده است.(۱)

مادران نمونه قرآنی که تلاشی خاص برای رشد معنوی فرزندان خود داشته اند، با توسل به راهکارهای مختلف برای دست یابی به این مقصود تلاش نموده اند، که در این بخش از تحقیق به بررسی این راهکارها می پردازیم.

نذر برای گماشتن فرزند در خدمت خدا

همسر عمران که سال ها در آرزوی داشتن فرزند به سر برد، پس از آنکه باردار شد، چون تنها به سعادت و رستگاری فرزندش می اندیشید، نذر کرد که او را در راه خدا آزاد نماید:

إِذْا قالَتِ امْرَأَتُ عِمْرانَ رَبِّ إِنّی نَذَرْتُ لَکَ ما فی بَطْنی مُحَرَّرًا. (آل

۱- اعراف: ۱۸۹ و ۱۹۰.

عمران: ۳۵)

چون زن عمران گفت: پروردگارا! آنچه در شکم دارم، نذر کردم تا آزاد شده باشد.

روشن است که دختر عمران، برده نبوده تا مادرش او را آزاد کند؛ پس تحریر در این آیه به معنی آزاد ساختن از قید ولایتی است که والدین بر فرزند خود دارند و با داشتن آن ولایت، او را تربیت کرده و اطاعتشان بر فرزند، واجب است. پس با تحریر، فرزند از تسلطی که پدرو مادر بر او دارند خارج می شود، دیگر پدرو مادر او را به خدمت نمی گیرند و اگر این تحریر به وسیله نذر و به خاطر خدا انجام شود، به این معناست که این فرزند در ولایت خدا داخل شود و تنها او را بپرستد و خدمت کند. و خدمت خدا کردن این گونه است که در مسجد و کلیسا و اماکن مقدسی که مختص عبادت خداست، خدمت کند، در حالی که اگر این نذر نبود، فرزند باید به پدر و مادر خود خدمت می کرد.(۱)

خدای متعال نیز این نذر مخلصانه و بی شائبه(۲) را پذیرفت و خود، پرورش جسمی و روحی مریم را عهده دار شد، او را نیکو بار آورد(۳) و پیامبر خود، زکریا را سرپرست او قرار داد و زکریا آن چنان از رشد معنوی عمیق او در شگفت شد که با دیدن حالات معنوی اعجاب انگیز مریم و

۱- تفسیرالمیزان، ج ۳، ص ۲۶۷.
۲- اخلاص مادر مریم از کلمه «لک» در جمله «رب انی نذرت لک ما فی بطنی محررا» استفاده می شود.
۳- «فتقبلها ربها بقبول حسن و انبتها نباتا حسنا» پس پروردگارش، وی مریم را با حسن قبول پذیرا شد و او را نیکو بار آورد. (آل عمران: ۳۷ و ۳۸).

مشاهده نزول مائده آسمانی برای او، از خدا درخواست ذریه طیبه نمود.(۱)

انتخاب نام نیک

پس از وضع حمل، همسر عمران ابتدا نام فرزند خود را انتخاب کرده و او را «مریم» نامید و آن گاه او و ذریه اش را از شیطان به خدا پناه داد.

فَلَمّا وَضَعَتْها قالَتْ... وَ إِنّی سَمَّیْتُها مَرْیَمَ وَ إِنّی أُعیذُها بِکَ وَ ذُرِّیَّتَها مِنَ الشَّیْطانِ الرَّجیمِ. (آل عمران: ۳۶)

کلمه «مریم» در آن شهر، به معنی زن عابد و نیز زن خدمتکار است. از همین جا معلوم می شود که چرا این مادر، دختر خود را بی درنگ بعد از وضع حمل، «مریم» نامید و چرا خدای تعالی این عمل او را حکایت کرده؛ خواست تا بعد از نومیدی ازداشتن پسری که محرر برای عبادت و خدمت باشد، همین دختر را برای این کار محرر کند.(۲) انتخاب نام خوب برای فرزند که اولین اقدام تربیتی مادر مریم پس از زایمان تلقی شده،(۳) هم به رشد و تعالی شخصیت کودک کمک کرده و باعث می شود که از مطرح شدن نامش در بین نزدیکان، احساس حقارت نکند و هم نشانگر طرز تفکر، نگرش ها و گرایش های والدین وخط سیری است که برای حرکت فرزند خود در طول زندگی ترسیم نموده اند.

اما سؤالی که در اینجا مطرح می گردد، آن است که آیا نام گذاری

۱- و کفلها زکریا کلما دخل علیها زکریا المحراب وجد عندها رزقا قال یا مریم انی لک هذا قالت هو من عنداللّه ... هنالک دعا زکریا ربه قال رب هب لی من لدنک ذریه طیبه...» همان.

۲- تفسیرالمیزان، ج ۳، ص ۲۷۰.

۳- حتی در بعضی از روایات، نام گذاری فرزند را پیش از ولادت او مستحب دانسته، والدین را به نام گذاری کودکان سقط شده نیز ترغیب نموده اند. محمد حر عاملی، وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. قم: موسسه آل البیت لاحیاء التراث، ۱۴۰۹ ق، ج ۲۱، ص ۳۸۷.

کودک، باعث ایجاد حقیقتی در او می شود و می توانـد او را به جهت خاصـی سوق دهـد، یا این که نام گذاری از آن رو که امری اعتباری است، تأثیری در تکون شخصیت طفل ندارد، بلکه تنها تأثیری که ممکن است بر جای گذارد، آن است که او را به حرکت در مسیر اسم، تلقین نماید؟

پاسخ جامع به این مسـئله که مسـتلزم تحقیقات وسیع روان شناسانه است، از هدف این تحقیق خارج و لازم است در جای خود به بحث گـذارده شود. اما آنچه از اهتمام قرآن کریم و روایات ائمه معصومین(۱) به امر نام گذاری کودک، به دست می آید این است که این امر، تنها مسئله ای صوری و ظاهری نبوده و تأثیرات خاصی را در افراد به جای می گذارد. داستان نام گذاری مریم به این نام، که به معنی عابـده است و تطابق سـرنوشت او با اسـمش، شاهـد قرآنی خوبی براین مـدعاست. همچنین رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در روایتی در موردگزینش نام خوب فرموده اند:

إسْتَحْسِنوا أسماءَکم فإنّکم تُدْعَوْن بها یومَ الْقِیامَه: قُمْ یا فلان بن فلان الی نورک، وقم یا فلان بن فلان لا نورلک.

نـام هـای خوب را انتخـاب کنیـد، زیرا شـما را در قیـامت بـا همـان نام ها مخاطب می سازنـد. گفته می شود: ای فلانی، فرزند فلانی، برخیز و به سوی نوری که از آن راهنمایی یافتی، ملحق شو. و ای فلانی، فرزند

۱- اختصاص ۱۰ باب روایی در کتاب وسائل الشیعه، به مسـئله نام گذاری، این مطلب را اثبات می کند. وسایل الشیعه، ابواب احکام الاولاد، ابواب ۲۱ تا ۳۰.

فلانی، برخیز ولی نوری که راهنمایت باشد، نداری.(۱)

ایجاد ارتباط بین نام خوب و برخورداری ازنور هدایت در قیامت و بین نام نامطلوب و بهره مند نبودن از این نور، مؤید ربط بین امر ظاهری «نام گذاری» و امرِ حقیقی «هدایت و ضلالت» است. و شاید از همین روست که قرآن کریم از زنان زیادی سخن گفته و به شرح سرگذشت آنان پرداخته، ولی جز نام «مریم» به نام هیچ زن دیگری اشاره نکرده وحتی از ذکر نام همسر فرعون که او نیز چون مریم علیهاالسلام الگویی برای مردان و زنان عالم شمرده شده،(۲) خودداری کرده است. و درعوض نام مبارک «مریم» که حاوی بار مثبت ارزشی است، در دوازده سوره قرآن کریم و طی سی و چهار نوبت بیان شده است.

دعای مادر برای سعادت فرزند

دعای مادر برای سعادت فرزند

از آن جا که شیطان برای انسان دشمنی قسم خورده است و با از دست دادن ثمره عبادت چندین هزار ساله خود، چیزی برای از دست دادن ندارد پیوسته، به دنبال وسوسه و به انحراف کشاندن انسان است. از آن جا که انسان در شرایط طبیعی، قدرت رویارویی با فریب های شیطان را ندارد، لازم است با یاری از قدرتی که مافوق قدرت اوست، به دفع حملات او بپردازد:

وَ إِمّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّميعُ الْعَليمُ. (فصلت: ۳۶)

۱- وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۳۸۹.

۲- «و ضرب اللّه مثلاً للذين آمنوا امرأت فرعون... و مريم ابنت عمران...»، تحريم: ۱۱ و ۱۲.

و اگر از جانب شیطان دستخوش وسوسه ای گردی، به خدا پناه ببر که او شنوا و داناست.

به طور یقین اگر از شیطان، به خدای متعال پناه ببریم، از سوی او تهدیدی متوجه ما نخواهد بود. به همین دلیل، همسر عمران همین که فرزندش را به دنیا آورد و نام «مریم» بر او نهاد، او را برای همیشه از شیطان به خدا پناه داد و نشان داد که انسان پیش از هر چیز باید به فکر سلامتی فرزند از شر شیطان باشد.(۱)

خدای سبحان نیز این خواسته مادر مریم را اجابت کرده، خود تربیت او را برعهده گرفت و پیامبرش زکریا را نیز سرپرست امور وی قرار داد و ثابت کرد که اگر کسی به تربیت معنوی فرزند خود اهتمام ورزد و این بخش مهم از تربیت را به خدا واگذار نماید،خدا نیز این وکالت را پذیرفته و به نحو شایسته ای به انجام می رساند.(۲)

إِذْا قالَتِ امْرَأَتُ عِمْرانَ... و إِنّی أُعیذُها بِکَ وَ ذُرّیَّتَها مِنَ الشَّیْطانِ الرَّجیمِ فَتَقَبَّلَها رَبُّها بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَ أَنْبَتَها نَباتًا و کَفَّلَها زَکَرِیّا. (آل عمران: ۳۵ _ ۳۷)

هنگامی که زن عمران گفت:... او و فرزندانش را از شیطان رجیم در پناه تو می آورم. پس پروردگارش آن دختر را به نیکی از او پذیرفت وبه وجهی پسندیده پرورش داد و زکریا را به سرپرستی او گماشت.

اهتمام مادر به تربیت الهی نسل های آینده

اهتمام مادر به تربیت الهی نسل های آینده

مادری که خود از تربیتی قدسی برخوردار است، با دوراندیشی و بینش عمیق، در هنگام ولادت نه تنها به پرورش معنوی فرزند خود می اندیشد،

۱- تفسیر نور، ج ۲، ص ۵۶.

۲- «... و قالوا حسبنا اللّه و نعم الوکیل»، آل عمران: ۱۷۳.

بلکه ذریه او را نیز از نظر دور نداشته و آنها را نیز به پناهگاه ایمن الهی می سپارد. همسر عمران در زمان ولادت مریم، به خدا عرضه داشت:

... و إنّی أُعیذُها بِکَ وَ ذُرّیَّتَها مِنَ الشَّیْطانِ الرَّجیمِ. (آل عمران: ۳۶)

... و من، او و فرزندانش را از شیطانِ رانده شده به تو پناه می دهم.

طبعا فردی که افزون بر سعادت فرزند، به رستگاری فرزندان او نیز می اندیشد، تنها به دعا بسنده نکرده، هم فرزند خود را در ابعاد معنوی پرورش داده و هم همسری شایسته برای او بر می گزیند تا این زوج شایسته، فرزندان سعادتمندی را تربیت نمایند. حضرت علی علیه السلام در شرح ماجرای ازدواج خود با حضرت فاطمه علیهاالسلام می فرماید:... سپس پیامبر صلی الله علیه و آله به سوی من آمده، دستم را گرفت و فرمود: به نام خدا برخیز و بگو: علی برکه اللّه و ماشاءاللّه لا قوه الا باللّه ، سپس مرا نزدیک فاطمه علیهاالسلام نشانید و دعا کرد:

اَللّهُم إنَّهما اَحبُّ خَلْقِکَ إلی فَاَحِبَّهما و بارِکْ فی ذُرِّیّتهما وَاجْعَلْ عَلَیْهِما منک حافظا و إنّی اُعیذُهما بک و ذُرِّیَّتهما مِن الشَّیْطانِ الرَّجیم.

خدایا! اینها محبوب ترین خلق تو در نزد منند. پس دوستشان بدار و در نسلشان برکت قرار ده و از جانب خودت نگاهبانی برایشان مقرر فرما و من، آن ها و ذریه شان را از شیطان رانده شده به تو پناه می دهم.(۱)

پس همچنان که مشاهده شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله، هم بهترین و شایسته ترین فرد را برای همسری دخترش برگزید و هم دعا کرد که خدا آنان و فرزندانشان را مورد حمایت و عنایت خود قرار دهد.

ص: ۱۲۷

۱- تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۳۳.

دقت در گزینش مربی شایسته برای فرزند

دقت در گزینش مربی شایسته برای فرزند

وظیفه تربیت فرزند در سال های نخستین زندگی، بر عهده مادر است. ولی پس از طی مراحل نخستین رشد، نیاز به مربی، به ویژه در زمینه پرورش عمیق الهی و معنوی احساس می شود. از آنجا که ویژگی های مربی نیز چون مادردر شکل دهی شخصیت کودک مؤثر است، لازم است والدین به ویژه مادر در تعیین مربی فرزند خود، دقت و حساسیت لازم را به خرج دهند. مادر مریم او را تحت حمایت الهی قرار داد، خداوند نیز به نیکویی مریم را پرورش داد و آن گاه زکریا را به عنوان مربی و سرپرست او معرفی نمود.:

فَتَقَبَّلَها رَبُّها بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَ أَنْبَتَها نَباتًا حَسَنًا وَ كَفَّلَها زَكَرِيّا. (آل عمران: ۳۷)

پس پروردگارش وی را با حسن قبول پذیرا شد و او را نیکو بارآورد و زکریا را سرپرست وی قرار داد.

خلاصه فصل

تربیت اخلاقی، یکی از مهم ترین ابعاد تربیتی الگویی بانوان در قرآن است. قرآن کریم با گشودن راه خیر و شر، امکان انتخاب را به انسان عطا کرده و با این روش او را به پیروی از راه هدایت فرا می خواند. قرآن، پیمودن مسیر شر را گناه و ظلم به نفس و آن را موجب رسوایی و دوری از خدا می داند. در تربیت اخلاقی بانوان به شیوه الگویی، بیشترین تأکید بر عفاف در برقرار ساختن روابط جنسی، عفاف در معاشرت با نامحرم، و پرهیز از انتساب امور نادرست به مردم متمرکز شده است.

تربیت و پرورش فرزند نیز از مسایل مورد بحث درتربیت الگویی زنان

ص: ۱۲۸

است. قرآن کریم بـا ارایه الگوهـای مختلف، نقش مـادران را در فراهم آوردن مقـدمات برای تولـد فرزنـد سـالم برشـمرده، به وظـایف آنـان پس از زایمـان نیز اشاره کرده و همچنین عواملی را که به تربیت معنوی کودک منجر می شود، مورد بحث قرار داده است.

ص: ۱۲۹

بخش چهارم: تربیت الگویی بانوان در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی

اشاره

ص: ۱۳۰

تربیت اجتماعی بانوان با استفاده از روش الگویی که موضوع این بخش است، مبحثی عام بوده و سه قسمت اساسی را در بر خواهد گرفت.

قسمت اول که شامل عنوان تربیت اجتماعی به معنی خاص آن است و تنها به بحث درباره روابط اجتماعی می پردازد، دارای دو زیر مجموعه است که مباحث تربیت خانوادگی و تربیت در زمینه مشارکت اجتماعی در خارج از محدوده خانواده را شامل می شود. قسمت دوم بخش حاضر با نام تربیت اقتصادی به بررسی ویژگی های فعالیت اقتصادی بانوان می پردازد. و در قسمت سوم که تربیت سیاسی بانوان نام دارد؛ سه مبحث عمده جواز مشارکت سیاسی بانوان، مشارکت سیاسی بانوان در نقش امت و مشارکت بانوان در اداره جامعه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

ص: ۱۳۱

فصل اول: الگو در تربیت اجتماعی

اشاره

همان طور که اشاره شد، مبحث تربیت اجتماعی که در این قسمت درباره آن بحث می شود، یکی از اقسام تربیت اجتماعی به معنی عـام کلمه است که عنوان این بخش از تحقیق قرار گرفت. از این رو در اینجـا در بحث از تربیت اجتمـاعی زنـان، به طور مشـخص به بحث هایی پرداخته خواهـد شد که صـرفا حاکی از الگوهای تربیتی بانوان در زمینه روابط اجتماعی بوده و مباحث سیاسی و اقتصادی را دربر نخواهد گرفت.

تربیت اجتمـاعی به مفهوم خـاص کلمه شامـل دو گونه از پیونـدها و علاـیق اجتماعی است. خانواده، به عنوان کوچک ترین و مهم ترین سازمـان اجتمـاعی، بیش ترین سـهم از تربیت الگـویی بـانوان را به خـود اختصـاص داده است. همچنین، قرآن کریم الگوهای تربیتی مشخصـی را برای ترسـیم روابط اجتماعی افراد در خارج از چارچوب خانواده ارایه کرده که در این قسمت از بخش چهارم، هر دو قسم به ترتیب، مورد بحث و بررسی قرار خواهند گرفت.

ص: ۱۳۲

گفتار اول: تربیت خانوادگی

اشاره

از مهم ترین ثمرات تشکیل خانواده و ازدواج، ایجاد سکون و آرامش در بین همسران است. همچنان که خداوند متعال، آفرینش حوا علیهاالسلام را مایه آرامش و راحتی آدم علیه السلام قرار داد:

هُوَ الَّذی خَلَقَکُمْ مِنْ نَفْسٍ واحِدَهٍ وَ جَعَلَ مِنْها زَوْجَها لِیَسْکُنَ إِلَیْها. (اعراف: ۱۸۹)

اوست خدایی که شما را از یک نفس آفرید و از همان جنس، همسری که مایه آرامش او باشد قرار داد.

بنابر روایتی که در بحث مربوط به تربیت اخلاقی مطرح شد، جاذبه های جنسی پس از این مرحله به آدم و همسرش عطا شد.(۱) با توجه به این هدف مهم الهی در ایجاد علقه زوجیت بین همسران، لازم است تا آنان همت اصلی خود را صرف ایجاد کانون عاطفه و محبت نموده و بروز هرگونه اختلالی را در آن منافی مقصود اصلی ازدواج بدانند و از آن جلوگیری کنند.

برای ایجاد چنین کانونی لازم است نخست، در انتخاب همسر شایسته که او نیز به این مهم بیندیشد، نهایت دقت به عمل آید. و دوم این که، پس از ازدواج، هر یک از همسران ضمن استیفای حقوق خانوادگی خود، به وظایفی که در برابر همسر دارد عمل نماید. در تربیت الگویی قرآن کریم نیز هر دو مسئله مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین، در مبحث تربیت

۱- ابی جعفر محمد صدوق، من لایحضره الفقیه، قم: منشورات جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه، ۱۴۰۴ ق، ج ۳، ص ۳۷۹.

خانوادگی، ابتدا به بررسی ویژگی های همسر شایسته و سپس به بیان نقش زن در امور خانه داری می پردازیم.(۱)

ویژگی های همسر شایسته

در این قسمت از بحث، ضمن بررسی خصوصیات همسر شایسته، به پاسخگویی به این سؤال نیز خواهیم پرداخت که «ملاک در کفو بودن و هم شأنی همسران، ایمان است یا شئون اجتماعی و اقتصادی؟»

ایمان

دختر شعیب علیه السلام هنگامی که به پدر پیشنهاد کرد تا موسی علیه السلام را به استخدام خود درآورد، قوت و امانت را از ویژگی های کارگزار خوب برشمرد:

یا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ. (قصص: ۲۶)

پدرم! او را به استخدام خود درآور که بهترین کارگزار کسی است که قوی و امین باشد.

پیشنهاد دختر شعیب به پدر، گرچه به منظور استخدام موسی علیه السلام برای مشارکت در فعالیت های اقتصادی شعیب بود، ولی با توجه به این که پس از این پیشنهاد، شعیب بی درنگ، خواسته خود مبنی بر ازدواج موسی با یکی از دخترانش را مطرح نمود، معلوم می شود که شعیب از سخن دخترش، معیارهای همسر ایده آل او را که قوت و امانت است دریافته و موضوع ازدواج را مطرح ساخته است:

۱- مردان نیز تعهدات زیادی در مورد همسر خود دارند، ولی از آن رو که هدف این تحقیق، تربیت الگویی زنان است، بررسی آنها جایگاه خاص خود را می طلبد.

قالَ إِنّی أَریدُ أَنْ أَنْکِحَکَ إِحْدَی ابْنَتَیَّ هاتَیْنِ عَلی أَنْ تَأْجُرَنی ثَمانِیَ حِجَجٍ... (قصص: ٢٧)

گفت: من می خواهم یکی از این دو دخترم را به همسری تو درآورم. در قبال این که هشت سال برای من کار کنی ...

در اینجا ممکن است گفته شود که دختر شعیب، امین بودن موسی را ستود و به دلیل دارا بودن همین ویژگی، او را شایسته استخدام و همسری خود دانست، در حالی که امین و درستکار بودن فرد، تلازمی با ایمان وی ندارد. زیرا که ممکن است فردی، قابل اعتماد و امین باشد، ولی بهره ای از ایمان به خدا وقیامت نداشته باشد.

جواب این شبهه و تفسیرِ امانت را از زبان خود دختر شعیب جویا می شویم؛ «آن گاه که به پدر گفت: او را به استخدام خود درآور که بهترین کارگزار، فرد قدرتمند و امین است. شعیب به او فرمود: قوتش را از آنکه دلوِ به آن سنگینی را به تنهایی از چاه بیرون کشید، شناختی؛ اما چگونه پی به امانتش بردی؟ جواب داد: وقتی که در مسیر منزل به دنبالم در حرکت بود، به من گفت: تو پشت سرم حرکت کن و مرا راهنمایی نما، زیرا ما از خاندانی هستیم که به زنان نظر نمی افکنیم، از اینجا دریافتم که او از کسانی نیست که به دنبال زنان حرکت و به آنان نظر می کنند. و این همان امانت است».(١) این که دختر شعیب، نام این عمل برخاسته از ایمان موسی را امانت گذاشت، نشانگر آن است که امانت به طور کامل با ایمان به خدا و قیامت آمیخته است؛ زیرا موسی می توانست به حرکت خود به دنبال آن زن

١- تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ١٢٣.

ادامه داده و حتی به او نظر افکند و این عمل نیز برخلاف درستکار بودن به مفهوم عام کلمه نبود؛ ولی تنها چیزی که او را از این عمل باز داشت، ایمان او به حضور خدا و ناپسند بودن این رفتار در نزد او بود. و این همان چیزی بود که دختر شعیب به فراست دریافت و به پدر گزارش کرد.

نمونه دیگری که اهمیت ایمان همسر را روشن می کند،دعای همسر فرعون است. او در این دعا قرب و هم جواری با خدا را خواسته و قرب به او را بر قرب ونزدیکی به فرعون برتری داده است. هرچند که هم جواری با فرعون، همه لذات را در پی داشت و در دربار او آنچه را که در دل آرزو می کرد، یافت می شد. پس، معلوم می شود که همسر فرعون، از تمامی لذات زندگی چشم پوشی کرده بود، آن هم نه به خاطر این که به آنها دسترسی نداشت، بلکه با آنکه همه آن لذات برای او فراهم بود، از آنها چشم پوشید و از خدا خواست تا او را از داشتن همسری بی ایمان و در عین حال ثروتمند نجات بخشد:

وَ ضَرَبَ اللّهُ مَثَلًا لِلَّذینَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قالَتْ رَبِّ ابْنِ لی عِنْدَکَ بَیْتًا فِی الْجَنَّهِ وَ نَجِّنی مِنْ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ. (تحریم: ١١)

و نیز خداوند درباره مؤمنان مثلی می زند و آن همسر فرعون است که گفت: پروردگارا! برای من در نزد خودت، خانه ای در بهشت بنا کن و مرا از شر فرعون و عمل او رهایی ده ...

از آنچه که تاکنون مورد بررسی قرار گرفت، این نتیجه به دست می آید که ایمان، یکی از مهم ترین ویژگی های همسر شایسته است و ملاک و معیار کفویت همسران، ایمان آنان است و داستان همسر فرعون نیز به

روشنی بر این ادعا که ملاک هم شأنی همسران، امور مالی واقتصادی است و ثروت همسر می تواند ملاک گزینش واقع شود، قلم بطلان می کشد.

تنها، پاسخ به این پرسش باقی می ماند که آیا یکسانی شئون اجتماعی پسر و دختر، ملاک کفویت آنان است یا در اینجا نیز معیار تطابق، ایمان آنهاست؟

«ابن عباس» نقل کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله از دختر عمه اش «زینب بنت حجش» برای پسرخوانده و بنده آزاد کرده اش «زید بن حارثه» خواستگاری کرد. ولی زینب که زیبا و اشراف زاده بود، سرباز زد و گفت: من از نظر حسب و نسب از او برترم. در اینجا بود که این آیه نازل شد:(۱)

وَ ما كانَ لِمُؤْمِنٍ وَ لا مُؤْمِنَةٍ إِذا قَضَى اللّهُ وَ رَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ... (احزاب: ۳۶)

و هیچ مرد و زن مؤمنی را نرسد که چون خداوند و پیامبرش امری را مقرر دارند، آنان را در کارشان اختیار (و چون و چرایی) باشد.

و پس از نزول این آیه، زینب راضی شد و ازدواج او با زید سر گرفت. از این آیه به خوبی برمی آید که تطابق و کفویت همسران، مربوط به حسب و نسب وشئون اجتماعی نبوده و تنها ملاک کفویت از نظر قرآن، ایمان است، همچنان که در اسلام بردگان آزاد شده ای چون زیدبن حارثه، مقدادبن اسود، سالم و بلال با دخترانی اشراف زاده همچون زینب بنت جحش، ضباغه بنت زبیر، فاطمه بنت ولدبن عتبه و خواهر عبدالرحمان بن

۱- تفسیر فی ظلال، ج ۵، ص ۲۸۶۵.

عوف ازدواج کردند.(۱)

بنابراین، نتیجه مباحث مطرح شده درباره ویژگی ایمان همسر آن است که معیار تطابق شأن دو همسر، تنها ایمان آنهاست و با توجه الگوهای قرآنی شئون اقتصادی و اجتماعی، ملاکی برای کفویت همسران به شمار نمی آید.(۲)

پرهیز از دنیاطلبی و تجمل گرایی

قرآن کریم با اشاره به داستان زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و گرایش های مادی آنان، آن ها را مخیر ساخت که دنیا و تجمل آن را بر همسری پیامبر ترجیح دهند و از آن حضرت جدا شوند و یا خدا و رسول و زندگی جاوید را بر بهره اندک دنیا برتری دهند و با پرهیز از رفاه زدگی و دنیاطلبی به زندگی ساده خود با رسول خدا صلی الله علیه و آله ادامه دهند:

یا أَیُّهَا النَّبِیُّ قُلْ لِأَزْواجِکَ إِنْ کُنْتُنَّ تُرِدْنَ الْحَیاهَ الدُّنْیا وَ زِینَتَها فَتَعالَیْنَ أُمَتِّعْکُنَّ وَ أُسَرِّحْکُنَّ سَراحًا جَمیلاً وَ إِنْ کُنْتُنَّ تُرِدْنَ اللّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الدّارَ ٱلآخِرَهَ فَإِنَّ اللّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِناتِ مِنْکُنَّ أَجْرًا عَظیمًا. (احزاب: ۲۸ و ۲۹)

در تفسیر قمی در ذیل این آیه آمده که سبب نزول آن، این بود که چون رسول خدا صلی الله علیه و آله از جنگ خیبر برگشت و در آن جنگ، گنجینه های «آل ابی الحقیق» نصیب مسلمانان شد، همسرانش به آن

ص: ۱۳۸

۱- الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۴، ص ۱۸۷.

۲- در داستان ازدواج جویبر با دلفاء، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ضمن ترغیب پدر دلفاء به پذیرش جویبر به عنوان داماد خویش، به صورت کلی مرد مؤمن را هم شأن زن مؤمن معرفی می کنند و با صراحت عوامل اجتماعی و اقتصادی را ملاک کفویت همسران نمی دانند. وسایل الشیعه، ج ۲۰، ص ۶۷ .

حضـرت عرضه داشـتند که این گنجینه ها را به ما بده. رسول خدا فرمود: بر اساس دسـتور خدای تعالی، در بین همه مسـلمانان تقسیم کردم. همسران از وی در خشم شدند و گفتند: تو چنان گمان کرده ای که اگر ما را طلاق دهی، دیگر در همه فامیل ما یک همسر هم کفو پیدا نمی شود که ما را بگیرد؟ خدای تعالی از این سخن ایشان برای رسول گرامی اش غیرت کرد و به آن جناب دسـتور داد از ایشان کناره گیری کنـد. رسول خـدا صـلی الله علیه و آله بیست و نه روز از ایشان کناره گیری نمود و در مشـربه «ام ابراهیم» منزل گزید تا آن که یک نوبت حیض دیدند و پاک شدند، آن گاه این آیات را فرسـتاد و در آن همسـران رسول خـدا صـلی الله علیه و آله را بین بـاقی مانـدن بر همسـری آن جناب و طلاق گرفتن مخیر کرد. و اولین کسـی که در بین همسـران برخاست، «ام سـلمه» بود که عرضه داشت: من خـدا و رسول خـدا را اختیار می کنم. به دنبال او، سایر همسـران یکی یکی برخاستند و با رسول خدا صلی الله علیه و آله از در آشتی درآمده و همان کلام «ام سلمه» را گفتند.(۱)

این داسـتان و آیات نازل شده درباره آن به خوبی روشن می کند که همسر شایسـته کسـی است که خشنودی خدا و رسول و برخورداری از کرامت هـای جاویـد الهی در جهان آخرت را بر بهره برداری های گـذرای دنیوی ترجیـح داده و بدانـد که دل بستن به دنیا با محبت خدا و رسول، سازگار نخواهد بود.

گرچه قرآن کریم در بیان ویژگی های همسر شایسته به شیوه الگویی

۱- تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۹۲.

تنها به ذکر معیارهای اساسی، همچون ایمان و ساده زیستی بسنده نمود، ولی روایات بسیاری، خصوصیات جزیی همسر آرمانی را بر شمرده اند که برای به دست آوردن نظر اسلام در مورد ویژگی های همسر شایسته، لازم است به آنها مراجعه شود.(۱)

در پایان بحث ویژگی ها، لازم است به این نکته نیز اشاره شود که بر خلاف تصور رایج در عرف مسلمانان که گفت و گوی دختر با والدین در مورد خصوصیات همسر آرمانی و تعیین مصداق آن را عیب می دانند، در فرهنگ قرآن نه تنها دختر در انتخاب همسر، مختار است تا فرد مناسب را گزینش کند، بلکه می تواند در ابتدا، ویژگی های همسر مورد نظر خود را برای پدر و مادر بیان کرده و حتی مصداق آن را نیز معین نماید.

قرآن کریم در آن جا که حکایت پیشنهاد ختر شعیب به پدر، در مورد استخدام موسی علیه السلامرا نقل می کند، با طرح کردن پیشنهاد شعیب به موسی در مورد ازدواج با یکی از دخترانش، این مطلب را می رساند که شعیب از پیشنهاد دختر، به طور ضمنی، علاقه او را به موسی دریافت و به جای آن که ابتدا بحث استخدام را مطرح کند، طرح ازدواج او با یکی از دخترانش را با وی در میان گذاشت و در مقابل از او خواست تا به استخدامش درآید.(۲)

۱- وسایل الشیعه، ابواب مقدمات النکاح، ابواب ۵ _ ۹ و ۱۳ _ ۲۲ و ۲۸ _ ۳۴.
۲- اینکه شعیب از موسی علیه السلام خواست تا در قبال ازدواج دخترش با او، مدت هشت یا ده سال برای شعیب کار کند، رسمی است که در آن زمان بوده و ریشه این رسم دو چیز است: اول، نبودن ثروت. خدمتی که داماد به زن یا پدر زن می توانست بکند در بیشتر موارد منحصر به این بوده که برای آن ها کار کند. و دیگر مسئله جهاز دادن. جامعه شناسان معتقدند که رسم جهاز دادن به دختر ازطرف پدر، یکی ازرسوم و سنن کهن است. پدر برای این که بتواند جهاز برای دختر خود فراهم کند، داماد را اجیر خود می کرد و یا از او پولی دریافت می کرد. در عمل، آن چه پدر از داماد می گرفت به نفع دختر و برای دختر بوده است. به هر حال در اسلام این آیین منسوخ شد و پدر زن حق ندارد مهر را مال خود بداند، هر چند هدف و منظورش این باشد که آن را صرف و خرج دخترکند. این خود دختر است که اختیار آن مال را دارد که به هر نحو بخواهد مصرف کند. در روایات اسلامی تصریح شده که این گونه مهر قرار دادن در دوره اسلامی روا نیست. مرتضی مطهری، نظام حقوق زن دراسلام، تهران: صدرا، ۱۳۷۴، ص ۲۴۰.

نکته قابل توجه آن است که اگر قرآن، طرح پیشنهاد دختر شعیب را هم مطرح نمی کرد. خللی در داستان به وجود نمی آمد. اما مطرح ساختن نظر مشورتی دختر به پدر، افزون براین که درایت و عمق بینش این دختر را درشناخت معیارهای همسر نمونه، می رساند، نشان دهنده این مطلب است که پدر، هنگامی که خواستِ قلبی دخترش را در مورد ازدواج با فرد مناسب دریافت، نه تنها آن را عیب ندانست، بلکه با توجه به آن، پیشنهاد ازدواج دخترش با موسی علیه السلام را به او داد و با این اقدام، برای رأی و نظر دخترش بیشترین احترام را قایل شد.

نقش زن در خانواده

اشاره

در این قسمت، به بیان نقش زنان در زندگی خانوادگی می پردازیم.

حفظ آرامش در خانواده

ایجاد سکون و آرامش همسران در کنار یکدیگر، یکی از اهداف مهم ازدواج برشمرده شده است. وجود صفا، یک رنگی و صمیمیت درخانواده، علامت توفیق ازدواج در رسیدن به اصلی ترین هدف بوده و نشانه آن است که زن و مرد هر دو به وظایف خود در برابر همسر، عمل می کنند، در این میان با توجه به وجود عواطف بسیار قوی در زنان، نقش آنان در

تأمین بهداشت روانی خانواده چشم گیرتر است. زن می تواند روحیه خسته و ناامید همسرش را در برابر مشکلات تغییر دهد و یا دست کم، سنگ صبور ناراحتی ها و آلام او باشد.(1) هم چنان که می تواند در تضعیف روحیه همسرش نقش مؤثری داشته باشد و حداقل او را از خود رنجانده و آزرده خاطر ساخته و موجبات تزلزل نظام خانواده را فراهم کند.

هنگامی که پارسایی و خلوص ایوب پیامبر علیه السلام بر شیطان، گران آمد؛ از خداوند درخواست کرد که به او اجازه دهد ایوب را بیازماید. خداوند اجازه داد و از سه سو باران بلا بر سر ایوب بارید. نخست مال، سپس خانواده و در آخر، تنش در معرض بلاـ افتاد. ابلیس هم چنان در ادامه آزار دادن ایوب، این بار به کمک عفریت های تحت فرمانش کوشید تعداد بسیار کم وفاداران به ایوب را نیز وسوسه کند تا دست از پشتیبانی او بردارند. همسر ایوب نیز که در همه این صحنه ها همراه و پشتیبان او بود، در برابر این وسوسه شیطان که گفت: «اگر خدا ایوب را دوست می داشت، او را به این مصایب مبتلاـ نمی ساخت»، نتوانست مقاومت کند و به جای دلداری دادن به همسر، القائات ابلیس را به او منتقل کرد. ایوب که از این سخنان ملال آور و پذیرش وسوسه های شیطان، بیش از آن بلاها ناراحت

۱- در روایت است که مردی به حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و گفت: همسری دارم که هنگام ورود به خانه به استقبالم می آید و چون از خانه خارج می شوم مرا مشایعت می کند و هر گاه مرا غمگین ببیند به من می گوید: چه چیز تو را ناراحت کرده است؟ اگر به خاطر روزی اندوهناکی، آن را دیگری متکفل است و اگر نگران آخرت هستی خداوند همّ و غمّ تو را زیادتر گرداند. رسول خدا صلی الله علیه و آلهفرمود: خداوند کارگزارانی دارد و او از کارگزاران خداست. برای او، نصف اجر یک شهید است. وسایل الشیعه، ج ۲۰، ص ۳۲.

شده بود، قسم یاد کرد که اگر خداوند او را شفا داد، همسرش را با ضرباتی تأدیب نماید.(۱) خداوند متعال ایوب را شفا داد و او را به وفا به عهدی که با خدا بسته بود فرا خواند ولی به پاس حمایت های بی دریغ این زن فداکار از همسرش، دستور داد تا ایوب به جای ضربات متعدد تازیانه، دسته ای چوب ترکه، در دست بگیرد و تنها یک بار به همسرش بزند.(۲) در واقع، قرآن کریم با تأیید این عهد، ناخشنودی خود از ترک پشتیبانی مقطعی آن زن را از همسرش تحت تأثیر القائات شیطانی اعلام و با تخفیف بسیار زیادی که برای مجازات او قایل شد، رضایت خود را از پشتیبانی او از همسرش در مراحل مختلف ابراز نمود.

نمونه دیگری از آزردن همسر و برخورد قرآن با این شیوه رفتاری را در ابتدای سوره تحریم مشاهده می کنیم:

یا أَیُّهَا النَّبِیُّ لِمَ تُحَرِّمُ ما أَحَلَّ اللّهُ لَکَ تَبْتَغی مَرْضاتَ أَزْواجِکَ... (تحریم: ۱)

ای پیامبر! چرا در طلب خشنودی (بعضی از) همسرانت چیزی را که خداوند بر تو حلال گردانده است، تحریم می کنی؟

جمله «آیا خشنودی همسرانت را می خواهی»، بر این اشاره دارد آن چه آن جناب برخودحرام کرده، عملی حلال بوده(۳) و بعضی از همسرانش از

۱- تفسیر فی ظلال، ج ۵، ص ۳۰۲۱.

۲- و خذ بیدک ضغثا فاضرب و به لا تحنث (و دسته ای چوب ترکه به دستت بگیرد و با آن بزن و سوگند خود را مشکن)، سوره ص: ۴۴.

۳- در این که آن عمل چه بوده، اقوال مختلفی مطرح است و از آن جمله این که آن حضرت یکی از همسرانش ماریه را بر خود حرام کرد یا خوردن عسل را بر خود ممنوع نمود و یا از پذیرش زنی به نام «ام شریک» که خود را به رسول خدا بخشیده بود، خودداری می کرد.

آن عمل ناراضی بودند و آن قدر آن حضرت را در مضیقه قرار دادند و اذیت کردند تا ناگزیر شد سوگند بخورد که دیگر آن عمل را انجام ندهد.(۱) خداوند ضمن دلسوزی برای پیامبر صلی الله علیه و آله که چرا حلالی را بر خود حرام کرده است و آن در حقیقت در اثر عتاب و سرزنش زنانی بوده که آن بزرگوار را آزرده اند، پیامبر را به شکستن این سوگند فرا می خواند و اعلام می دارد که حسدورزی نکوهیده گروهی از زنان، نباید مانع برخورداری آن حضرت از حلال الهی گردد:

قَدْ فَرَضَ اللّهُ لَکُمْ تَحِلَّهَ أَیْمانِکُمْ. (تحریم: ۲)

به راستی که خداوند شکستن سوگندهایتان را (با دادن کفاره) بر شما روا داشته است.

نکته جالب توجه در داستان قَسَم ایوب علیه السلام و سوگند رسول خدا صلی الله علیه و آله آن است که در مورد ایوب، خداوند به دلیل آن که همسرش تحت تأثیر وسوسه شیطان واقع شد، سوگند او را تأیید نمود، ولی همسرش را مستحق تخفیف مجازات دانست و در داستان رسول اکرم صلی الله علیه و آله که آن حضرت برای خشنودی برخی از همسرانش و رهایی از آزار آنان چیزی را بر خود حرام کرده بود، آن جناب را به شکستن قسم و پیروی نکردن از خواسته نفسانی آنان فرا خوانده است.

از مقایسه این دو حکم مختلف مبنی بر عمل به عهد در داستان ایوب و شکستن آن در داستان پیامبر، مشخص می شود که مهم ترین اصل در

۱- تفسیرالمیزان، ج ۱۹، ص ۵۲۲.

محیط خـانواده، احترام به همسـر و پرهیز از ارتکـاب اعمالی است که آزردگی خاطر و ناراحتی اورا به دنبال دارد. از این رو، ایوب باید به سوگندی که درباره مجازات سخن همسرش خورده وفا نموده و حتی آن را به شکلی بسیار خفیف به مرحله اجرا درآورد، ولی پیامبر، لازم نیست به سوگندی که در پی آزار و اذیت زنانش یاد کرده وفادار بماند و امر مباحی را بر خود حرام گرداند.

هم چنـان که در آغاز این بحث گفته شـد، زن باجلب اعتماد همسـرش می توانـد محرم اسـرار او گردد و در این صورت حتی اگر نتوانـد در حل مشـکلات اورا یاری کنـد می توانـد سـنگ صـبور همسـرش باشد و با شـنیدن درد دل او و پوشـیده داشـتن رازهایش، مرهمی بر غم او نهـد. همان گونه که اگر رازدار اسـرار شوهرش نباشـد، ضـمن تشدیـد دلسـردی و افسـردگی وی، تزلزل نظام خانواده را نیز موجب می شود.

آن جـا که رسول خـدا صـلی الله علیه و آله رازی را با یکی از همسـرانش در میان نهاد و او آن راز را برای یکی دیگر از زنان افشـا کرد، خداونـد تعـالی ضـمن برخورد شدیـد بـا آنـان، خاطر نشان ساخت که اگر به این توطئه ادامه دهنـد و با فاش کردن اسـرار آن بزرگوار در پی ضـربه زدن به شخصیت او برآیند، آن حضرت آنان را طلاق می دهد و همسرانی اختیار خواهد کرد که غمخوار و رازدار رسول خدا صـلی الله علیه و آله باشند. قرآن کریم عمل زشت افشای اسرار رسول خدا را تا آن جا ناپسند دانست که در پایان همین سوره با

اشاره به داستان خیانت(۱) همسران نوح و لوط به این بندگان شایسته الهی، رفتار ناپسند همسران پیامبر را با خیانت آن زنان مقایسه کرد و با تعریض به آنان فهماند که ارتباط با رسول خدا مانع عذاب خدا نخواهد شد.

ضَرَبَ اللّهُ مَثَلاً لِلَّذینَ کَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ کانَتا تَحْتَ عَبْدَیْنِ مِنْ عِبادِنا صالِحَیْنِ فَخانَتاهُما فَلَمْ یُغْنِیا عَنْهُما مِنَ اللّهِ شَیْئًا وَ قیلَ ادْخُلَا النّارَ مَعَ الدّاخِلینَ. (تحریم: ۱۰)

خداوند درباره کافران مثلی می زند و آن همسر نوح است و همسر لوط که در حباله دو بنده از بندگان شایسته ما بودند، سپس به ایشان خیانت کردند و آن دو (پیامبر) در برابر امر (و عذاب) الهی چیزی را از آنان باز نداشتند و گفته شود، همراه سایر وارد شوندگان وارد جهنم شوید.

خانه داری

نقش زن در اداره امور منزل از اهمیت خاصی برخوردار است و اگر چه از نظر حقوقی تکلیفی در این زمینه متوجه زن نیست،(۲) ولی فضای عشق و صفا و محبت خانواده اقتضا می کند که زنان همدوش مردان برای ایجاد رفاه و آسایش خانواده تلاش کنند و با حسن سلیقه که برخاسته از روحیه مهربان و هنرمند آنان است، کانونی آراسته برای پرورش نسل آینده فراهم

۱- امام باقر علیه السلام در مورد خیانت همسر لوط فرموده اند: هنگامی که میهمانان به منزل لوط وارد شدند، به همسرش فرمود: امشب مهمانانی بر من وارد شده اند، پس مراقب باش کسی متوجه نشود. او پذیرفت ولی طبق قرار قبلی، با روشن کردن آتش روی بام خانه لوط، مردم را از حضور میهمانان در آن منزل آگاه ساخت و مردم از هر سو به طرف منزل لوط روانه شدند. تفسیر مجمع البیان، ج ۴، ص ۶۸۷.

۲- روح اللّه موسوی خمینی، رساله توضیح المسایل، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۲، مسئله ۲۴۱۴.

کنند.(۱)

در الگویی که قرآن کریم برای خانه داری بانوان ارایه می دهد، به طور مشخص برنحوه پذیرایی آنان ازمیهمان تأکید می کند و با بیان داستان ورود فرشتگان به منزل ابراهیم علیه السلام، نمونه های روشنی از جلوه های رفتاری یک زن خانه دار به نمایش در می آید. در سوره هود در مورد این داستان چنین آمده است:

وَ لَقَدْ جاءَتْ رُسُلُنا إِبْراهيمَ بِالْبُشْرى قالُوا سَلامًا قالَ سَلامٌ فَما لَبِثَ أَنْ جاءَ بِعِجْلٍ حَنيذٍ فَلَمّا رَأى أَيْدِيَهُمْ لا تَصِلُ إِلَيْهِ نَكِرَهُمْ وَ أَوْجَسَ مِنْهُمْ خيفَةً قالُوا لا تَخَفْ إِنّا أُرْسِلْنا إِلى قَوْمِ لُوطٍ وَ امْرَأَتُهُ قائِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْناها بِإِسْحاقَ وَ مِنْ وَراءِ إِسْحاقَ يَعْقُوبَ. (هود: ۶۹ _ ۷۱)

و فرشتگان ما برای ابراهیم بشارت آورند، گفتند: سلام. گفت: سلام و چیزی نگذشت که ابراهیم برای آنان گوساله ای بریان شده آورد. و چون دید که دستانشان به سوی آن دراز نمی شود، به آنان احساس بیگانگی کرد و از آنان ترسی در دل یافت، گفتند: مترس ما به سوی قوم لوط فرستاده شده ایم. و همسر او ایستاده بود و (از بشارت الهی) خندید، آن گاه او را به (بار گرفتن و زادن) اسحاق و پس از اسحاق، به یعقوب بشارت دادیم.

۱- امام صادق علیه السلام از پدر گرامی اش نقل کرد که علی و فاطمه علیهماالسلام برای تعیین وظایف خود در منزل، رسول خدا صلی الله علیه و آله را حکم قرار داده و از آن حضرت کسب تکلیف نمودند. آن جناب نیز فاطمه علیهاالسلامرا به خدمت در منزل و علی علیه السلام را به انجام وظایف خارج از منزل موظف نمود. فاطمه علیهاالسلامفرمود: تنها خدا می داند که از این که مأمور انجام مسئولیت های خانه داری شده و از تصدی امور بیرون منزل معاف شدم، چقدر خوشحالم. وسایل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۷۲ از این که علی و زهرا علیهم السلام در مورد حدود مسئولیت ها از رسول خدا صلی الله علیه و آله نظرخواستند، مشخص می شود که اصل مشارکت زن در خانواده، امری روشن و پذیرفته شده بوده است.

در سوره ذاریات نیز همین مضمون وارد شده که به خاطر تفاوت تعابیر بخش اول آیات به آن اشاره می شود:

هَلْ اتیک حَدیثُ ضَیْفِ إِبْراهیمَ الْمُکْرَمینَ إِذْ دَخَلُوا عَلَیْهِ فَقالُوا سَلامًا قالَ سَلامٌ قَوْمٌ مُنْکَرُونَ فَراغَ إِلی أَهْلِهِ فَجاءَ بِعِجْلٍ سَمینٍ. (ذاریات: ۲۴ _ ۲۶)

آیا داستان مهمانان گرامی ابراهیم به تو رسیده است؟ که چون بر او وارد شدند، گفتند: سلام، گفت: سلام (و در دل گفت ایشان) گروهی ناشناخته اند. سپس به خانواده اش روی کرد، آن گاه گوساله ای فربه به میان آورد...

از بررسی این داستان، نکات برجسته ای در مورد خانه داری همسر ابراهیم علیه السلامبرداشت می شود.

ازاین که فرمود: «فراغ الی اهله فجاء...» این چنین برداشت می شود که کار پختن آن گوساله بریان توسط همسرش انجام شده(۱) و بریان کردن آن گوساله در مدت زمانی اندک(۲) و بدون کمترین درنگ، نشانه سرعت عمل اوست. هم چنان که تعبیرات «سمین» و «حنیذ» نشان گر مهارت و حسن سلیقه او در آشپزی است. زیرا معلوم می شود نخست این که، آن گوساله، فربه و بزرگ بوده و دوم این که، روی سنگ سرخ شده با آتش، کباب شده که هم از نظر بهداشتی بهتر از گوشتی است که روی حرارت مستقیم آتش

۱- روایتی از امام صادق نیز مهارت و سرعت آشپزی ساره را تأیید می کند. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، بیروت، الوفاء، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۲، ص ۱۱.

۲- سرعت او در آشپزی از جمله «فما لبث ان جاء بعجل حنیذ» استفاده شده است.

کباب شود و هم از نظر طعم لذیذتر از آن است.(۱)

انجام امور منزل حتی در سن کهولت

داستان مهمان گرامی حضرت ابراهیم علیه السلام بر این نکته دلالت دارد که همسر ایشان حتی در سنین کهن سالی نیز اداره مسئولیت های منزل را عهده دار بوده است. زیرا پس از عرضه کردن آن غذا و امتناع آنان از خوردن، ابراهیم علیه السلامرا به فرزندی دانا بشارت دادند. آن گاه زنش باآوایی بلند رو کرد و بر چهره اش سیلی زد و گفت: (چگونه فرزند بزایم من) پیرزنی عقیم هستم؟(۲)

از این جا می توان دریافت که همسر ابراهیم در آن زمانی پیرزنی بوده و در بعضی اخبار، او را نود و هشت یا نود و نه ساله معرفی نموده اند.(۳)

پذیرایی از میهمان

پس از آن که فرشتگان الهی، ابراهیم را از مأموریت خود در مورد قوم لوط آگاه ساختند، قرآن کریم فرمود: «وامرأته قائمه...» (و همسر او ایستاده بود...) بعضی از مفسران قیام ساره را ایستادن برای انجام امور پذیرایی ازمیهمانان دانسته اند.(۴) این مطلب از سرعت پختن غذا و فرستادن آن برای مهمانان ابراهیم علیه السلام نیز فهمیده می شود.

هم چنین داستان پذیرایی ابراهیم و همسرش از میهمانان، بیانگر این نکته نیز هست که یکی از آداب مهمان داری آن است که غذا را هرچه

۱- محمدرشید رضا، تفسیر القرآن الکریم الشهیر بتفسیر المنار، بیروت: دارالمرفه، ج ۱۲، ص ۱۲۸.

۲- سوره ذاریات، آیات ۲۶ تا ۲۹.

۳- بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۸۹.

۴- تفسیر کبیر، ج ۱۸، ص ۲۱.

زودتر برای او آماده کند. زیرا مهمان وقتی از راه می رسد، به خصوص اگر مسافر باشد، غالبا خسته و گرسنه است؛ هم نیاز به غذا دارد و هم نیاز به استراحت. باید زودتر غذای او را آماده کنند تا بتوانند استراحت کند. خدای متعال تعجیل ابراهیم و همسرش در پذیرایی ازمهمانان را پسندید و باگفتن جمله «فما لبث ان جاء بعجل حنیذ» از آنان تجلیل نمود و پس از این واقعه، تسریع در پذیرایی از مهمان سنت گشت.(۱)

سخاوت در مهمان داری

در خبر است که این فرشتگان به صورتی بر ابراهیم علیه السلام وارد شدند که چشم ها مانند ایشان ندیده بود و با خوی خوش و بوی خوش و روی نیکو بر ابراهیم سلام کردند و گفتند: یا خلیل اللّه ! مهمان می خواهی؟ گفت: چگونه نخواهم؟ ایشان را به خانه برد و بنشاند و به ساره گفت: برای من امروز مهمانانی آمده اند که در عمر خویش از ایشان نکوروی تر و نکوخوتر و خوش سخن تر ندیده ام، برای ایشان طعامی بیار. ساره گفت: این وقت هیچ طعامی حاضر نیست، مگر آنکه گفت: مرا گوساله ای فربه هست که مانند کسی که فرزند ندارد، آن را پرورده ام و دست آن را حنا بسته و بر گردنش زنگ و مهره افکنده ام. ابراهیم بفرمود تا آن را کشته، بریان نموده و به سرعت پیش ایشان بردند.(۲)

سخاوت این خانواده نیز مورد قبول حق قرار گرفت و با جمله «فراغ

۱- مجمع البیان، ج ۵، ص ۲۷۲.

۲- تفسیر ابوالفتوح رازی، ج ۵، ص ۴۱۹.

الی اهله فجاء بعجل سمین» آن را پاس داشت.(۱)

پرهیز از زن سالاری در خانواده

قرآن کریم باتأکید بر این که در رسیدن به حیات طیبه فقط دو چیز نقش دارد: یکی حسن فعلی به نام «عمل صالح» و دیگری حسن فاعلی به نام «مؤمن بودن روح» مؤنث یا مذکر بودن را در آن مؤثر نمی داند:

مَنْ عَمِلَ صالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَياةً طَيِّبَةً... (نحل: ۹۷)

هرکس از مرد یا زن که کار نیک کند و مؤمن باشد، به زندگانی پاک و پسندیده ای زنده اش می داریم...

بنابراین، تنها معیار و ملاک تقرب به خدا تقوای الهی است که «ان اکرمکم عنداللّه اتقکم»(۲) و در این مسئله نیز میان زن و مرد فرقی نیست؛ ولی خداوند حکیم برای آن که محیط خانواده به بهترین وجهی اداره گردد، ازآن رو که مردمخارج زن را تأمین می کند و نیز به آن دلیل که مسایل اجتماعی و اقتصادی و تلاش و کوشش برای به دست آوردن مال و تأمین نیازمندی های منزل و اداره زندگی را مرد بهتر به عهده می گیرد، سرپرستی امور منزل را نیز به عهده مرد گذاشته است.(۳) اما این چنین نیست که از این سرپرستی بخواهد مزیتی به دست آورد و بگوید من چون سرپرست هستم، افضل هستم؛ بلکه این کار، کار اجرایی بوده و وظیفه

۱- مراد از عجل سمین، گوساله چاقی است که بریان کرده باشند. تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۵۶۷

۲- حجرات: ۱۳.

۳- الرجال قوامون علی النساء بما فضل اللّه بعضهم علی بعض و بما انفقوا من اموالهم...» مردان باید بر زنان مسلط باشند، زیرا خداوند بعضی از انسان ها را بر بعضی دیگر برتری بخشیده است و نیز از آن روزی که مردان از اموال خویش برای زنان خرج می کنند. (نساء: ۳۴)

است نه فضیلت. هم چنان که در اداره ای ممکن است کارمند تحت امر مسئول مافوق، افضل از او و نزدیک تر از او به خدا باشد، ولی به خاطر مدیریت قوی تر، مسئولیت به عهده دیگری گذاشته شود. این نیز روشن است که آن جا که سخن از تسلط مرد بر زن است، مراد سرپرستی شوهر بر زن است نه سرپرستی جنس مرد بر جنس زن، زیرا استدلال آیه ۳۴ سوره نساء این است که «و بما انفقوا من اموالهم» و این شوهر است که نفقه همسرش را تأمین می کند.

اکنون که مسئولیت مرد در منزل و حکمت آن روشن شد، مشخص می شود که اگر زنی بخواهد بر شوهر خود سلطه یابد و او را به انجام خواسته های نادرست خود وادارد، از نظر قرآن مرتکب رفتاری نکوهیده شده است.

هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله غنایم جنگ خیبر را به دستور خدای تعالی بین مسلمانان تقسیم نمود، همسران آن جناب از او خشمگین شدند، اطراف ایشان تجمع نمودند و درخواست نفقه کردند. در این هنگام، ابوبکر به سوی دخترش عایشه و عمر به سوی دخترش حفصه رفتند تا آنان را تأدیب نمایند. ابوبکر و عمر به دخترانشان گفتند: از پیامبر صلی الله علیه و آله چیزی می خواهید که در نزدش نیست؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله آنان را از زدن همسرانش بازداشت و آنان نیز سوگند یاد کردند که دیگر چیزی را که در اختیار رسول خدا نیست، از او

نخواهند.(۱) آنان با این سخن خود، به آزار و اذیت رسول خدا صلی الله علیه و آله اعتراف کردند.

مورد دیگر نیز فشار بعضی از همسران آن حضرت برای تحریم چیز حلالی بر رسول خدا صلی الله علیه و آله بود که خداوند ضمن نکوهش زن سالاری آنان، پیامبر را به شکستن سوگند خود و عمل ننمودن به خواسته نادرست همسرانش فراخواند.(۲)

از ذکر موارد بالا که زنان خواستار تسلط بر همسر خود در امور خانواده بود و در پی آن بوده اند که همسرشان بر طبق میل آنان رفتار کند و مردود دانستن آن از سوی قرآن کریم، حکم دخالت زن در مسئولیت های اجتماعی شوهر به خوبی روشن خواهد شد، زیرا مسئولیت های اجتماعی همسر ارتباطی به او ندارد و او دارای صلاحیت امر و ونهی کردن به شوهر در این موارد نیست. نهایت این نحوه از زن سالاری نکوهیده، در داستان همسر عزیز مصر متجلی شده است. هنگامی که یوسف برای فرار از نافرمانی الهی، از دست آن زن گریخت و او نیز برای گرفتن یوسف به دنبال ش روانه شد، در مقابل در، با حاکم مصر مواجه شدند و آن زن به همسرش گفت:

ما جَزاءُ مَنْ أَرادَ بِأَهْلِکَ سُوءًا إِلاّ أَنْ یُسْجَنَ أَوْ عَذابٌ أَلیمٌ. (یوسف: ۲۵)

جزای آن که قصد بدی به اهل تو کند مگر آن که او را به زندان برده یا به عذابی سخت کیفر کنند، چه خواهد بود؟

۱- تفسیر فی ضلال، ج ۵، ص ۲۸۵۴.
۲- تحریم، ۱ و ۲.

وی در این جا ضمن متهم ساختن یوسف علیه السلام خواستار آن شد که همسرش از موقعیت اجتماعی خود استفاده کرده و یوسف را سخت کیفر کند. همین تهدید را بار دیگر هنگامی مطرح ساخت که زنان مصر را به دربار فراخوانده بود تا با نشان دادن یوسف به آنان، عشق سرکش خود را به او توجیه نماید:

قالَتْ فَذلِکُنَّ الَّذی لُمْتُنَّنی فیهِ وَ لَقَدْ راوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ فَاسْتَعْصَمَ وَ لَئِنْ لَمْ یَفْعَلْ ما آمُرُهُ لَیُسْجَنَنَّ وَ لَیَکُونًا مِنَ الصّاغِرینَ. (یوسف: ۳۲)

این است غلامی که مرا در محبتش ملامت می کردید. آری! من، خود از وی تقاضای مراوده کردم و او عفت ورزید و اگر از این پس خواهش مرا رد کند، البته زندانی و خوار و ذلیل گردد.

این تهدید بیانگر آن است که این زن کاملاً بر همسر خویش تسلط داشته و مطمئن بوده که اگر حتی از او زندانی کردن بی گناهی چون یوسف را هم بخواهد، به خواسته او عمل خواهد کرد.(۱) هم چنان که چنین چیزی اتفاق افتاد و حاکم مصر سرانجام بنا به تقاضای همسرش، یوسف علیه السلام را سال ها زندانی کرد.

پاسداری از نظام خانواده

با توجه به نقش مهم خانواده در حفظ سلامت اجتماع لازم است که زن و شوهر دست به دست یکدیگر دهند و کانون خانواده را هر چه گرم تر و مستحکم تر کنند و از بروز عواملی که این استحکام را به تزلزل تبدیل نماید، به شدت دوری نمایند. در این میان، مسئولیت زنان بسیار خطیر و

۱- تفسیر المنار، ج ۱۲، ص ۲۹۶.

قابـل توجه است، زیرا آنان نه تنها بایـد به مشـکلات گوناگون خود و همسـر در صورت جـدایی بیندیشـند، بلکه لازم است با آگاهی به نقش والدین در تربیت فرزندان، نگران آینده فرزندان خویش باشند و در حفظ نظام خانواده، هرگز تردیدی به خود راه ندهند.

ماجرای ظهار کردن خوله توسط همسـرش «اوس بن صامت» و شکایت آن زن به درگاه خدا، الگوی خوبی برای پاسداری زن از حریم خانواده است. وی که از جـدا شـدن از همسـرش بسـیار نگران بود در مورد حکم خـدا، با رسول خدا صـلی الله علیه و آلهبه مجادله پرداخت، شـکایت خود را به پیشـگاه خـدا برد و گفت: خداوندا! تو حال مرا می دانی، پس به من رحم کن؛ زیرا من فرزنـدان کوچکی دارم که اگر آن هـا را به شوهرم بسـپارم ضایع می شونـد و اگر خود سـرپرستی آنان را عهـده دار شوم، گرسنه می مانند.(۱) خدای تعالی نیز مجادله و شـکایت او را شـنید و با نازل کردن آیات ابتدایی سوره مجادله و روشن کردن حکم ظهار و این که او می تواند به زندگی خود با همسرش ادامه دهد، اهتمام آن زن به حفظ نظام خانواده را ارج نهاد.

نکته مهمی که از دعای او به درگاه خدا فهمیده می شود، آن است که نگرانی عمده این زن از جدایی همسر، مسئله سرپرستی و تربیت فرزنـدان بود و از خـدا می خواست که رحمت خود را ازآنـان دریغ نـدارد و سـایه پر مهر پـدر و مـادر را از سـر آنان کوتاه نکند. از این نکته دریافت می شود که

۱- تفسیر مجمع البیان، ج ۵، ص ۳۷۲.

حتی اگر زن و شوهر با هم تفاهم نداشته باشند، لازم است به خاطر آینده فرزندانشان دست از اختلاف و مشاجره بردارند و کانون خانواده را به محل امنی برای رشد و پرورش مبدل سازند.

البته این نیز روشن است که حفظ نظام خانواده تا جایی بر زن لازم است که امکان زندگی مشترک با رعایت حقوق متقابل همسران وجود داشته باشد. پس اگر مردی با فشار بیش از حد بر همسر خود به دنبال آن باشد که ایمان او را متزلزل ساخته و به نافرمانی الهی وادارش نماید، زن دراین موارد نباید تسلیم خواسته های نامشروع همسرش گردد، حتی اگر به جدایی آن ها بینجامد. هم چنان که فرعون هنگامی که از ایمان همسرش باخبرشد، بارها او را نهی کرد و اصرار داشت که دست از آیین موسی علیه السلام بردارد و خدای او را رها کند، ولی این زن با استقامت، هرگز تسلیم خواسته فرعون نشد تا این که فرعون دستور داد دست ها و پاهایش را با میخ ببندند او را زیر آفتاب سوزان قرار دهند و سنگ عظیمی بر سینه او بیفکنند. و او هنگامی که آخرین لحظه های عمر خود را می گذراند، دعایش این بود(1): «پروردگارا! برای من خانه ای در بهشت در جوار خودت بنا کن...»(2)

۱- تفسیر مجمع البیان، ج ۵، ص ۴۷۹.

۲- تحریم: آیه ۱۱.

گفتار دوم: تربیت در زمینه مشارکت اجتماعی

اشاره

مشارکت اجتماعی بانوان از مسایل بحث انگیز جوامع اسلامی و به ویژه جامعه کنونی ایران است. اصل جواز شرکت زنان در فعالیت های اجتماعی، محدوده و شرایط آن و نیز وظایف و مسئولیت های اجتماعی زنان، مباحثی است که در تربیت الگویی قرآن کریم در زمینه مشارکت اجتماعی بانوان مطرح شده و در این فراز از تحقیق، به بررسی آن ها می پردازیم.

جواز مشارکت اجتماعی بانوان

حضور زنان برگزیده الهی در متن جامعه و مشارکت با مردان در مقاطع بسیار حساس اجتماعی، نه تنها اصل جواز شرکت زنان را به همراه مردان در صحنه های گوناگون اجتماعی ثابت می کند، بلکه لزوم چنین مشارکتی را در برخی از عرصه های اجتماعی به اثبات می رساند. مریم عذراء علیهاالسلام پس از آن که از جانب خدا برگزیده شد، ازسوی او مأمور به اطاعت، سجود و رکوع به همراه رکوع کنندگان گردید.(۱)

جالب آن که در این حرکت عبادی ـ اجتماعی، مریم به رکوع به همراه «راکعات» «زنان رکوع کننده» فراخوانده نشد، بلکه مأمور به رکوع به همراهی «راکعین» که شامل مردان و زنان رکوع کننده است، گردید.

الگوی دیگری که به شکلی روشن تر خط مشی اجتماعی بانوان را ترسیم می کند، شرکت حضرت فاطمه علیهاالسلام در ماجرای مهم و سرنوشت ساز «مباهله» است. آن حضرت با آگاهی کامل به حساسیت شرایط،

۱- ۱.. آل عمران: ۴۳.

آمادگی خود را برای شرکت در این عرصه پرخطر اعلام داشت و با چهره ای مصمم و اراده ای استوار، پشت سر پیامبر صلی الله علیه و آله پا به میدان گذاشت.(۱) خدای سبحان نیز عمل پسندیده فاطمه زهرا علیهاالسلام را ستود و نام او را در شمار شرکت کنندگان در این حرکت مهم اعتقادی ـ اجتماعی قرار داد:

فَمَنْ حَاجَّکَ فیهِ مِنْ بَعْدِ ما جاءَکَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعالَوْا نَدْعُ أَبْناءَنا وَ أَبْناءَکُمْ وَ نِساءَنا وَ نِساءَکُمْ ... (آل عمران: ۶۱)

و هرکس که پس از فرارسیدن علم (وحی) به تو درباره او (عیسی) با تو محاجه کند، بگو بیاید، ما پسرانمان و شما پسرانتان، ما زنانمان و شما زنانتان...

و اهل تفسیر و حدیث بر آن اتفاق دارند که رسول خدا صلی الله علیه و آله زنی را جز فاطمه علیهاالسلام برای مباهله به همراه نبرد.(۲)

هم بستگی اجتماعی

ویژگی اجتماعی دیگری که قرآن با ارائه الگو، زنان مؤمن را به اتصاف به آن فرا می خواند، حفظ وحدت و یکپارچگی و جلوگیری از ایجاد خلل در صف واحد آنان است.

آن هنگام که جریان ناخوشایند «افک» و ایراد اتهام اخلاقی به همسر

۱- اسقف نجران به مسیحیان گفت: من چهره هایی را مشاهده می کنم که اگر از خدا بخواهند کوهی را از جا برکند، خدا دعایش را مستجاب خواهد کرد، پس با آن ها مباهله نکنید که به هلاکت می رسید و دیگر تا روز قیامت هیچ نصرانی بر پهنه زمین باقی نخواهد ماند. تفسیر کبیر، ج ۸، ص ۷۱.

۲- تفسیر کبیر، ج ۸، ص ۷۱.

پیامبر و یکی از مؤمنین در جامعه اسلامی مطرح شد و حتی مردان و زنان مؤمن نیز این شایعه را از زبان یکدیگر گرفته و درجامعه پخش می کردند، خداوند متعال، این گونه آنان را مورد سرزنش و ملامت خود قرار داد:

لَوْ لا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِناتُ بِأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا وَ قالُوا هذا إِفْكٌ مُبِينٌ. (نور: ۱۲)

چرا چون آن را شنیدید، مردان و چرا چون آن را شنیدید، مردان و زنان مؤمن در حق خویش گمان نیک نبردند و نگفتند که این تهمتی آشکاراست؟

جالب این که، در آیه بالا به جای این که تعبیر کند: «شما درباره متهم به این تهمت باید حسن ظن داشته باشید»، می گوید: «شما نسبت به خودتان باید حسن ظن می داشتید». این تعبیر، اشاره به این است که جان مؤمنان از هم جدا نیست و همه به عنوان نفس واحده اند که اگراتهامی به یکی از آن ها متوجه شود، گویی متوجه همه شده است و همان گونه که هر کس خودرا موظف به دفاع از خویشتن در برابر اتهامات می داند، به همان اندازه ازدیگر برادران و خواهران دینی خود دفاع کند و با واکنش مناسب، با شایعه پراکنانی که وحدت و یکپارچگی جامعه اسلامی را خدشه دار می کنند، برخورد نماید.(۱)

از سوی دیگر، قرآن کریم، همسر ابی لهب را مورد نکوهش قرار داده و فرموده است:

وَ امْرَأَتُهُ حَمّالَةَ الْحَطَبِ. (مسد: ۴)

۱- تفسیر مجمع البیان، ج ۴، ص ۲۰۷.

و زنش هیزم کش است.

آن زن به سخن چینی بین مردم می پرداخت و به این ترتیب، آتش دشمنی را در بین آنان شعله ور می ساخت. قرآن کریم نیز در این جا نمامی و سخن چینی اورا به هیزمی تشبیه کرده که شعله ور کننده آتش عداوت است و از این رو که او سخنان تفرقه انگیز رابه این سو و آن سو می برد، او را «هیزم کش» نامیده است.(۱)

ص: ۱۶۰

۱- تفسیر مجمع البیان، ج ۵، ص ۸۵۲ .

فصل دوم: الگو در تربیت اقتصادی

اشاره

اگرچه می توان موارد نـادر را فرض کرد که در آن فعـالیت های اقتصادی به صورت فردی انجام شود، ولی بیشتر فعالیت های اقتصادی با تعامل اجتماعی همراه است.

قرآن کریم در تربیت الگویی بانوان در ابعاد اقتصادی، ضـمن صحه گذاردن بر تلاش اقتصادی آنان، به نکات قابل توجهی در مورد چگونگی فعالیت های اقتصادی بانوان اشاره می کند که در این قسمت از بخش چهارم به بررسی این موارد می پردازیم.

تلاش برای تأمین معاش

نمونه تلاش اقتصادی بانوان را در دختران شـعیب مشاهده می کنیم. آنان که پدرشان پیر و از کار افتاده بود، مسئولیت سـخت دامداری و آب دادن گوسفندان پدر را بر عهده داشتند... .

وَ وَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُودانِ قالَ ما خَطْبُكُما قالَتا لا نَسْقى حَتّى يُصْدِرَ الرِّعاءُ وَ أَبُونا شَيْخٌ كَبيرٌ. (قصص: **۲۳**)

از پسِ مردم(موسـی) دو زن را دیـد که (چارپایـان خود را) جمع و جور می کردنـد. (موسـی) گفت: کـار و بار شـما چیست؟ گفتند: ما آب نمی دهیم تا آن که شبانان (چارپایان خود را از آبشخور) بازگردانند.

ص: ۱۶۱

زن و فعالیت های سخت اقتصادی

ممکن است این سوال مطرح شود که آیا طبیعت بانوان با انجام فعالیت های سخت اقتصادی هماهنگ است و آنان نیز باید در دشوارترین امور اقتصادی دوشادوش مردان به فعالیت بپردازند یا این که اگر چه احراز مشاغل درآمدزای برای بانوان بی اشکال است، ولی با توجه به شرایط جسمی آنان، بهتر است در شرایط غیرضروری به انجام کارهای سخت و طاقت فرسا نپردازند؟

به نظر می رسد که جواب این سؤال روشن باشد، زیرا شرایط جسمی بانوان به طور معمول، اقتضای انجام اموری را که نیازمند طاقت و توان زیاد باشد ندارد، ولی در عین حال مشاهده می کنیم که دختران شعیب، مشکل ترین امور اقتصادی را عهده دار بودند. اما حقیقت مطلب آن است که زنان در شرایط عادی از انجام چنین تکالیفی پرهیز نموده و آن را به عهده مردان می گذارند. در موردی که بیان شد، شرایط اضطراری حکم می کرد که آن ها با وجود بی میلی باطنی، به انجام چنین اموری اقدام نمایند. برای نمونه، وقتی موسی علیه السلامدختران شعیب را در کنار چاه مدین مشاهده کرد که تنها به مراقبت از گوسفندان خود مشغولند، از آنان پرسید: شما این جا چه می کنید؟ آنان گفتند: تا چوپانان گوسفندان خود را آب ندهند، ما جلو نمی رویم. و سپس گفتند: «و پدر ما، پیری فرتوت است».(۱)

ص: ۱۶۲

۱- قصص: ۲۳.

به نظر می رسد که گفتن این جمله به موسی علیه السلام برای بیان این است که شرایط اضطراری و ناتوانی پدر باعث شده است تا این دختران چنین کار مشکلی را انجام دهند، کاری که هم بسیار وقت گیر است(۱) و هم بسیار طاقت فرسا.(۲) شاهد این مطلب آن است که به محض این که دختر شعیب قوت و امانت موسی را آزمود، برای آن که خود و خواهرش را از انجام این فعالیت توان فرسا که مستلزم برخورد با مردان بیگانه نیز بود، رهایی بخشد، پیشنهاد استخدام او رابه پدر داد.

عفاف در فعالیت های اقتصادی

نحوه عمل دختران شعیب علیه السلام در آب دادن گوسفندان، نمونه بارز فعالیت اقتصادی با مراعات عفاف کامل است. آنان برای پرهیز از اختلاط بی مورد با مردان بیگانه، مدت ها صبر می کردند و حتی نوبت خود را از دست می دادند تا آن چوپانان بی انصاف و بی ملاحظه، از آب دادن چارپایان خود فارغ شوند و آن گاه دختران شعیب با رعایت عفت و نجابت، به گوسفندان خود آب می دادند. حتی می توان گفت چیزی که موجب شد تا موسی علیه السلام با خستگی فراوانی که از پیمودن راه طولانی مصر تا مدین متحمل شده بود به کمک آنان بشتابد؛ همین بود که در رفتار آنان در کنار چاه، حجب و حیای آنان را مشاهده کرد و آن گاه که ماجرا را پرسید، از

۱- چون آنان تا تمام چوپانان نمی رفتند، گوسفندان خود را آب نمی دادند: لا نسقی حتی یصدر الرعاء... .
۲- این مطلب از آن جا برداشت می شود که دختر شعیب با دیدن آب کشیدن موسی از چاه، او را فردی نیرومند دانست. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۳۸.

کلام آن ها نیز دریافت که تعلل آنان در آب دادن گوسفندان به خاطر حجب و عفاف آنان و ظلم و تعدی مردم بوده است.(۱)

نکته مهم در این داستان، آن است که دختران شعیب که انجام این کار را موجب برخورد با نامحرمان می دانستند، هرگز اصل فعالیت اقتصادی خود را متوقف نکردند، بلکه ملتزم بودند که در کار، متانت و عفاف خود را حفظ کنند.

رعایت حلال و حرام

دختران شعیب که از طهارت اقتصادی برخوردار بودند، در طول مدت نسبتا طولانی انتظار برای آب دادن به گوسفندان، مراقب بودند که گوسفندانشان با گوسفندان دیگران مخلوط نشوند.(۲) «و وجد من دونهم امرأتین تذودان...» و نه ضرری متوجه آنان شده و نه دیگر گوسفندان را به اشتباه تصاحب کنند.

و از جنبه منفی نیز، درخواست نادرست همسران پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد اختصاص غنایم جنگ خیبر به آنان قابل اشاره است که این درخواست با واکنش منفی رسول خدا صلی الله علیه و آله و توبیخ قرآن مواجه شد و خداوند آنان را مخیر به گزینشِ زندگی با رسول خدا و قناعت به زندگی ساده او یا انتخاب دنیا و زینت های آن و جدایی از آن حضرت نمود.(۳)

۱- تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۳۴.
۲- تفسیر مجمع البیان، ج ۷، ص ۳۸۷.
۳- احزاب: ۲۸ و ۲۹.

هوشمندی اقتصادی

دختر شعیب علیه السلام هنگامی که پیشنهاد استخدام موسی علیه السلام را به پدر داد، دو ویژگی را به عنوان ویژگی های بهترین کارگزار برشمرد: قدرت و امانت. «ان خیر من استأجرت القوی الامین»(۱) و دراین جمله کوتاه، مهم ترین و اصولی ترین شرایط مدیریت را در این دو ویژگی خلاصه کرد. البته منظور از قدرت، تنها قدرت جسمانی نیست، بلکه مراد قدرت و قوت بر انجام مسئولیت است. بنابراین، در انجام فعالیت های جسمی، قدرتمندی به نیروی جسمی و در فعالیت های فکری، قدرتمندی به توان و قوت فکری مربوط می شود. منطق این زن که همان منطق قرآن است، آن است که در سپردن مسئولیت ها باید دو ملاک مهم توان مندی و امانت، یا به تعبیردیگر تخصص و تعهد مورد توجه قرار گرفته و اگر یکی از این دو ویژگی در فرد کارگزار نباشد، آسیب های غیرقابل جبرانی برای کارفرما به بار خواهد آورد. درایت و هوشمندی بسیار زیاد دختر شعیب درآن است که هم این دو عنصر اساسی در سپردن مسئولیت را به سادگی بیان کرد و هم مصداق آن را در وجود موسی علیه السلام یافت و هم این پیشنهاد ارزشمند اقتصادی خود را به پدر ارایه نمود.

الگوی منفی این ویژگی را نیز می توان در زنی یافت که با رنج و زحمت فراوان به انجام فعالیت اقتصادی می پرداخت و پس از آن که کار به پایان می رسید، با یک حرکت ارتجاعی، نتیجه زحمات قبلی را بر باد

۱- سوره قصص، آیه ۲۶.

می داد:

وَ لا تَكُونُوا كَالَّتِی نَقَضَتْ غَزْلَها مِنْ بَعْدِ قُوَّهٍ أَنْكاثاً... (نحل: ۹۲)

و همانند آن زن مباشید که رشته ای را که محکم تافته بود، از هم گشود و قطعه قطعه کرد...

از امام باقر علیه السلام روایت شده که او زنی از قبیله بنی تیم بود و نامش «ریطه بنت کعب بن سعد» و زنی احمق بود که مورا می تـافت و سـپس بافته خود را می گشود و باز دوباره همین عمل نابخردانه را تکرار می کرد.(۱) البته قرآن کریم این مثل را برای اهمیت دادن به پیمان های اجتماعی مورد اسـتفاده قرار داده و فرموده ماننـد آن زن نباشـید و گره پیمان هایی را که با نام خـدا محکم کرده اید، نگشایید، ولی، این نکته اقتصادی نیز به دست می آید که هر فعالیت اقتصادی باید هدفمند بوده و برای نیل به رشد اقتصادی انجام شود. هم چنان که لازم است این روند تا به دست آمدن نتیجه، تداوم یابد و پس از رسیدن به نتیجه مطلـوب ازثمرات به دست آمـده حراست شود و از انجـام هر کـاری که دسـتاوردهای حاصـل را از بین برد، پرهیز شود. نـتیجه دیگری که از این آیه گرفته می شود آن است که لازم است دو طرف یک پیمان اقتصادی تا آخر به پیمان خود وفادار مانـده وبه محض مشاهده رقیب مناسب تر، به شکستن یک جانبه عهد خود مبادرت نکنند؛ زیرا خداوند فرموده است:

وَ لا تَكُونُوا كَالَّتِی نَقَضَتْ غَزْلَها مِنْ بَعْدِ قُوَّهٍ أَنْكاثاً تَتَّخِذُونَ أَيْمانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ أَنْ تَكُونَ أُمَّهٌ هِیَ أَرْبی مِنْ أُمَّهٍ إِنَّما يَبْلُوكُمُ اللّهُ بِهِ... (نحل: ۹۲)

و همانند زنی نباشید که پشم هایی را که می بافت، پس از محکم داشتنش،

ص: ۱۶۶

۱- تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۸۲.

رشته رشته وا می تافت، تا سوگندهایتان را دستاویز دغلی کنید، به خیال این که امتی از امت دیگر بیشتر و پیشتر است، جز این نیست که شما را به آن می آزماید...

برنامه ریزی و مدیریت اقتصادی

تربیت الگویی قرآن کریم در زمینه هـای اقتصـادی، نشـانگر آن است که هم در دست گرفتن مسـئولیت های کلیـدی اقتصادی هم چون برنامه ریزی و مدیریت توسط زنان رواست و هم این که آنان قادرند اسـتعدادهای خود را در این امور به منصه ظهور برسانند و حتی در برنامه ریزی ها و مدریت های کلان نیز به توفیق دست یابند.

آن هنگام که هدهد در توجیه علت تأخیر خود، جریان رویارویی با قوم سبا را به سلیمان علیه السلام گزارش داد، گفت:

إِنِّی وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِکُهُمْ وَ أُوتِیَتْ مِنْ کُلِّ شَیْءٍ وَ لَها عَرْشٌ عَظیمٌ. (نمل: ۲۳)

من زنی را یافتم که بر آنان فرمانروایی می کرد و از همه چیز برخوردار بود و تختی شگرف داشت.

در این آیه، جمله «اوتیت من کل شـی ء» توصـیف کاملی از وسعت مملکت و عظمت سلطنت آن زن ارایه کرده و همین خود قرینه است بر این که منظور از «کل شـی ء» در آیه، هر چیزی است که سـلطنت عظیم محتاج به داشـتن آن هاست،ماننـد جزم، احتیاط، عزم، تصـمیم راسخ، سطوت، شوکت، آب، خاك بسیار، خزینه سرشار، لشکر و ارتشی نیرومند و رعیتی فرمانبردار که هدهد از بین همه اینها، تنها نام «عرش عظیم» را

برد.(۱) و در واقع عرش عظیم ملکه سبا، سمبل رشد و توسعه اقتصادی آن کشور بود که آن نیز محصول برنامه ریزی صحیح، مدیریت شایسته و نظارت دقیق و مستمر آن بانو بر شئون اقتصادی آن جامعه بوده است.

انفاق و خصوصیت های آن

اشاره

از ویژگی های زنان الگو در قرآن، آن است که نیازمندان را نیز در بهره برداری از مواهب الهی مشارکت داده و سعی می کنند تا خلاء اقتصادی طبقه محروم، با همیاری طبقات برخوردار، پرشده و فاصله طبقاتی اقتصادی در جوامع ایمانی به کمترین میزان خود برسد. تجلی این خصوصیت را در شیوه زندگی فاطمه زهرا علیهاالسلام مشاهده می کنیم. قرآن کریم در بین موارد انفاق آن بزرگوار، انگشت بر شگفت آورترین موارد آن گذاشته و حکایت اطعام کردن اهل البیت علیهم السلام و انفاق غذای خود به مسکین و یتیم و اسیر و افطار نمودن خود با آب را در سه روز روزه ای که برای بهبود حسنین علیهماالسلام نذر کرده بودند، نقل نموده است.(۲) ماجرای این انفاق، شامل خصوصیت هایی بود که آن را به صورت یک اقدام بزرگ تاریخی درآورد و الگویی جاودان برای همه مؤمنان راستین ترسیم نمود که در اینجا به این خصوصیت ها اشاره می شود.

ایثار

انفاق مالی و کمک به محرومان گر چه عملی بسیار ستوده است، اما آن گاه که در شرایط تنگ دستی و سختی و نیاز کامل به آن مال صورت

ص: ۱۶۸

۱- تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۵۰۶.

۲- دهر: ۸ (جریان کامل این داستان در فصل دوم و در قسمت تربیت عبادی آمده است).

پذیرد، از ارزشی بسیار بالاتر برخوردار شده و تحت عنوان «ایثار»، در زمره یکی از والاترین افعال اخلاقی قرار می گیرد، یکی از دلایلی که باعث شده تا این انفاق با این عظمت در قرآن مطرح شود، همین است که در زمانی انجام شد که خود اهل بیت علیهم السلام بیشترین نیاز را به این چند قرص نان داشتند، زیرا از طرفی روز را با روزه سپری کرده بودند و از طرف دیگر برای روزه فردا احتیاج به غذا داشتند. قرآن کریم با تعبیر «علی حبه» پرده از نیاز شدید آنان به غذا برداشت:

وَ یُطْعِمُونَ الطَّعامَ عَلی حُبِّهِ مِسْکیناً وَ یَتیماً وَ أَسیرًا. (دهر: ۸)

و خوراک را با وجود دوست داشتنش، به فقیر و یتیم و اسیر اطعام می کنند.

گرچه گفته شده که ضمیر در «علی حبه»به خدا بر می گردد و معنی آیه این است که: «خوراک را به خاطر دوستی خدا به فقیر و یتیم و اسیر اطعام می کنند»، ولی از آن جا که در آیه بعد اشاره به نیت و غرض خالصانه آن ها می کند(۱)، معنی اول برای آیه مناسب تر به نظر می رسد. به ویژه آن که در آیه: «لن تنالوا البر حتی تنفقوا مما تحبون»(۲)، هرگز به نیکی دست نیابید مگر آن که از آن چه دوست می دارید ببخشید، نیز چنین مضمونی مطرح شده و شاهدی بر ایثار اهل بیت علیهم السلام در این انفاق است.

در مورد دیگری، خدای تعالی آشکارا از «ایثار» استفاده نموده و با این تعبیر از وجود مبارک علی و فاطمه علیهماالسلام تقدیر به عمل می آورد:

۱- دهر: ۹ (إِنَّما نُطْعِمُکُمْ لِوَجْهِ اللّهِ ...).
۲- آل عمران: ۹۲.

وَ الَّذینَ تَبَوَّؤُا الدّارَ وَ الْإیمانَ مِنْ قَبْلِهِمْ یُحِبُّونَ مَنْ هاجَرَ إِلَیْهِمْ وَ لا یَجِدُونَ فی صُدُورِهِمْ حاجَةً مِمّا أُوتُوا وَ یُؤْثِرُونَ عَلی أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ کانَ بِهِمْ خَصاصَةٌ وَ مَنْ یُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ. (حشر: ۹)

و کسانی که پیش از آنان (مهاجران نیازمند) در سرای اسلام (مدینه) جای گرفتند و ایمان را پذیرفتند، کسانی را که به سوی آنان هجرت کرده اند، دوست می دارند و نسبت به آنچه به ایشان داده شده است، در دل خود احساس نیاز نمی کنند و (آنان را) هر چند خود نیازمندی داشته باشند، بر خود بر می گزینند؛ و کسانی که از آزمندی نفس خویش در امان مانند، آنانند که رستگارانند.

در شأن نزول این آیه آمده است: مردی نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد و از گرسنگی خود شکایت کرد. حضرت کسی را به خانه های همسرانش فرستاد، آنان گفتند: چیزی جز آب در نزد ما نیست. حضرت فرمود: کیست که امشب این مرد را کفایت کند؟ علی علیه السلام گفت: من ای رسول خدا. علی علیه السلام نزد فاطمه علیهاالسلام آمد و داستان را به او گفت. حضرت فاطمه علیهاالسلام پاسخ داد: جز غذای کودکان چیزی نداریم، ولی میهمان خود را بر آنان برتری داده و به او خواهیم داد. علی علیه السلامگفت: کودکان را بخوابان و (من نیز) چراغ را به خاطرمیهمان خاموش می کنم. فاطمه زهرا علیهاالسلام این کار را انجام داد و آن میهمان غذا خورد و به استراحت پرداخت و صبح، خداوند متعال این آیه را نازل کرد.(۱) در روایت دیگری دلیل خاموش کردن

۱- عبیداللّه حسکانی، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تحقیق و تعلیق: الشیخ محمد باقر المحمودی طهران: مؤسسه الطبع و النشر التابعه لوزاره الثقافه و الارشاد الاسلامی، ۱۴۱۱ ق ج ۲، ص ۳۳۱.

چراغ را آن دانسته اند که آن بزرگواران برای آن که میهمانشان متوجه نشود که آنان غذا ندارند، بر سر سفره نشسته و به شکل جویدن، زبان خود را به حرکت دراوردند تا ان که وی پنداشت که ایشان نیز به خوردن مشغولند.(۱)

اخلاص در انفاق و ویژگی های آن

ویژگی دیگری که اطعام نیازمندان توسط اهل بیت عصمت علیهم السلام را بسیار چشم گیر ساخته است، اخلاص و توجه کامل آن ها به خدا در انجام این کار خیر است:

إِنَّما نُطْعِمُکُمْ لِوَجْهِ اللّهِ ... (دهر: ۹)

ما تنها برای وجه خدا، شما را اطعام می کنیم.

و معنای این که عملی به خاطر «وجه اللّه » انجام شود، این است که در انجام عمل فقط رحمت خدای تعالی و خشنودی اش جلب شود و منظور، تنها و تنها این باشد.

در این آیه کوچک که بیانگر اخلاص خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله در انفاق است، نکات ظریفی وجود دارد که به بیان ویژگی انفاق مخلصان می پردازد.

بی توقعی؛ نشانه انفاق خالصانه

آنان در بیان انگیزه خود از انفاق گفتند: «انما نطعمکم لوجه اللّه لانرید منکم جزاء و لاشکورا» در این آیه جمله «لانرید منکم جزاء» تبیین و توضیح «انما نطعمکم لوجه اللّه » است، یعنی احسان ما از آن رو خالص

۱- مجمع البیان، ج ۵، ص ۳۹۱.

و برای خشنودی خداست که از کسی توقع پاداش نداریم، و این به آن معنی است که احسانی که با انتظار پاداش همراه باشد، احسان خالص نیست.

از سوی دیگر، بسیاری از کسانی که انفاق می کنند، اصلاً نیازی به پاداش ندارند که انتظار آن را داشته باشند، ولی در عین حال توقع دارند فردی که مورد احسان قرار گرفته است، حداقل به زبان سپاس این اقدام ارزشمند را به جای آورده و از ایشان تشکر نماید، از این رو، اگر او ناسپاسی کرد و قدر این نعمت را به زبان نیاورد، از او دلگیر شده و در صورت احتیاج دوباره وی به کمک، او را یاری نخواهند کرد، در حالی که انفاق خود را همراه با اخلاص کامل نیز می دانند، ولی از الگوی تربیتی که معصومین علیهم السلام ترسیم نموده اند، چنین بر می آید که حتی انتظار تشکر از کسی که به او احسان شده، با اخلاص عمل منافات دارد: «انما نطعمکم لوجه اللّه لانرید منکم جزاء و لاشکورا»(۱) و مخلصین در انفاق خود از هر چشم داشتی از طرف مقابل بی نیاز هستند.

انفاق غیر الهی زمینه ساز قهر خداوند

قرآن کریم در آیه بعد از قول اهل بیت علیهم السلام، به تشریح علت انفاق خالصانه آن ها می پردازد:

إِنّا نَخافُ مِنْ رَبِّنا یَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِیرًا. (دهر: ۱۰)

ما از پروردگارمان در روزی که گرفته و سخت و سهمگین است، می ترسیم.

آنان با این بیان تصریح نمودند که اگر عمل خود را تنها و تنها به خاطر

۱- اثبات مطلب به همان بیانی است که در مورد قبلی بیان شد.

خـدا انجام دادنـد وعبودیت خود را برای خـدا خالص کردنـد، برای این بود که از آن روز سـخت و دشوار می ترسـیدند و آن روز را به پروردگار نسـبت داده، گفتند: ما از پروردگارخود از روزی می ترسیم که چنین و چنان است، تا فهمانده باشند وقتی از این اطعامشان چیزی غیر از پروردگار را در نظر ندارنـد، پس ترسـشان هم غیر از او نیست.(۱) از این بیان چنین برداشت می شود که انفاق و اطعامی که با انگیزه غیر الهی انجام شود، زمینه ساز رویارویی با قهر و خشم خداونـد در روز قیامت است. چرا که از انضـمام این دو آیه، این معنی به دست می آید که «چون ما از پروردگار خود در روزی سخت می ترسیم، اطعام خود را تنها به خاطر خشنودی او انجام داده و از کسی انتظار پاداش و حتی تشکر نیز نداریم».

انفاق؛ دستوری عام و جهانی

انفاق اهل بیت علیهم السـلام تنها مسلمین را در بر نمی گرفت و در جریان همین ایثار تاریخی مشاهده می شود که آن بزرگان در آن شـرایط دشوار برای جلب خشـنودی خدا، تنها غذای خود را به اسیری می بخشند: «و یطعمون الطعام علی حبه مسکینا و یتیما و اسیرا».

و مراد از اسـیر، همـان معنـایی است که از این واژه به ذهن می رسـد، یعنی کسـی که از اهـل دارالحرب گرفتار مسـلمین شـده باشد.(۲) از اینجـا می توان دریـافت که انفـاق و به ویژه اطعـام، از دسـتورهای انسانی قرآن کریم بوده و به نیازمنـدان مسـلمان اختصاص ندارد.

ص: ۱۷۳

۱- تفسیرالمیزان، ج ۲۰، ص ۲۰۵.

۲- تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص ۲۰۳.

فصل سوم: الگو در تربیت سیاسی

اشاره

قسمت عمده ای از مباحث مربوط به تربیت الگویی زنان در قرآن کریم در ابعاد اجتماعی، به تربیت سیاسی آنان اختصاص یافته و در آن، زمینه های مختلف حضور بانوان در صحنه های سیاسی مطرح شده است. بنابراین، در این قسمت، مباحثی همچون اصل مشارکت سیاسی بانوان، مشارکت سیاسی بانوان به عنوان عضوی از امت و مشارکت سیاسی بانوان در اداره جامعه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

گفتار اول: اصل مشارکت سیاسی بانوان

اشاره

قرآن کریم با بیان نمونه هایی از حضور سیاسی بانوان در صحنه اجتماع، افزون برآن که براین حضور صحه گذارده است، از این گونه فعالیت های سیاسی آنان تجلیل نیز به عمل آورده است. این نمونه ها همچنان که شامل پایین ترین سطوح مشارکت سیاسی می شود، امتداد آن به حضور در حساس ترین و سرنوشت سازترین صحنه های سیاسی نیز خواهد رسید. در این قسمت از بحث، به مراتب مختلف مشارکت سیاسی بانوان با توجه به تربیت الگویی قرآن کریم در ابعاد سیاسی اشاره می شود.

اعتقاد به مشارکت در امور سیاسی

ص: ۱۷۴

اولین مرحله از حضور زن در صحنه سیاست، آشنایی با فعل و انفعالات و جریانات سیاسی حاکم بر جامعه و موضع گیری مناسب در برابر این رخدادهاست. مرتبه اول موضع گیری نیز آن است که فرد از نظر قلبی به جریان های سیاسی که بر اساس حق به وجود آمده گرایش داشته و از فعالیت جریان های غیرمنطبق با آن، احساس ناخشنودی باطنی نماید.

هنگامی که فرشتگان الهی در سر راه خود برای عذاب کردن قوم لوط علیه السلام، وارد منزل حضرت ابراهیم علیه السلام شدند، و پس از آن که از دست زدن به غذایی که به آنان عرضه شد، خودداری کردند ترسی بر دل آن حضرت افتاد. در این زمان، آنان با تبیین برنامه کار خود و وظیفه ای که در برابر قوم لوط دارند، ابراهیم علیه السلام را از نگرانی رهایی بخشیدند. پس از این سخن فرشتگان، همسر ابراهیم که ایستاده و نگران عواقب امر بود، خندید:

... قالُوا لا تَخَفْ إِنّا أُرْسِلْنا إِلی قَوْمِ لُوطٍ وَ امْرَأَتُهُ قائِمَهٌ فَضَحِکَتْ ... (هود: ۷۰ و ۷۱)

...گفتند مترس! ما به سوی قوم لوط فرستاده شده ایم. و همسر او ایستاده بود و خندید...

در مورد این که علت خنده «ساره» چه بوده است، وجوه متعددی ذکر شده که از دو احتمال از احتمالات مطرح شده، مشارکت سیاسی قلبی وی به دست می آید:

اول آن که «ساره» به شدت از کفر و اعمال غیرانسانی قوم لوط متنفر بود، پس آن گاه که دریافت فرشتگان برای عذاب آنان آمده اند، خوشحال شد و خندید. و دیگر آن که ساره به ابراهیم علیه السلام پیشنهاد کرده بود که

«بفرست تـا لوط نزد تو بیایـد و در بین قومش نباشـد و گرنه او نیز هلاـکت خواهـد شـد،» فرشـتگان چون این دلواپسـی وی را دیدنـد، گفتنـد: «انا ارسـلناالی قوم لوط» ما مأمور هلاك كردن قوم لوط هستیم، نه خود او؛ از این رو، خوشـحال شد و خندید چون فهمید که پیشنهادش بی جا نبوده و بین کلام او و کلام فرشتگان توافقی وجود داشته است.(۱)

از دو احتمال مذکور چنین برداشت می شود که همسر ابراهیم علیه السلام از رویدادهای داخلی قوم لوط به خوبی آگاه بود و با فراست خود، عـذاب آن قوم جفاکار را نیز پیش بینی می کرد و در قلب خود از برچیده شدن بساط کفر و ظلم آنان خشـنود و تنها نگرانی او درمورد چگونگی سرنوشت لوط علیه السلام بوده است.(۲)

مشارکت عملی در امور سیاسی

اشاره

مرتبه بعدی حضور سیاسی بانوان، مشارکت عملی آنان است. این مرتبه نیز خود دارای مراحلی است که در اینجا به مراحل سه گانه این گونه مشارکت در رفتار نمونه های قرآنی اشاره می شود.

دعا برای رهایی از سلطه جائر

مسـلمانان مظلوم و مستضعف مکه برای رهایی از ستمی که از سوی مشرکان قریش برآنان حاکم بود، به درگاه خداوند متعال استغاثه نمودند و

۱- تفسیر کبیر، ج ۱۸، ص ۲۲.
۲- گر چه ممکن است گفته شود که دلیلی برصـحت احتمالات بیان شده وجود ندارد، ولی از آن جا که در بحث های آینده، بالاترین مراحل حضور سیاسـی بانوان نیز به اثبات می رسد، مشارکت قلبی بانوان در امور سیاسـی به عنوان کم ترین فعالیت به طریق اولی ثابت شده است. بنابراین، بیان این احتمالات می تواند مؤید این نحوه از مشارکت سیاسی بانوان به شمار آید.

با این درخواست، اولین مرحله از مشارکت عملی بانوان درصحنه های سیاسی را به منصه ظهور رساندند و خداوند نیز با فرو فرستادن آیه ۷۵ سوره نساء و تحریض مسلمانان به جهاد در راه خدا و آزادسازی آنان، از این مشارکت استقبال و زمینه اجابت دعای ایشان را فراهم ساخت:

وَ ما لَکُمْ لا تُقاتِلُونَ فی سَبیلِ اللّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفینَ مِنَ الرِّجالِ وَ النِّساءِ وَ الْوِلْدانِ الَّذینَ یَقُولُونَ رَبَّنا أَخْرِجْنا مِنْ هذِهِ الْقَرْیَهِ الظّالِمِ أَهْلُها وَ اجْعَلْ لَنا مِنْ لَدُنْکَ وَلِیًّا وَ اجْعَلْ لَنا مِنْ لَدُنْکَ نَصیرًا. (نساء: ۷۵)

و چرا در راه خدا و در راه (آزادسازی) مردان و زنان و کودکان مستعضف که می گویند پروردگارا ما را از این شهری که اهلش ستمگرند، خارج فرما و از سوی خویش برای ما یاری و یاوری بگمار، کارزار نکنید؟

آنان برای آن که پیوند سیاست و دیانت را در نگرش خود به اثبات رسانند، به جای آن که فریاد بزنند که ای مردم با مروت، و یا ای قوم و یا ای بستگان و یا ای کسانی که خود را مرد می دانید، به فریاد ما برسید، با زیباترین لفظ به جای مردم، پروردگار خود را خوانده و عرضه داشتند: پروردگارا! ما را ازاین قریه که اهلش ستمکارند بیرون کن. آن گاه به طور اشاره عرض کردند: خدایا به دست رسولت و مؤمنین به وی که در راه تو جهاد می کنند، ما را نجات بده. از این درخواست فهمیده می شود که از خدا، تمنّای ولی و یاوری کرده اند، اما راضی نشدند خود آن ولی را صدا بزنند، بلکه از پروردگارشان خواسته اند ولی و نصیری به یاریشان بفرستد.(۱)

۱- تفسیرالمیزان، ج ۴، ص ۶۷۳.

در اینجا ممکن است این شبهه مطرح گردد که صرف دعا و خواستن، نمی تواند نمودی از مشارکت عملی به شمار آید و حتی اگر آن را نوعی از مشارکت سیاسی به حساب آوریم، از اهمیت چندانی برخوردار نخواهد بود.

در پاسخ این شبهه باید گفت: نخست این که، این گروه از زنان و مردان و کودکان تنها با دعا به دنبال نتیجه نبودند، بلکه آمادگی هرگونه رویارویی و جنگی را داشته اند و از این رو در دعای خود از خدا طلب ولی و نصیر کردند. در واقع این گروه، تحت فشار شدید مشرکان از هیچ راهی برای دفاع برخوردار نبودند؛ از این رو، تنها راه نجات را در پناه بردن به پناهگاه امن الهی و جنگیدن در رکاب فرماندهی که خداوند برایشان مقرر کند، دانستند. دوم این که، خداوند با نازل کردن این آیه، از دعای این گروه مستضعف به نیکی یاد کرده و مسلمانان را به جهاد در راه آنان فراخواند و سوم این که، خداوند از دعای مستضعفان برای آزادی خود آن چنان خشنود است که صاحب چنین دعای خالصانه ای را الگوی مردان و زنان با ایمان معرفی می نماید:

وَ ضَرَبَ اللّهُ مَثَلاً لِلَّذینَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قالَتْ رَبِّ ابْنِ لی عِنْدَکَ بَیْتًا فِی الْجَنَّهِ وَ نَجِّنی مِنْ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ وَ نَجِّنی مِنَ الْقَوْمِ الظّالِمینَ. (تحریم: ۱۱)

و خداوند درباره مؤمنان مثلی می زند و آن همسر فرعون است که (در اوج سختی کشیدن) گفت پروردگارا! برای من در نزد خودت، خانه ای در بهشت بنا کن و مرا از شر فرعون و عمل او رهایی ده، و از قوم

ستمکار نجاتم بخش.

به ویژه آن که خداوند، هم دعای همسر فرعون را اجابت نموده و او را از عذاب فرعون نجات بخشیده و فرعون و فرعونیان را گرفتار قهر خود ساخت و هم دعای مستضعفان مکه را، که با حاکمیت اسلام، به سیطره قریش در مکه پایان داده شد.

درایت سیاسی

در قرآن کریم جلوه های زیادی از هوشمندی و فراست سیاسی بانوان ترسیم شده که در این قسمت از بحث به بررسی نمونه هایی از آن می پردازیم.

همزمان با آن که مادر موسی علیه السلام فرزندش را در آب نیل رها کرد، برای مراقبت لحظه به لحظه از موسی علیه السلامخواهرش را به دنبال او فرستاد. این دختر با کیاست، به صورت شایسته ای مأموریت خود را انجام داد و با درایت خاصی که از خود نشان داد، سبب شد تا خداوند، موسی را به آغوش مادرش بازگرداند. اولین نمود هوشمندی سیاسی وی آن بود که موسی را دورادور تعقیب می کرد تا کسی متوجه ارتباط او با موسی نشود.

وَ قالَتْ لِأُخْتِهِ قُصِّيهِ فَبَصُرَتْ بِهِ عَنْ جُنُبٍ وَ هُمْ لا يَشْعُرُونَ. (قصص: ۱۱)

(و مادر موسی) به خواهر او گفت پی او را بگیر، آن گاه دورادور اورا می پایید، ولی ایشان در نمی یافتند.

پس از آن که اصحاب فرعون، موسی علیه السلام را از آب گرفته و فرعون با میانجی گری همسرش ازکشتن او و صرف نظر کرد، زنان متعددی را برای شیر دادن وی احضار کردند، ولی موسی علیه السلام از سینه هیچ یک شیر ننوشید

ص: ۱۷۹

تـا آن که فرعون به شـدت محزون گشت. خواهر موسـی که در تمـام مسـیر و در طی این مـدت طولاـنی(۱) به دنبـال موقعیت مناسب بود، شرایط را آماده دید و گفت:

هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلى أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَ هُمْ لَهُ ناصِحُونَ. (قصص: ۱۲)

آیا شما را به خانواده ای راهنمایی کنم که نگهداری او را برای شما بپذیرند و خیرخواه او باشند.

در این هنگام فرعون گفت: آری. و به دنبال مادر موسـی فرستادند(۲) شاید اگر خواهر موسی قدری عجله می کرد و بی مهابا سخن می گفت، ارتباط ماجرا روشن می شد و یا کسی به حرف او اعتنا نمی کرد. او حتی در سخن گفتن خود، دقت بسیار به خرج داد تا ماجرا افشا نشود.

او نگفت: من می توانم شـما را به مادرش راهنمایی کنم و حتی از هر گونه سـخن دیگری که در آن ها ایجاد حساسـیت کند، اجتنـاب نمود و تنهـا گفت: آیـا شـما را به خانواده ای که خیرخواه او بوده و او را نگهـداری کننـد، راهنمایی کنم؟ حساسـیت اصـحاب فرعون در مورد این موضوع به انـدازه ای زیاد بود که حتی با گفتن این جمله نیز در پی کشف مسـئله برآمدنـد، زیرا «هامـان»، وزیر فرعـون هنگـامی که این سـخنان را از خـواهر موسـی شـنید، گفت: این زن می دانـد که این فرزنـد متعلق به چه خانواده ای است، زیرا او گفت آن خانواده ناصح و خیرخواه او هستند. اما این دختر هوشمند به

۱- ۱..ــ در روایت آمده که سه روز طول کشـید تا موسـی علیه السـلام به مادرش بازگردانده شد. تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۳۷۹.

۲- تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۳۷۹.

آن ها گفت: منظورم آن بود که آن خانواده خیرخواه ملک (فرعون) هستند! اینجا بود که سخن او را پذیرفته و بدون آن که بویی از ماجرا ببرند، او را به دنبال مادر موسی فرستادند.(۱)

خواهر موسی فراست و هوش سیاسی را از مادرش به ارث برده بود؛ هنگامی که این دختر به سوی مادر رفت و او را به کاخ فرعون برد، موسی علیه السلام با استشمام بوی مادر، سینه او را گرفت و از گریه بازایستاد، گفته شده است که فرعون به مادر موسی گفت: چگونه شیر تو را نوشید، ولی سینه زنان دیگر را به دهان نگرفت؟ مادر موسی گفت: چون من زنی خوشبو و دارای شیری پاکیزه و نیکوهستم، هیچ کودکی را برای شیر دادن به من نمی سپارند، مگر آن که از شیر من می نوشد، فرعون چون این سخن را شنید، مسرور گشت.(۲) مهم تر آن که، مادر موسی علیه السلام با وجود چندین روز دوری از فرزندی که خدا به او زندگی دوباره بخشیده بود و با وجود عاطفه شدید نسبت به فرزند خود، هنگام دیدار با او، کوچک ترین تغییری در حالت خود بروز نداد و همین رفتار عادی او بود که به پنهان ماندن ماجرا کمک کرد.

نمونه دیگر درایت سیاسی را در ملکه سبا می توان یافت. او هنگامی که با سران قوم خود درباره نامه سلیمان علیه السلامو نحوه موضع گیری در برابر این نامه مشورت نمود، آنان با گزارش ازتجهیزات نظامی خود، آمادگی خود را برای رویارویی با سلیمان اعلام کردند. اما این بانوی هوشمند در

۱- تفسیر مجمع البیان، ج ۴، ص ۳۸۱.
۲- همان.

جواب آنان گفت:

إِنَّ الْمُلُوکَ إِذا دَخَلُوا قَرْیَهً أَفْسَدُوها وَ جَعَلُوا أَعِزَّهَ أَهْلِها أَذِلَّهً... (نمل: ۳۴)

همانا پادشاهان چون به شهری درآیند، آن را به تباهی کشند و گران قدران اهلش را بی مقدار گردانند...

این رأی صایب و نظر درست ملکه سبا با تأیید الهی همراه شد که خداوند در ادامه سخن او فرمود:... «و کذلک یفعلون» (و این گونه عمل کنند).(۱)

هم چنان که در چند آیه بعد، حضرت سلیمان علیه السلام نیز این پیش بینی بلقیس را تأیید نموده و گفت:

فَلَنَأْتِیَنَّهُمْ بِجُنُودٍ لا قِبَلَ لَهُمْ بِها وَ لَنُخْرِجَنَّهُمْ مِنْها أَذِلَّهً وَ هُمْ صاغِرُونَ. (نمل: ۳۷)

... به سر آنان لشکری آوریم که تاب پایداری در برابر آن را نداشته باشند و آنان را خوار و زبون از آنجا آواره کنیم.

استقبال از خطر

اوج مشارکت سیاسی بانوان در وجود حضرت فاطمه علیهاالسلام جلوه گر شده است، زیرا او در حساس ترین صحنه مبارزه سیاسی و اعتقادی، رسول خدا را تنها نگذاشت و با شرکت در عرصه سرنوشت ساز مباهله، آمادگی خود را در استقبال از هر خطری برای حفظ کیان دین و پشتیبانی از رسول خدا صلی الله علیه و آله به اثبات رساند؛ از این رو، در آیه شریفه(۲) از اهل بیت پیامبر

۱- تفسیرنورالثقلین، ج ۴، ص ۸۶.

۲- «فمن حاجک فیه من بعد ما جائک من العلم فقل تعالوا ندع ابناءنا و ابناءکم و نساءنا و نساءکم و انفسنا و انفسکم ثم نبتهل فنجعل لعنت اللّه علی الکاذبین»، آل عمران: ۶۱.

صلی الله علیه و آلهتعبیر به انفس و نساء و ابناء شده و از بین همه مردان و زنان و فرزندان، تنها علی، فاطمه و حسنین علیهم السلام، جان رسول خدا، زن منتسب به رسول خدا و فرزندان رسول خدا خوانده شده اند.

گفتار دوم: مشارکت سیاسی بانوان به عنوان عضوی از امت۱

اشاره

مشارکت سیاسی بانوان به عنوان عضوی از امت(۱)

قرآن کریم حضور سیاسی بانوان را در نقش امت به دو گونه ترسیم نموده است. در بخشی، الگوهای مثبت مشارکت سیاسی را به نمایش در آورده و زنان را به انجام چنین مشارکتی ترغیب نموده و در بخش دیگر، به تشریح عملکرد نادرست الگوهای منفی پرداخته و با اعلام نارضایتی خود ازاین گونه رفتار سیاسی، زنان را از انجام چنین حرکاتی بازداشته است.

دراین قسمت ابتدا به تشریح الگوهای مثبت و سپس به بررسی الگوهای منفی مشارکت سیاسی زنان خواهیم پرداخت.

الگوی مثبت مشارکت سیاسی بانوان

اشاره

نقش بانوان در ایجاد و استمرار حکومت الهی در جامعه، بسیار مهم و مؤثر است.

مشارکت بانوان در پایه گذاری حکومت الهی

بانوان مؤمن برای برقراری حکومت عدل و رهایی از چنگال ظالمان و ستمگران، از خداوند درخواست رهبر و نیروی انسانی کردند و از آن جا

۱- امت، شامل مردمی است که دارای عقیده و طرز فکر و هدف و راه مشترک و واحدی باشند. در نظام سیاسی و حکومت اسلامی، امت جای خلق یا ملت را گرفته و امت اسلامی، عبارت است از جامعه مسلمان تحت حکومت اسلامی. در حکومت اسلامی تنها عاملی که عضویت در امت و تابعیت را تحقق پذیر می سازد، ایمان به اسلام است. علی آقا بخشی، با همکاری مینو افشاری راد، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: مرکزاطلاعات و مدارک علمی ایرنا، ۱۳۷۴، ص ۳۴۸.

که برای براندازی حکومت ظالم و ایجاد حکومت عدل گستر، پیش از هرچیز، رهبر و سرپرست شایسته و دلسوز لازم است و سپس یار و یاور و نفرات کافی، در درخواست خود از خدا، ابتدا به رهبر و سپس به یاور و نیروی انسانی اشاره نمودند:(۱)

وَ ما لَکُمْ لا تُقاتِلُونَ فی سَبیلِ اللّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفینَ مِنَ الرِّجالِ وَ النِّساءِ وَ الْوِلْدانِ الَّذینَ یَقُولُونَ رَبَّنا أَخْرِجْنا مِنْ هذِهِ الْقَرْیَهِ الظّالِمِ أَهْلُها وَ اجْعَلْ لَنا مِنْ لَدُنْکَ وَلِیًّا وَ اجْعَلْ لَنا مِنْ لَدُنْکَ نَصیرًا. (نساء: ۷۵)

آنان در طلب ولی و نصیر از خدا قید «من لدنک» را اضافه کرده و با آن، ویژگی رهبر و یاور مورد درخواست خود را الهی بودن آنان دانسته اند.

نمونه دیگر ایفای این نقش را می توان در تلاش فراوان مادر و خواهر موسی علیه السلام در مراقبت ازجان او مشاهده کرد. مادر موسی علیه السلام که با الهام الهی از آینده موسی و نقش او در براندازی حکومت ظالمانه فرعون و برپایی حکومت الهی آگاه شده بود، تمام تلاش خود را برای حفظ جان و نگهداری از موسی علیه السلام به کار برد و با عمل دقیق به آن چه خداوند از او خواسته بود، زمینه رسالت موسی را فراهم آورد. هم چنان که خواهر موسی نیز با دلسوزی تمام و درایت کامل و با عمل به دستور مادر در پی گیری سرنوشت موسی، مادر را در انجام این مهم یاری داد.(۲)

مشارکت بانوان در استمرار حکومت الهی

یکی از زنان نمونه ای که هم در ایجاد حکومت الهی رسول خدا صلی الله علیه و آله و

۱- تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۱۱.
۲- طه: ۳۸ تا ۴۰.

هم در استحکام و استمرار آن بسیار نقش داشت، حضرت خدیجه علیهاالسلام همسر وفادار آن حضرت بود. او در زمانی که پیامبر از نظر مالی بسیار تحت فشار بود، دارایی سرشار خود را در اختیار هدف و راه رسول خدا قرار داد و تا پای جان نیز ازآن حضرت دفاع کرد. قرآن کریم نیز با اشاره به حمایت مالی خداوند از پیامبر صلی الله علیه و آله،(۱) این مطلب را تأیید می کند که خداوند مال خدیجه را سبب نصرت و یاری مادی او در راه برقراری و تثبیت حکومت الهی قرار داد.(۲)

هم چنین زنان در صدر اسلام دوشادوش مردان، با رسول خدا صلی الله علیه و آله بیعت می کردند و با این بیعت، پیمان می بستند که به آن چه که پیغمبر فرموده است، عمل کنند و یا پیمان می بستند که از آن حضرت پشتیبانی کنند. تشریفات بیعت چنین بود که پیامبر دستور فرمودند تا ظرفی پر از آب آوردند، مقداری عطر در آن ریختند، سپس حضرت دست خود را میان آن ظرف گذاردند و آیه ای که مواد این پیمان را در برداشت، تلاوت کردند، آن گاه ازجای خود برخاستند و به زنان فرمودند: «هر کس حاضر است با شرایط یادشده، با من بیعت کند، دست در میان ظرف آب کرده و به طور رسمی، وفاداری خود را به مواد این پیمان اعلام کند.»(۳) قرآن کریم مواد این پیمان را این گونه بیان می کند:

یا أَیُّهَا النَّبِیُّ إِذا جاءَکَ الْمُؤْمِناتُ یُبایِعْنَکَ عَلی أَنْ لا یُشْرِکْنَ بِاللّهِ شَیْئًا وَ

۱- ۱..ــ ضحی: ۸ .

۲- طنطاوی جوهری، الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم، مصر: مطبعه مصطفی البابی و اولاده، ۱۳۵۰ ق، ج ۱۳، ص ۲۰۶.

۳- هاشم البحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: چاپخانه آفتاب، ج ۴، ص ۳۲۶.

لاـ يَسْرِقْنَ وَ لاـ يَزْنينَ وَ لا يَقْتُلْنَ أَوْلادَهُنَّ وَ لا يَأْتينَ بِبُهْتانٍ يَفْتَرينَهُ بَيْنَ أَيْديهِنَّ وَ أَرْجُلِهِنَّ وَ لا يَعْصينَكَ فى مَعْرُوفٍ فَبايِعْهُنَّ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللّهَ إِنَّ اللّهَ غَفُورٌ رَحيمٌ. (ممتحنه: ۱۳)

ای پیامبر! وقتی که زنان مؤمن می آیند که با تو بیعت کنند که هرگز شرک به خدا نیاورند، سرقت و زنا نکنند و اولاد خودرا به قتل نرسانند و بر کسی افترا و بهتان نبندند و فرزند را به دیگری نسبت ندهند و با تو در امر نیك و معروفی مخالفت نکنند، به این شرایط با آن ها بیعت کن و برایشان از خدا، غفران طلب نما.

زنان با این شرایط، با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیعت کردند و البته پیشاهنگ این حرکت مبارك، «فاطمه بنت اسد»، مادر حضرت علی علیه السلام بود.(۱) دقت در محتوای این پیمان نشان می دهد که مواد بیعت، جنبه اختصاصی برای زنان نداشته است، بلکه این مواد از وظایف و تعهدات مشترك زنان و مردان مسلمان است، همچون نفی شرك، دوری از سرقت و زنا و تعهد بر پیروی از دستورهای پیامبر. بنابراین، بیعت پیامبر با زنان، همان پیمانی بوده است که حضرت در گذشته با مردان نیز داشته اند و مفاد آن تغییری نداشته است.

الگوی منفی مشارکت سیاسی بانوان

اشاره

قسمت اصلی مباحث مربوط به مشارکت سیاسی بانوان در نقش امت به ترسیم الگوهای منفی این نحوه از حضور سیاسی بانوان اختصاص یافته است. قرآن کریم، هم چنان که در پی آن است تا پای زنان را به شرکت در

۱- تفسیر برهان، ج ۴، ص ۳۲۶.

صحنه هـای مهم سیاسـی باز کنـد، به دنبال آن است که آنان را از بیراهه رفتن بازداشـته و با بیان سـرگذشت تلـخ زنانی که از بصـیرت لازم برای اتخاذ خط مشـی سیاسی برخوردار نبوده و به جای بهره بردن خود و جامعه از دخالتشان در سیاست، آسیب هـای جـدی به بـار آورده انـد، بـانوان را به عبرت آموزی از آن و آگـاهی و تشـخیص درست شـرایط سیاسـی فراخوانـده و از هرگونه حرکت نسنجیده و خالی از آگاهی لازم بر حذر داشته است.

نمونه بارز جهالت سیاسـی را می توان در مخالفت با رهبران الهی و دستورهای آنان مشاهده کرد. این گونه مخالفت ها که در قـالب هـای گونـاگونی صورت گرفته است، بیشتر در راسـتای تضـعیف و تزلزل پـایه های حکومت الهی اعمال شـده است که دراین بخش از تحقیق به بررسی آن می پردازیم.

خیانت به ولی خدا

اشاره

از مشـخصات بارز زنانی که در قرآن از حضور سیاسـی آنان به بـدی یاد شـده، خیانت آن ها به اولیای الهی و افشای راز آنان برای دشـمنان و مخالفان است. قرآن کریم برای این خیانت آشکار، نمونه های متعددی بیان کرده که به بعضـی از آن ها اشاره می شود.

همسر نوح

قرآن کریم در تشریح رفتار ناشایست همسر نوح، او را به خیانت به نوح متهم ساخت:

ضَرَبَ اللّهُ مَثَلًا لِلَّذینَ کَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ کانَتا تَحْتَ عَبْدَیْنِ مِنْ عِبادِنا صالِحَیْنِ فَخانَتاهُما ... (تحریم: ۱۰)

خداوند درباره کافران مثلی می زند، و آن همسر نوح است و همسر لوط

ص: ۱۸۷

که در حباله دو بنده از بندگان شایسته ما بودند و به ایشان خیانت کردند... .

در مورد خیانت همسر نوح گفته شده که او آن ولی خدا را «مجنون» می خواند و به وسیله ارتباطی که با ستمگران زمان نوح داشت، آنان را از ایمان کسانی که به نوح ایمان آورده بودند، آگاه می ساخت و ستمگران نیز آنان را دچار فتنه کرده و یا به قتل می رساندند.(۱)

همسر لوط

قرآن کریم درآیه ۱۰ سوره تحریم، همسر لوط را نیز خائن به بنده شایسته الهی معرفی کرده است. خیانت آن زن نیز به این بوده که هر گاه مهمانی برای لوط وارد می شد، مردم را از آمدن آنان آگاه می کرد. نحوه اطلاع رسانی او نیز این گونه بوده است که با دست زدن(۲) و یا برپاکردن دود در روز و روشن کردن آتش در شب بر روی بام، ورود مهمانان را به خانه همسرش خبر می داد(۳) و در این هنگام، مردان فاسد قوم لوط برای انجام عمل زشت هم جنس بازی به سوی خانه لوط سرازیر می شدند. در آخرین مورد نیز هنگامی که جبرئیل و فرشتگان برای عذاب قوم لوط وارد منزل او شدند، وی به همسرش گفت که این راز را پوشیده دارد و او نیز نپذیرفت، و با آتش روشن کردن روی بام، مردم را آگاه کرد و به سوی

۱- تفسیر کشف الاسرار، ج ۱۰، ص ۱۶۱.

۲- از امام صادق علیه السلام در مورد شیوه اطلاع رسانی همسر لوط سؤال شد. آن حضرت فرمود:وی از خانه خارج می شد و دست می زد و آنان با شنیدن صدای کف می آمدند. به همین دلیل، کف زدن مکروه داشته شده است. تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۳۷۶.

۳- تفسیر مجمع البیان، ج ۴، ص ۶۸۶ .

خانه لوط فراخواند.(۱) او هنگـامی که مردم را دیـد، به آن هـا گفت: افرادی به منزل مـا آمـده انـد که تـاکنون به زیبارویی و خوش لباسی و خوشبویی آنها ندیده ام(۲)، و با گفتن این کلمات آنان را به انجام این کار ناشایست تحریک نمود.

همسر ابی لهب

قرآن کریم از ام جمیـل، همسـر ابولهب نیز نامی به نیکی نبرده و او را «حماله الحطب»(۳) «آتش افروز معرکه» نام نهاده است. او علیه رسول خدا صـلی الله علیه و آله سـخن چینی می کرد و احادیث و سـخنان رسول خدا صـلی الله علیه و آله را برای کفار می برد.(۴)

حفصه؛ دختر عمر

رسول خـدا صـلی الله علیه و آله رازی را با همسـرش در میان گـذاشت و به او سـفارش کرد که این مطلب را برای کسـی فاش نسازد، ولی او رازداری نکرد و آن سخن را برای دیگری فاش کرد:(۵)

وَ إِذْ أَسَرَّ النَّبِيُّ إِلى بَعْضِ أَزْواجِهِ حَديثًا فَلَمّا نَبَّأَتْ بِهِ ... (تحریم: ۳)

و چنین بود که پیامبر سخنی را پوشیده وار به بعضی از همسرانش گفت، و چون آن را (آن زن به زن دیگر) خبر داد ...

خیـانت آن زنـان به پیامبر صـلی الله علیه و آله که در راسـتای رویارویی با آن حضـرت انجام شـد، آن چنان با واکنش سـخت قرآن کریم روبه رو گردید که آن ها را

۱- همان، ص ۶۸۷ .

۲- تفسیر کبیر، ج ۱۸، ص ۲۷.

۳- مسد: ۴.

۴- تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۴۸.

۵- تمـامی روایـات اتفاق دارنـد که منظور از آن دو زن، حفصه و عایشه دو همسـر رسول خداینـد. تفسـیر المیزان، ج ۱۹، ص ۵۵۵.

منحرف از حق دانسته و در این رویارویی ایشان را در برابر خدا، جبرئیل، صالح ترین مؤمنان و فرشتگان قرار داده است:

إِنْ تَتُوبا إِلَى اللّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُکُما وَ إِنْ تَظاهَرا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللّهَ هُوَ مَوْلاهُ وَ جِبْرِيلُ وَ صالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمَلائِکَهُ بَعْدَ ذلِکَ ظَهِيرٌ. (تحریم: ۴)

اگر شما دو زن به درگاه خداوند توبه کنید، و به راستی هم دل های شما (از طاعت خداوند و پیامبر او در این امر) برگشته است (از گناه شما در می گذرد) و اگر در برابر او همدستی کنید، بدانید که خداوند یاور اوست و جبرئیل و صالح(ترین) مؤمنان و افزون بر آن، فرشتگان هم پشتیبانند.

پس مسلم شد که این دو زن، رسول خدا صلی الله علیه و آله را آزردند و علیه او دست به دست هم دادند و این کار، از گناهان کبیره است، به دلیل این که فرمود:

إِنَّ الَّذينَ يُؤْذُونَ اللّهَ وَ رَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللّهُ فِی الدُّنْيا وَ الْآخِرَهِ وَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذابًا مُهينًا. (احزاب: ۵۷)

هر آینه کسانی را که خدا و پیامبرش را آزار می دهند، خدا در دنیا و آخرت لعنت کرده و برایشان عذابی خوارکننده مهیا کرده است.

و نیز فرموده است:

وَ الَّذينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللّهِ لَهُمْ عَذابٌ أَليمٌ. (توبه: ۶۱)

و کسانی که رسول خدا را بیازارند، به شکنجه ای دردآور گرفتار خواهد شد.

و به همین دلیل، خداوند خیانت به رهبری الهی را گناهی بسیار بزرگ دانسته و مرتکب آن را مستحق آتش دوزخ شمرده است:

ضَرَبَ اللّهُ مَثَلًا لِلَّذينَ کَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ ... فَخانَتاهُما ... وَ قيلَ ادْخُلاَ النّارَ مَعَ الدّاخِلينَ. (تحریم: ۱۰)

ص: ۱۹۰

خداونـد دربـاره کـافران، زن نوح و لوط را مثـال زد... آن زنـان به ایشان خیانت کردنـد... و به آنان گفته شود که همراه سایر وارد شوند گان، وارد آتش جهنم شوید.

این مثال بیان می کنـد که اگر آنان چنین شدنـد، به خاطر خیانتی بود که به خدا و رسولش کردند و سـرانجام خیانت به خدا و رسول همین است؛ از هر کسـی که سـر بزنـد، هر چنـد که وابسـته و متصل به انبیاء باشـد. در این تمثیل، تعریض سـختی به دو همسـر رسول خـدا صـلی الله علیه و آله شده که آن دو نیز به آن جناب خیانت کردند و سـرّ او را فاش ساخته، علیه او دست به دست هم دادند و اذیتش کردند و به ویژه وقتی می بینیم سـخن از کفر و خیانت و فرمان (داخل دوزخ شوید) دارد، می فهمیم که این تعریض تا چه حـد شدید است.(۱) خداوند، هم چنین جزای خیانت همسـر ابولهب به رسول خدا صـلی الله علیه و آلهرا نیز، ورود در آتش شعله ور جهنم دانسته است:

تَبَّتْ یَدا أَبی لَهَبٍ وَ تَبَّ ما أَغْنی عَنْهُ مالُهُ وَ ما کَسَبَ سَیَصْلی نارًا ذاتَ لَهَبٍ وَ امْرَأَتُهُ ... (مسد: ۱ ـ ۴)

بریده باد دستان ابولهب، و خود او هم نابود باد زود است که به آتشی شعله ور درآید و همسرش...

قرآن کریم در بیان جزای خیانت به رهبری دینی، تنها به عذاب در جهنم بسـنده نکرده، بلکه چنین افراد خائنی را الگو و نمونه برای همه مردان و زنان کافر معرفی نموده و به این ترتیب، تصویر کامل کفر را در چهره زنان خائن به ولی خـدا ترسـیم نموده است. «ضَرَبَ اللّهُ مَثَلًا لِلَّذینَ کَفَرُوا

۱- تفسیر المیزان، ج ۱۹، ص ۵۷۵.

امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ ... فَخانَتاهُما ...»(۱)

از این جا معلوم می شود که این زنان در حقیقت کافر بودند و همان کفرشان باعث شد تا اسرار اولیای الهی را فاش کنند، چنان چه حتی در مورد زنان رسول خدا نیز فرمود: «چه بسا اگر شما را طلاق دهد، پروردگارش برای او همسرانی بهتر از شما جانشین گرداند که زنانی مسلمان، مؤمن و... باشند».(۲) که در این آیه نیز تعریض به ضعف ایمان آنان در افشای اسرار رسول خدا صلی الله علیه و آله شده است. هم چنان که در طرف مقابل نیز قوت ایمان مادر موسی، مانع از آن شد که وی اسرار این ولی الهی را بر ملا گرداند:

وَ أَصْبَحَ فُؤادُ أُمِّ مُوسى فارِغًا إِنْ كادَتْ لَتُبْدى بِهِ لَوْ لا أَنْ رَبَطْنا عَلى قَلْبِها لِتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنينَ. (قصص: ۱۰)

قلب مادر موسی علیه السلام به سبب وحی، از ترس و اندوهی که باعث می شد سرّ فرزندش فاش گردد، خالی شد. آری! اگر ما قلب او را به وسیله وحی تثبیت نمی کردیم و وثوق به محافظت خداوند از موسی پیدا نمی کرد، نزدیک بود که سرگذشت فرزندش را با جزع و فزع اظهار نماید.

شایعه پردازی

اشاره

در بخش سوم و در بحث از «انتساب های ناروا» به الگوهای منفی زنان اشاره شد و نقش برخی زنان در ایراد اتهام به حضرت یوسف علیه السلام و یکی از همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله مورد بررسی قرار گرفت، ولی از آن

۱- تحریم: ۱۰.

۲- همان، ۵.

رو که در آن بحث، بعـد اخلاـقی شـایعه پردازی مورد توجه بود، لاـزم است در این فصل و در بحث مربوط به الگوهای منفی مشـارکت سیاسـی، ابعـاد سیاسـی شـایعه پردازی نیز بررسـی شود؛ از این رو، در این جا به طرح ویژگی های گوناگون پدیـده شایعه سیاسی و وظیفه مردان و زنان مؤمن در برخورد با آن می پردازیم.

اهداف سیاسی شایعه پردازان

شخص یا رسانه شایعه پرداز که خبر و موضوع تأییـد نشـده ای را بـدون در نظر گرفتن درستی و نادرستی آن اشاعه می دهـد، گر چه در جعـل نسـبت به افراد ممکن است از نظر روانی به دنبـال توجیه و تسـکین هیجانـات عـاطفی مزاحم عـارض بر انسان باشد،(۱) ولی آن هنگـام که در جعـل اتهامـات، به شـکل مسـتقیم یـا غیرمسـتقیم، رهبری یک حکومت یا طرز فکری را مورد هـدف قرار دهد، به طور مشـخص کینه توزی خود را نسـبت به آن نظام حکومتی و فکری ابراز داشـته و در پی آن است که با پخش شایعات بی اساس و بدنام نمودن الگوی آن نظام در بین مردم، مقدمات نابودی آن را فراهم آورد.

هم چنان که منافقان در جریان «افک» و ایراد اتهام اخلاقی به همسـران پیامبر صلی الله علیه و آله به دنبال آن بودند که ساحت مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را لکه دار کنند و با این شیوه محبوبیت بسیار زیاد آن حضرت را در قلب های مسلمانان کاهش داده و مقدمات شکست اسلام و حکومت اسلامی را فراهم نمایند.

۱- فرهنگ علوم سیاسی، ص ۲۹۹.

شایعه سیاسی؛ محصول تشکل سیاسی

به طور طبیعی، آن گاه که لبه تیز اتهامات متوجه یک نظام حکومتی و ریاست آن باشد، شایعه پردازی به صورت فردی کمتر به نتیجه می رسد و در چنین مواردی معمولاً تشکل های ناصالح سیاسی هستند که با شعار «هدف، وسیله را توجیه می کند» با یک کار کاملاً گروهی و حساب شده، به نشر شایعات برای آلوده ساختن نظام حکومتی می پردازند.

قرآن کریم، ماجرای «افک» و توطئه علیه پیامبر صلی الله علیه و آله را نیز کاری جمعی و متشکل توصیف کرده است:

إِنَّ الَّذینَ جاؤ بِالْإِفْکِ عُصْبَهٌ مِنْکُمْ. (نور: ۱۱)

کسانی که تهمت ناپاکی را در میان آوردند، جماعتی از شما هستند.

راغب می گوید: کلمه «عصبه» به معنی جماعت دست به دست هم داده و متعصب است.(۱) و بعضی دیگر گفته اند که «عصبه» برای عدد ده تا چهل استفاده می شود.(۲)

ازاین جا معلوم می شود که شایعه سازان، گروهی اندک بوده که با تبانی، توطئه کردند تا با نشر این دروغ، قداست و نزاهت رسول خدا صلی الله علیه و آله را زیر سؤال برده و او را در میان مردم رسوا سازند. نکته مهمی که قرآن کریم بر آن تأکید دارد، آن است که شایعه پردازان، افرادی برخاسته از متن جامعه هستند: «ان الذین جاؤوا بالافک عصبه منکم»

۱- المفردات فی غریب القرآن، ص ۳۳۶.

۲- شهاب الدین محمود الالوسی البغدادی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت: دارالحیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ ق ج ۱۸، ص ۱۱۴.

کلمه «منکم» در آیه بالاـ بیـانگر این مطلب است که حتی اگر اصـل پردازش شـایعه توسط نیروهای بیگانه انجام گرفته باشـد، بـدون دخـالت و همیاری گروهی از افراد خودی، در راسـتای پخش شایعه و گسترش آن، کمتر به توفیق دست خواهنـد یافت. بنـابراین، حتی شـایعه سـازان بیگـانه برای نیـل به هـدف، به گروهی متشـکل و متعصّب در داخل نظام حکومتی نیازمندنـد که آگاهانه شایعات ساخته شده را در جامعه گسترش دهند.

مردم ناآگاه؛ عامل نشر شایعه

مهم ترین عـاملی که به نشـر شـایعه در جامعه کمک می کنـد، شـرکت ناآگاهانه مردم در پخش اکاذیب علیه خودشان است. دشـمن زیرک، خود آن ها را ابزار علیه خودشان قرار می دهـد؛ یک داسـتان جعل می کنـد، بعد این داسـتان رابه زبانشان می انـدازد تا خود قصه ای را که دشـمن به زبان آن ها جعل کرده، بازگو کنند. نباید مردم این قدر ناآگاه باشـند که حرفی را که دشـمن ساخته، ندانسـته بازگو کنند و در حقیقت، خواسـته دشمن آن است که این مطالب پخش شود. قرآن کریم وظیفه مردم را دفن این شایعات با استفاده از حربه سکوت دانسته و از زنان و مردان مؤمن خواسته که داستان های جعلی را حتی برای یک نفر هم بیان نکنند. قرآن، هم چنین جریان «افک» را با همه تلخی اش، در بردارنده نتیجه خیر برای جامعه اسلامی می داند: «ان الذین جاؤوا بالافک عصبه منکم لاتحسبوه شرا لکم بل هو خیر لکم...»

یکی از دلایل «خیر» خواندن این ماجرای تلخ در بخش سوم بیان شد و آن، مشخص شدن صفوف مؤمنان از منافقان بود. فایده دوم این داستان این است که اشتباه مسلمانان در پخش ساده لوحانه و ناآگاهانه شایعه

مشخص شد. اشتباه گروه زیاد مردم مسلمان آن بود که حرفی را که یک جمعیت اندک جعل کردند، ساده لوحانه از آن ها شنیدند و بعد که به هم رسیدند، گفتند: چنین حرفی شنیدم. آن یکی گفت: من هم شنیدم. دیگری گفت: نمی دانم، خدا عالم است. باز این برای او نقل کرد و نتیجه این شد که جامعه مسلمان، ناآگاهانه بلندگوی یک جمعیت چند نفری شد. داستان «افک» که به وجود آمد بیدار باشی عجیب بود. همه مردم چشم ها را به هم مالیده و با خود گفتند: از یک طرف آن ها را شناختیم و از طرف دیگر خودمان را شناختیم. ما چرا چنین اشتباه بزرگی را مرتکب شدیم، چرا ابزار دست این ها شدیم؟ و برای آن که این درس برای همیشه بماند و مردم برای همیشه درس بگیرند، آن را در خود قرآن آورد و از آن به «خیر» تعبیر نمود.(۱)

وظیفه زنان در برخورد با شایعه

با توجه به آسیب های سخت و جبران ناپذیری که ازگسترش شایعات در راستای تضعیف حکومت اسلامی و رهبری آن به جامعه اسلامی وارد می شود، قرآن کریم، زنان و مردان مؤمن را به آگاهی و هوشیاری در شنیدن شایعات فراخوانده، آنان را موظف ساخته است که:

نخست: هم چنان که اگر کسی شایعه ای در مورد خود شنونده به او بگوید، مخاطب هرگز آن را نمی پذیرد و باور نمی کند، شایعاتی را نیز که درباره دیگر مؤمنان می شنود نباید قبول کند زیرا مؤمنان، همه یک پیکر

۱- مرتضی مطهری، آشنایی با قرآن، جلد ۴، تفسیر سوره نور، قم، صدرا ۱۳۶۹ _ ۱۳۶۸، ص ۳۱.

واحد را تشکیل می دهند، و همان طور که هیچ فرد مؤمنی به خود بدگمان نیست، نباید نسبت به مؤمنان دیگر گمان بد ببرد:

لَوْ لا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِناتُ بِأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا. (نور: ۱۲)

چرا چون آن [بهتان] را شنیدید، مردان و زنان مؤمن در حق خویش گمان نیک نبردند؟...

دوم: همان گونه که هر فردی شایعات بی اساسی را که به او نسبت داده اند، بی مهابا تکذیب می کند، لازم است اتهاماتی را که به برادران و خواهران ایمانی او زده می شود، بی درنگ تهمت بنامد:

چرا چون آن را شنیدید... مردان و زنان مؤمن آن را تهمت آشکار نخواندند؟

سوم: شایعه پردازان لازم است برای اثبات مدعای خود، دلیل اقامه کنند. در غیر این صورت، مؤمنان باید بدانند که آنان در قانون الهی دروغگو به شمار می آیند.

لَوْ لا جاؤُ عَلَيْهِ بِأَرْبَعَهِ شُهَداءَ فَإِذْ لَمْ يَأْتُوا بِالشُّهَداءِ فَأُولئِکَ عِنْدَ اللّهِ هُمُ الْکاذِبُونَ. (نور: ۱۳)

چرا بر آن، چهار گواه نیاوردند، و چون گواهان را نیاوردند، اینان نزد خداوند دروغگو هستند.

البته از آن جا که اتهام در مورد «افک» اتهام ناموسی بود، لازم بود برای اثبات آن، چهار شاهد اقامه کنند، ولی از آیه استفاده می شود که لازم است از شایعه پردازانی که قصد تخریب فضای سالم جامعه اسلامی را دارند، درخواست شاهد شود و گرچه شاهد با اختلاف شرایط، صورت های مختلفی پیدا می کند، اما ضروری است که شایعه سازان دلیل قاطعی بر مدعای خودبیاورند.

چهارم: قرآن کریم به کسانی که شنونده شایعه هستند تذکر می دهد که هم چنان که شما اتهامات واهی و بی اساس را که به خودتان نسبت داده اید، هرگز برای دیگری نقل نمی کنید، لازم است که از پخش کردن تهمتی که به برادر یا خواهر مؤمن شما زده شده و به آن علم ندارید، به طور جدی پرهیز نمایید، زیرا آن گناهی بسیار بزرگ است:

إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِأَلْسِنَتِکُمْ وَ تَقُولُونَ بِأَفْواهِکُمْ ما لَیْسَ لَکُمْ بِهِ عِلْمٌ وَ تَحْسَبُونَهُ هَیِّناً وَ هُوَ عِنْدَ اللّهِ عَظیمٌ. (نور: ۱۵)

آن گاه که از زبان همدیگر فرا می گرفتیدش و دهان به دهان چیزی را که به آن علم نداشتید، می گفتید و آن را آسان می پنداشتید، حال آن که آن نزد خداوند سترگ است.

پنجم: مؤمنان نه تنها باید از پذیرش و نقل شایعه پرهیز نمایند، بلکه لازم است با کسانی که به قصد آلوده ساختن و در نهایت برانداختن نظام اسلامی و رهبری آن تلاش می کنند، به شدت برخورد کنند و ضمن بازداشتن ایشان از مطرح کردن چنین موضوعاتی، سخنان بی دلیل ایشان را «بهتانی عظیم»(۱) بنامند:

وَ لَوْ لا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ ما یَکُونُ لَنا أَنْ نَتَکَلَّمَ بِهذا سُبْحانَکَ هذا بُهْتانٌ عَظیمٌ. (نور: ۱۶)

و چرا چون آن را شنیدید، نگفتید که ما را نرسد که در این باره سخن گوییم، پاکا که تویی، این بهتانی بزرگ است.(۲)

ص: ۱۹۸

۱- تهمت را از آن رو «بهتان» نامیده اند که شخص مورد اتهام از شنیدنش «مبهوت» می گردد.

۲- به نظر می رسد که جمله «و قالوا هذا افک مبین» در آیه ۱۲ جمله ای است که شنونده شایعه با خود می گوید و آن را در نزد خود تهمت می پندارد، در حالی که جمله «هذا بهتان عظیم» در آیه مورد بحث، نشانگر واکنش او در برابر شایعه ساز است که لازم است به محض سخن گفتن از شایعه، او را از ادامه دادن آن نهی و مطالب او را بهتان بزرگ بنامد.

دشمن آشکار

در آخرین مرحله از مراتب مخالفت با رهبران الهی، به دشمنی صریح و آشکار برخی از زنان با آنان می رسیم که در این مرحله نیز یا با زبان، دشمنی خود را با اولیای خدا ابراز نموده و یا فراتر از آن و با عمل، سعی در اذیت و آزار آنان داشته اند.

مصداق دشمنی زبانی را در همسر کافر نوح می یابیم که با مجنون خواندن این پیامبر بزرگ الهی(۱) آشکارا به رویارویی با او پرداخته و به جرم خیانت به وی به عذاب الهی محکوم گردید.(۲)

ام جمیل، همسر ابولهب نیز به عنوان مجسمه و الگوی دشمنی عملی با رسول خدا صلی الله علیه و آله معرفی شده است:

وَ امْرَأَتُهُ حَمّالَةَ الْحَطَبِ فی جیدِها حَبْلٌ مِنْ مَسَدٍ. (مسد: ۴ و ۵)

و زنش هیزم کش است و ریسمانی از لیف خرمای تافته برگردن دارد.

ظاهرا مراد از این دو آیه این است که همسر ابولهب به زودی در آتش دوزخ در روز قیامت به همان هیئتی در خواهد آمد که در دنیا به خود گرفته بود. در دنیا شاخه های خار بن و بته هایی دیگر را با طناب می پیچید و حمل می کرد و شبانه آن ها را بر سر راه رسول خدا صلی الله علیه و آله می ریخت تا به این وسیله آن حضرت را آزار دهد، در آتش هم با همین حال یعنی

۱- تفسیر کشف الاسرار، ج ۱۰، ص ۱۶۱.

۲- تحریم: ۱۰.

طناب به گردن و هیزم به پشت عذاب می شود.(۱)

با پایان یافتن این مرحله از تحقیق و بررسی ویژگی ها و مشخصات الگوهای منفی مشارکت زنان در امور سیاسی از دیدگاه قرآن کریم، می توانیم به این سؤال تحقیق که «مهم ترین ویژگی الگوهای منفی مشارکت سیاسی بانوان در قرآن چیست؟» پاسخ دهیم که اساسی ترین خصوصیت این الگوها، همان مخالفت آگاهانه یا ناآگاهانه با رهبری الهی در قالب های گوناگون از قبیل ارتباط پنهانی با دشمنان، شایعه پردازی و دشمنی آشکار است.

خلاصه فصل

تربیت بانوان در ابعاد اجتماعی شامل سه قسمت تربیت اجتماعی، تربیت اقتصادی و تربیت سیاسی است. تربیت اجتماعی خود مشتمل بر دو زیرمجموعه تربیت خانوادگی و تربیت در زمینه مشارکت اجتماعی است. در تربیت خانوادگی ابتدا به ویژگی های همسر شایسته، همچون ایمان و پرهیز از دنیاطلبی و تجمل گرایی، و سپس به بررسی نقش زن در خانواده از نظر حفظ آرامش، خانه داری، پرهیز از زن سالاری و پاسداری از نظام خانواده پرداختیم. در تربیت در زمینه مشارکت اجتماعی نیز ضمن بحث در مورد اصل جواز چنین مشارکتی برای بانوان، ویژگی های این مشارکت هم چون عفاف در حضور اجتماعی و همبستگی اجتماعی به بحث گذاشته شد.

۱- تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص ۶۶۶ .

در قسـمت تربیت اقتصادی، تلاش اقتصادی بانوان ویژگی های آن از قبیل تناسب با شـرایط جسـمی، رعایت عفاف در فعالیت های اقتصادی، سلامت اقتصادی، هوشمندی اقتصادی و انفاق وخصوصیات آن مورد توجه قرار گرفت.

در تربیت سیاسی نیز به اصل مشارکت سیاسی بانوان و مشارکت سیاسی بانوان در نقش امت پرداخته شده است.

ص: ۲۰۱

بخش پنجم: جایگاه موضوع در رسانه و پیشنهادها

اشاره

زیر فصل ها

جایگاه تربیت الگویی زنان در سیاست گذاری و برنامه ریزی های رسانه

پیشنهادها

نقد عملکرد رسانه

ارایه پیشنهادهای برنامه ای

پرسش های عمومی

پرسش های کارشناسی

ص: ۲۰۲

جایگاه تربیت الگویی زنان در سیاست گذاری و برنامه ریزی های رسانه

همـان طـور که در بخش اول پژوهش حاضـر اشـاره شـد، الگـو نقش بسـیار مهمی در یـادگیری و تربیت دارد و بر این اسـاس متخصـصان رسانه های تبلیغاتی جهانی، ارایه الگوهای مورد نظر خویش را به مخاطبان، سـرلوحه فعالیت های خویش قرار داده و با این شـیوه توانسـته انـد شخصـیت گروه زیادی از جوانان دنیا را بر مبنای الگوهای ارایه شـده، بنا کننـد. با توجه به اسـتفاده گسترده قرآن کریم از این شیوه، ارایه مدل قرآنی تربیت به دختران مسلمان در قالب های جذاب و نوین، همچون فیلم، سریال، کارتون و... نقش بسـیار مؤثری در تأیید و معرفی الگوهای رفتاری درست و نفی الگوهای کاذب ایفا خواهد کرد و آنان را به همانـنـدسازی بـا الگوهـای حقیقی، تشویق و ترغیب می کنـد. بنـابراین، ضـروری است رسـانه های گوناگون و به ویژه صـدا و سیمـا، در سـیاست گـذاری و برنـامه ریزی هـای خود، توجه خاصـی به تربیت الگویی زنـان داشـته و دراین زمینه بیش از پیش سرمایه گذاری کنند.

ص: ۲۰۴

پیشنهادها

اشاره

زیر فصل ها

۱ _ تربیت الگویی جوانان در قرآن کریم

۲ _ اختصاص بخشی از برنامه های تربیتی دختران دانش آموز و دانشجو به تربیت الگویی زنان در قرآن کریم

۳ _ فیلم نامه نویسی در مورد الگوهای معرفی شده

۴ _ برگردان این گونه برنامه ها به زبان های زنده دنیا و عرضه آن به زنان غیر مسلمان

۱ _ تربیت الگویی جوانان در قرآن کریم

با توجه به تأثیر بسیار زیاد الگوها در تشکیل ساختار نگرش ها و گرایش های نوجوانان و جوانان و دسترسی نداشتن آن ها به الگوهای اصیل و ناب فرهنگ اسلامی منطبق با شرایط سنی خود، پیشنهاد می شود فیلم های کوتاه ولی جامع از روی الگوها و جریانات مورد اشاره این پژوهش صورت گرفته و دستاورد آن به بانوان جوانی که با عطش به دنبال الگوی سعادت خود می گردند، تقدیم شود.

از آن جا که «این پژوهش در پی آن است که با تحلیل نگرش ها، گرایش ها و رفتارهای قولی و عملی زنان مورد اشاره در قرآن کریم، الگوی جامع را برای پرورش زنان مسلمان و تبدیل آنان به انسان کامل ترسیم نماید، برای آن که یافته های تحقیق حاضر، به شکل مناسبی در اختیار بانوان جامعه اسلامی قرار گرفته و حتی، امکان استفاده از آن برای همه رده های سنی دختران و زنان فراهم گردد، به دو پیشنهاد کاربردی دیگر در این زمینه اشاره می کنیم.

۲ _ اختصاص بخشی از برنامه های تربیتی دختران دانش آموز و دانشجو به تربیت الگویی زنان در قرآن کریم

در تربیت الگویی، نمونه رفتار و کردار مطلوب به صورت عملی در معرض دید تربیت شونده قرار می گیرد و موجب می شود تا پیروی از رفتار مورد نظر، به آسانی از سوی او انجام شود.

بنابراین، در صورت بروز شرایط مشابه با موقعیت الگو، تربیت شونده

خود را در آن موقعیت احساس کرده و با همانندسازی با الگو، به راحتی به انجام عمل پسندیده اقدام می نماید. پس با توجه به نقش بسیار ممتاز تربیت الگویی، پیشنهاد می شود که برنامه ریزان رسانه حداقل بخشی از محتوای برنامه های گوناگون را به تربیت الگویی زنان در قرآن اختصاص داده و به این وسیله، دختران را با الگوهای تربیتی مورد نظر قرآن کریم آشنا نمایند. در این باره، پیشنهاد می شود ارایه الگوها در برنامه های کودک و نوجوان به شکل مقدماتی و به صورتی جذاب و همراه با داستان مورد نظر و در برنامه های جوانان به شیوه ای عمیق، استدلالی و تحلیلی انجام پذیرد. در این راستا می توان از سوژه های گوناگون این اثر به تناسب موضوع برنامه استفاده کرد.

۳ ـ فیلم نامه نویسی در مورد الگوهای معرفی شده

فیلم پلی است که دنیای افسانه ای و تخیلی کودکان را به دنیای واقعی بزرگسالان ارتباط داده و آنان را به ارزش های اخلاقی راهنمایی می کند.

چون فیلم، عبارت های خشک و بیشتر ذهنی کتاب های درسی را در برندارد، اطلاعات را بهتر و آسان تر در اختیار کودکان قرار داده و آنان را به یادگیری واقعی بر می انگیزاند؛ از این رو، با آگاهی به تأثیر تربیتی فیلم در کودکان و نوجوانان، پیشنهاد می شود که برنامه سازان رسانه، با الهام از سوژه ها الگوهای کاربردی این کتاب، به پردازش فیلم های سازگار با شرایط فرهنگی و اجتماعی دوران حاضر پرداخته و با عرضه آن ها به شکل فیلم و مجموعه های تلویزیونی جذاب و مفید، تربیت دختران را در

راستای همانندسازی با الگوهای قرآنی آسان نماید.

۴ _ برگردان این گونه برنامه ها به زبان های زنده دنیا و عرضه آن به زنان غیر مسلمان

بخش گسترده ای از تربیت الگویی زنان در قرآن از بررسی شخصیت زنانی مربوط به دوره پیش از اسلام به دست آمد. زنانی هم چون همسر ابراهیم علیه السلام، مادر و خواهر موسی، همسر فرعون، ملکه سبا، مادر مریم و مریم صدیقه علیهاالسلام‌مصادیق روشنی از زنان نمونه به شمار می روند که سیره آن ها حتی برای زنان غیرمسلمان بسیار آموزنده است. بنابراین، چنانچه ابعاد برنامه های تربیت الگویی زنان در قرآن کریم به زبان های مختلف برگردان و در دسترس دیگر زنان نیز قرار گیرد، افزون بر آن که آن ها نیز می توانند از الگوهای تربیتی ارایه شده سرمشق گرفته و بر اساس آن ها رفتار نمایند، از آن جا که ستایش فراوان قرآن از چهره های مقدسی همچون مریم علیهاالسلام را مشاهده می کنند، تصویری بسیار مثبت از قرآن و اسلام در پیش روی آنان مجسم شده و زمینه گرایش آن ها به اسلام نیز بیشتر فراهم می گردد. هم چنان که نجاشی، پادشاه یمن باشنیدن نظر قرآن در مورد مریم و عیسی علیهماالسلام از زبان فرستادگان رسول خدا صلی الله علیه و آله، به اسلام تمایل پیدا کرده و سرانجام نیز مسلمان شد.

ص: ۲۰۷

نقد عملکرد رسانه

اشاره

نقـد عملکرد صدا و سـیما از این رو دارای اهمیت است که باعث می شود نقاط قوت آن در ارایه الگوهای پسـندیده تقویت و نقـاط ضـعف آن اصـلاح و بر طرف گردد. به این منظور، در اینجـا به اختصار به بیان نقاط قوت و ضـعف رسانه درباره تربیت الگویی زنان می پردازیم.

نقاط قوت

اشاره

نقاط قوت(۱)

زیر فصل ها

تولید سریال های نمایشی در مورد شخصیت های الگویی زن

پخش سخنرانی ها و مصاحبه های کارشناسان دینی در مورد زنان نمونه به ویژه حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام

مصاحبه با زنان نمونه و موفق

تولید سریال های نمایشی در مورد شخصیت های الگویی زن

در این زمینه می توان به تهیه سریال مریم مقدس علیهاالسلام اشاره کرد که از جذابیت خاصی برخوردار بود و مخاطبان زیادی را با سیمای ارزشمند این بانوی گرانقدر آشنا ساخت.

پخش سخنرانی ها و مصاحبه های کارشناسان دینی در مورد زنان نمونه به ویژه حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام

این گونه برنامه ها که به ویژه در سالگرد هفته زن و مناسـبت های مخصوص زنان از صدا و سیما پخش می شود، تأثیر خاصی در آشـنایی مردم با خصوصـیات الگویی آن بزرگواران داشـته و دارد. هم چنین، تولیـد برنامه های «قرآن و زندگی،» از برنامه های بسیار مثبت صـدا و سـیما ارزیابی می شود که می توانـد در راسـتای همانندسازی زنان جامعه اسـلامی با الگوهای قرآنی نقش مؤثری ایفا کند. با این حال دارد که در قالب و نحوه ارایه مطالب

---

۱ – ۱. مقصود از نقـاط قوت در این جـا، مجموعه برنـامه هـایی است که منـاسب بوده و می توانـد در زمینه هـای گسترده تری

موضوع های دیگر ساخته شوند.

دقت و تنوع بیشتری به عمل آید.

مصاحبه با زنان نمونه و موفق

تهیه گزارش از زندگی زنان موفق و انجام مصاحبه با زنانی که از برجستگی های علمی، اخلاقی، عاطفی، اجتماعی ایثارگری، خدمت رسانی و... برخوردارند. ضمن تجلیل از آنان، باعث تشویق دیگران به الگوپذیری از ایشان گردیده است. مصاحبه های دلنشین با مادران، خواهران و همسران شهدا، خواهران ایثارگر دوران دفاع مقدس و سایر شخصیت های ارزشمند بانوان، در این زمینه بسیار مثبت ارزیابی می شود.

نقاط ضعف

اشاره

با وجود فعالیت های مثبت در زمینه تربیت الگویی در صدا و سیما، این رسانه گرفتار ضعف های چندی است که به آن ها اشاره می شود:

ضعف در معرفی شخصیت های زن در قرآن

هر چند داستان زنان متعددی در قرآن بیان شده که هر یک الگویی برای زنان مسلمان به شمار می روند، ولی متأسفانه تلاش چندانی در راستای آشنا ساختن جوانان با این الگوها صورت نگرفته است. برای نمونه، زوایای زندگی همسر فرعون که اسوه ایمان است، مادر موسی علیه السلام که الگوی تسلیم در برابر خداست، خواهر موسی علیه السلامکه نمونه هوشمندی و درایت است، همسر موسی علیه السلام که اسوه حیا و حسن انتخاب است، ساره که سرمشق خانه داری است نیز برای دختران و زنان جامعه ما ناآشناست، بسیار بجاست که در این زمینه تلاشهای پژوهشی و برنامه ای جدی تری

انجام گیرد.

ضعف در پردازش چهره امروزی زنان الگو

از آن جا که ویژگی های زنان الگو برای متصدیان برنامه ها روشن نیست، نمی توانند در پردازش درست الگوی زن مسلمان موفق شوند. از این روست که در هفته زن و مناسبت های مشابه، گاهی، شخصیت هایی مورد توجه واقع می شوند که تناسب چندانی با الگوهای قرآنی ندارند.

کم توجهی به چهره پردازی زنان مؤثر در تاریخ اسلام و انقلاب

از صدر اسلام تا کنون، زنان بزرگی در جامعه اسلامی ظاهر شده اند که منشأ تأثیرات مهمی بوده اند. شخصیت هایی چون زینب کبری علیهاالسلام و بانوان کربلا و مادران ائمه معصومین علیهم السلام نقش بسیار مهمی در پیشبرد اهداف اسلام داشته اند ولی متأسفانه تلاش شایسته ای برای تبیین نقش آن ها، در فعالیت های هنری رسانه صدا و سیما صورت نگرفته است. زنانی چون حاجیه خانم امین، زنانی که در دفاع مقدس حضور چشم گیر داشتند و نیز همسران شخصیت های بزرگی هم چون امام خمینی رحمه الله، مقام معظم رهبری، شهید مطهری، شهید چمران و... برای مردم ناشناخته مانده است.

توجه صحیح نداشتن به نقش حساس شوهرداری و تربیت فرزند

با این که هم در قرآن کریم و هم در روایات معصومین علیهم السلام نقش زنان در شوهرداری و تربیت فرزند مورد تأکید بسیار قرار گرفته و حتی به جزئی ترین موارد آن ها نیز اشاره شده، با این وجود در بیشتر برنامه های نمایشی سیما که در آن ها نقش زنان درخانواده چشم گیر است، این وظایف نمود چندانی ندارد؛ کودکی، دورانی است که الگوپذیری و

همانندسازی به بهترین صورت در آن شکل می گیرد. اگر داستان بانوان قرآنی به ویژه دوران کودکی آن ها به صورتی جذاب و در قالب انیمیشن و... به کودکان ارایه شود، الگوسازی به گونه ای پسندیده در آنان صورت می پذیرد، اما متأسفانه در این زمینه نیز، کمتر شاهد چنین فعالیت هایی بوده ایم. از این روست که کودکان ما داستان های خیالی و تنها سرگرم کننده تام و جری، پلنگ صورتی و... را از فرط تکرار حفظ شده اند، اما حتی نام بسیاری از شخصیت های الگویی قرآن را نشنیده اند، چه رسد به این که از روش زندگی آن ها الگو بگیرند. از سوی دیگر در برنامه ها نقش یک همسر و یک مادر مسلمان، چندان تفاوتی با نقش مادر و همسر غیرمسلمان ندارد. اگر ما متعهد شویم که در هر فیلم یا سریال، تنها یکی از وظایف همسری و مادری در اسلام را به تصویر بکشیم، پس از مدتی زنان جامعه ما با وظایف همسر و مادر مسلمان آشنا خواهند شد.

ارایه پیشنهادهای برنامه ای

اشاره

زیر فصل ها

۱. تهیه فیلم، سریال و نمایشنامه برای معرفی زنان در قرآن

۲. تهیه فیلم های انیمیشن و ارایه الگوهای قرآنی به وسیله کارتون به کودکان و نوجوانان

۳. ترسیم چهره زن الگو، بر اساس شیوه های رفتاری ارایه شده در تحقیق و تهیه فیلم و سریال درباره آن

۴. انتخاب و معرفی زنان نمونه کشور بر اساس شاخص های زنان الگو در قرآن

۵. برگزاری میزگرد و همایش با حضور کارشناسان در راستای بررسی ابعاد شخصیتی زنان الگو در قرآن

۶. نقد فمینیسم بر اساس الگوهای قرآنی

معرفی مراکز مرتبط با موضوع

۱. تهیه فیلم، سریال و نمایشنامه برای معرفی زنان در قرآن

این پژوهش به اثبات رساند که اسلام، منبعی بسیار پربار برای ارایه الگوهای تربیت، نه فقط برای دختران و زنان مسلمان، که برای دیگر بانوان نیز به شمار می رود. بنابراین، شایسته است که فیلمسازان دلسوز و متعهد، داستان الگوهای مثبت و منفی زیر را که کمتر مورد توجه قرار گرفته، به تصویر درآورند:

ـ داستان همسران حضرت ابراهیم علیه السلام

ـ داستان همسر فرعون

ـ داستان همسر حضرت ابراهیم علیه السلام

ص: ۲۱۱

ـ داستان زلیخا و زنان مصر

ـ داستان همسر حضرت نوح علیه السلام

ـ داستان مادران ائمه معصومین علیهم السلام و به ویژه مادر امام عصر عج الله تعالی فرجه الشریف که داستان تشرف ایشان به اسلام و ازدواج با امام حسن عسگری علیه السلام، دارای نکات بسیار ارزشمند تربیتی برای افراد جامعه است.

ـ داستان خواهران ائمه، به ویژه حضرت زینب علیهاالسلام، حضرت معصومه علیهاالسلام و حضرت حکیمه علیهاالسلام.

۲. تهیه فیلم های انیمیشن و ارایه الگوهای قرآنی به وسیله کارتون به کودکان و نوجوانان

با توجه به علاقه فراوان کودکان و نوجوانان به تماشای کارتون، بسیار مناسب است که نقاط حساس زندگی زنان الگو در قرآن که از نظر تربیتی تأثیر گذار است، به صورت انیمیشن به تصویر کشیده شده و به نسل کودک و نوجوان ارایه گردد. طبیعتا نمایش عبادت مریم مقدس علیهاالسلام، فراست و هوشمندی خواهر موسی علیه السلام و... در دوران کودکی تأثیر زیادی در شناسایی الگوهای قرآنی و تأسی به آن ها، به جای خواهد گذاشت.

۳. ترسیم چهره زن الگو، بر اساس شیوه های رفتاری ارایه شده در تحقیق و تهیه فیلم و سریال درباره آن

بر اساس شاخص های ارایه شده در تحقیق، می توان سیمای زن الگو را در ابعاد مختلف، متناسب با شرایط جامعه امروزی، در قالب فیلم نامه های جذاب به تصویر کشید.

برای نمونه، می توان زن الگویی را به تصویر کشید که از بعد اعتقادی

و عبادی در اوج قرار دارد و از نظر اخلاقی نیز به رعایت جزئیات مسایل اخلاقی از جمله حدود و حریم ها در روابط زن و مرد پایبنـد است؛ ضـمن آن که نقش مـادری و همسـری را در خانواده به خوبی انجام می دهـد، از بینش سیاسـی و بصـیرت بالایی برخوردار و در مدیریت خویش نیز شاخص های یک مدیر موفق و توانا را داراست.

هم چنان که می توان نقش الگویی زن را در یکی از ابعاد بیان شـده، برجسـته تر ساخت و توجه بانوان را به الگوپذیری از این بعد شخصیتی زن مورد نظر، جلب کرد.

۴. انتخاب و معرفی زنان نمونه کشور بر اساس شاخص های زنان الگو در قرآن

همچنـان که اشـاره شـد، گزینش زنان نمونه درجامعه ما از مبنای صـحیحی برخوردار نیست؛ از این رو، در معرفی زنان نمونه، شاهـد عـدم هماهنگی افراد معرفی شـده با شاخص های زن الگو در قرآن هستیم. برای مثال، در گزینش کارمنـد زن نمونه، به وجدان کاری، انضـباط اجتماعی و ابتکار و خلاقیت فرد توجه می کنیم. در حالی که قرآن کریم در معرفی زن نمونه در زمینه کار، مسـئله توجه به حلال و حرام و رعایت عفاف در برخورد با نامحرم را نیز مد نظر قرار می دهد، بنابراین، بسـیار به جاسـت که زنان موفق و منطبق با الگوهای قرآنی در ابعاد مختلف، شـناسایی و به مردم معرفی شوند. صدا و سیما می تواند همان گونه که فرهیختگـان، هنرمنـدان و ورزشـکاران و... یـک سـال را معرفی و در مراسـمی از آنـان تجلیل می کنـد، زنان نمونه از ابعاد مختلف را که باشاخص های قرآنی هماهنگی دارند نیز

معرفی و ازآنان تجلیل نماید و برای سایر زنان و دختران الگوسازی کند.

۵. برگزاری میزگرد و همایش با حضور کارشناسان در راستای بررسی ابعاد شخصیتی زنان الگو در قرآن

پرداختن به سئوالاتی مانند سئوالات تخصصی که در پی می آید و بررسی و موشکافی جوانب مختلف آن ها در این جلسات، نقش بسیار مؤثری در بالا بردن سطح تربیت دختران و زنان جامعه خواهد داشت.

۶. نقد فمینیسم بر اساس الگوهای قرآنی

با توجه به رشد ابتدایی فمینیسم در جوامع مسیحی، ارایه الگوهای قرآنی که بیشتر مربوط به پیش از اسلام بوده اند، نقش خاصی در ابطال مبانی فمینیسم بر اساس شخصیت های مورد قبول مسیحیان خواهد داشت.

معرفی مراکز مرتبط با موضوع

۱ـ مرکز فرهنگ و معارف قرآن ـ تلفن ۷۷۴۲۱۵۰ ـ ۰۲۵۱

۲ـ مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن ـ تلفن: ۶۹۴۶۳۶۳ ـ ۰۲۱

۳ـ شورای فرهنگی ـ اجتماعی بانوان

۴ـ مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران ـ تلفن: ۷۷۴۰۹۴۵ ـ ۰۲۵۱

۵ـ دفتر تحقیقات و مطالعات زنان تلفن: ۷۷۴۱۱۱۳ ـ ۰۲۵۱

۶ـ دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم ـ تلفن: ۷۷۳۸۷۴۳، ۷۷۳۳۳۰۵ ـ ۰۲۵۱

۷ـ جامعه الزهرا ـ تلفن: ۲۹۲۵۱۱۱ ـ ۰۲۵۱

پرسش های عمومی

۱ــ چرا بسیاری از قصه ها در قرآن کریم به صورت مکرر بیان شده است؟

۲ــ در بیان داستان حضرت یوسف علیه السلام، خداوند پس از اشاره به ویژگی های اخلاقی منفی زلیخا، به یکی از گفتارهای مطلوب او توجه می دهد. آن کدام گفتار است و در چه آیه ای از سوره یوسف آمده است؟

۳ــ کدام یک از بانوان در قرآن کریم، به عنوان اسوه مقاومت در راستای حفظ ایمان معرفی شده است؟

۴ــ این که مادر موسی علیه السلام با تسلیم در برابر الهام الهی، فرزند خود را به آب نیل افکند، با شیوه کدام یک از انبیاء قابل مقایسه است؟

۵ــ چه زنانی از نظر قرآن، الگوی مردم کافر به شمار آمده اند؟

۶ــ بر اساس داستان زنان در قرآن، آثار سوء گناه و نافرمانی الهی چیست؟

۷ــ با توجه به داستان حضرت یوسف علیه السلام، نگاه آلوده چه پیامدهایی را به دنبال می آورد؟

۸ــ ارتباط زیاد با نامحرم چه تبعاتی را به وجود می آورد؟

۹ــ آزادی در برقراری روابط جنسی چه مشکلی را برای جوامع به وجود می آورد؟

۱۰ــ چه آثار مثبتی در عفت ورزی بانوان وجود دارد؟

۱۱ــ در قرآن کریم، کدام یک از بانوان به عنوان اسوه عفاف معرفی شده است؟

۱۲ــ از داستان کدام یک از بانوان قرآنی، اهمیت عفاف در فعالیت های اقتصادی بانوان استفاده می شود؟

ص: ۲۱۵

۱۳ــ ویژگی های همسر شایسته ازدیدگاه قرآن کریم چیست؟

۱۴ــ با بررسی داستان زنان در قرآن، نقش زنان در خانواده چیست؟

پرسش های کارشناسی

۱ــ حضور حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام در ماجرای مباهله، نشانگر کدام یک از ویژگی های آن حضرت است؟

۲ــ در سوره انبیاء آیه ۹۰ چه عواملی باعث اجابت دعای حضرت زکریا علیه السلامو فرزنددار شدن او معرفی شده است؟

۳ــ بر اساس الگوهای قرآنی، بانوان چه آدابی را در دعا رعایت کرده اند؟

۴ــ پسندیده بودن شرکت بانوان در عبادت های جمعی همچون نماز جماعت، از کدام آیه قرآن برداشت می شود؟

۵ــ بر اساس داستان «افک» در سوره نور، وظیفه مؤمنان در برابر تهمت های ناروا در امور جنسی چیست؟

۶ــ بر اساس الگوهای قرآنی، محدوده معاشرت زنان با مردان نامحرم چیست؟

۷ــ بر اساس الگوهای قرآنی، مادران برای تربیت جسمی فرزند، چه نکاتی را پیش و پس از ولادت فرزند باید رعایت کنند؟

۸ــ مادران نمونه قرآنی برای تربیت معنوی فرزند، چه راهکارهایی را اتخاذ کرده اند؟

۹ــ انتخاب نام خوب برای فرزند، چه تأثیری بر آینده او خواهد گذاشت؟

ص: ۲۱۶

آیا نام گذاری، باعث ایجاد اثر تکوینی در افراد می شود؟

۱۰_ مراد از کفویت همسران، هم شأنی در ایمان است یا در منزلت اجتماعی و اقتصادی؟

۱۱_ آیا از نظر قرآن کریم، پیشنهاد ازدواج به پسر از سوی پدر دختر رواست؟ کدام آیه شاهد این مطلب است؟

۱۲_ آیا تعیین شیربها در عقد ازدواج جایز است؟ این که حضرت شعیب علیه السلام، ازدواج موسی علیه السلام با دخترش را در برابر کارکردن موسی علیه السلام برای خود قرار داد، چگونه قابل توجیه است؟

۱۳_ در کدام داستان قرآنی، به ویژگی مهارت و سرعت در آشپزی زن اشاره شده است؟

۱۴_ از دیدگاه قرآن کریم، زنان با چه نوع از فعالیت های اقتصادی سنخیت ندارند؟

۱۵_ قرآن کریم، اصلی ترین مشخصات الگوهای منفی زنان را چه اموری معرفی می کند؟

۱۶_ فراست و هوشمندی سیاسی چه زنانی در قرآن کریم مورد تمجید قرار گرفته است؟

۱۷_ با توجه به الگوهای قرآنی، زنان به عنوان عضوی از امت، چه نقش های سیاسی را در جامعه می توانند ایفا کنند؟

۱۸_ عامل خسران و عذاب برخی از زنان پیامبر همچون همسر نوح علیه السلام و همسر لوط علیه السلام چه بوده است؟

ص: ۲۱۷

کتاب نامه

* قرآن کریم

* نهج البلاغه صبحی صالح. قم، انتشارات الهجره.

۱ـ آقا بخشی، علی؛ فرهنگ علوم سیاسی، با همکاری: مینو افشاری راد. تهران، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۷۴.

۲ـ الآلوسی البغدادی، شهاب الدین محمود؛ روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ ق.

۳ـ ابراهیم هلال، ابراهیم؛ من بطولات المرئه فی القرآن الکریم، مکتبه النحصضه المصریه، ۱۴۰۶ ق.

۴ـ ابن فارس، احمد؛ معجم مقایس اللغه، تحقیق و ضبط. عبدالسلام محمد هارون، قم، مرکز نشر دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴ ق.

۵ـ ابن منظور، محمدبن مکرم؛ لسان العرب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق.

۶ـ ابوالفتوح رازی، حسین؛ تفسیر ابوالفتوح رازی، تهران، چاپخانه محمد حسن علمی، ۱۳۳۴.

۷ـ ابی حیان الاندلسی، محمد؛ تفسیر البحرالمحیط، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۳ق.

ص: ۲۱۸

۸ـ امین، نصرت بیگم؛ مخزن العرفان در تفسیر قرآن مجید، اصفهان چاپ نشاط.

۹ـ البرحانی، هاشم؛ البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، چاپخانه آفتاب.

۱۰ـ پورافکاری، نصرت اللّه ؛ فرهنگ جامع روان شناسی ـ روان پزشکی، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۷۳.

۱۱ـ جوادی آملی، عبداللّه ؛ زن در آیینه جلال و جمال، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۷۴.

۱۲ـ حر عاملی، محمد؛ وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، ۱۴۰۹ ق.

۱۳ـ حسکانی، عبیداللّه ؛ شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تحقیق و تعلیق: الشیخ محمدباقر المحمودی، تهران، مؤسسه الطبع و النشر التابعه لوزاره الثقافه و الارشاد الاسلامی، ۱۴۱۱ ق.

۱۴ـ خلیلیان، سید خلیل؛ سیمای زنان در قرآن و زنان بزرگ در صدر اسلام، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۵۹.

۱۵ـ دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.

۱۶ـ الرازی، فخرالدین محمد؛ التفسیر الکبیر، بیروت دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ ق.

۱۷ـ الراغب الاصفهانی، حسین؛ المفردات فی غریب القرآن، دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴ ق.

۱۸ـ رضا، محمد رشید؛ تفسیر القرآن الحکیم، الشهیر بتفسیر المنار، بیروت

ص: ۲۱۹

دارالمعرفه.

۱۹_ الری شهری، محمد؛ میزان الحکمه، قم دارالحدیث، ۱۳۷۵.

۲۰_ الزمخشری، محمود؛ الکشاف عن حقائق التنزیل، بیروت دارالکتاب العربی، ۱۹۸۷ م.

۲۱_ شعاری نژاد، علی اکبر؛ فرهنگ علوم رفتاری، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۵.

۲۲_ صدوق، ابی جعفر محمد؛ من لایحضره الفقیه، صححه و علق علیه: علی اکبر الغفاری، قم، منشورات جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه، ۱۴۰۴ ق.

۲۳_ صلیبا، جمیل؛ واژه نامه فلسفه و علوم اجتماعی، ترجمه: کاظم برگ نیسی و صادق سجادی، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۰.

۲۴_ طباطبایی، سید محمدحسین؛ تفسیر المیزان، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

۲۵_ طبرسی، ابی علی الفضل؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۶ ق.

۲۶_ طنطاوی جوهری، الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم، مصر، مطبعه مصطفی البابی و اولاده، ۱۳۵۰ ق.

۲۷_ العروسی الحویزی، عبدعلی؛ تفسیر نورالثقلین، صححه و علق علیه: السید هاشم الرسولی المحلاتی، قم، مطبعه الحکمه.

۲۸_ قرائتی، محسن؛ تفسیر نور، قم، مؤسسه در راه حق، ۱۳۷۴.

۲۹_ القرطبی، محمدبن احمد؛ الجامع لاحکام القرآن، بیروت، داراحیاء

التراث العربی، ۱۹۶۷ _ ۱۹۶۵م.

۳۰_ قطب، سید؛ فی ظلال القرآن، بیروت، دارالشروق، ۱۴۱۵ ق.

۳۱_ القمی، علی بن ابراهیم؛ تفسیر القمی، صححه و علق علیه و قدم له طیب الموسوی الجزایری، قم مؤسسه دارالکتابه، ۱۴۰۴ ق.

۳۲_ گرجی، منیر؛ نگرش قرآن بر حضور زن در تاریخ انبیاء، شرح و بسط، زهرا امی،تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶.

۳۳_ مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار، بیروت، الوفاء، ۱۴۰۳ ق.

۳۴_ مصباح یزدی، محمدتقی؛ معارف قرآن، قم، مؤسسه در راه حق، ۱۳۶۸.

۳۵_ مطهری، مرتضی؛ آشنایی با قرآن، جلد ۴: تفسیر سوره نور، قم، صدرا، ۱۳۶۹ _ ۱۳۶۸.

۳۶_ مطهری مرتضی؛ اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، تهران، صدرا، ۱۳۶۸.

۳۷_ مطهری، مرتضی؛ «زن و سیاست»، ماهنامه پیام زن ۳، (خرداد ۱۳۷۱)، ۱۵ _ ۱۰.

۳۸_ مطهری، مرتضی؛ نظام حقوق زن در اسلام، تهران، صدرا، ۱۳۷۴.

۳۹_ معلوف، لویس؛ المنجد فی اللغه، تهران، انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۶۲

۴۰_ مکارم شیرازی، ناصر؛ با همکاری جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، تهران دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲.

۴۱_ موسوی خمینی، سید روح اللّه ؛ آداب الصلوه، تهران مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۰.

ص: ۲۲۱

۴۲_ موسوی خمینی، سید روح اللّه ؛ تحریر الوسیله، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.

۴۳_ موسوی خمینی، سـید روح اللّه ؛ رسـاله توضـیح المسائـل، تهران، وزارت فرهنـگ و ارشـاد اسـلامی، سازمـان چـاپ و انتشارات، ۱۳۷۲.

۴۴_ موسوی خمینی، سید روح اللّه ؛ صحیفه نور، تهران، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹ _ ۱۳۶۱.

۴۵_ موگهی، عبدالرحیم؛ سیمای زن، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳.

۴۶_ میبدی، ابوالفضل؛ کشف الاسـرار وعده الابرار، به سـعی و اهتمام: علی اصـغر حکمت، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱.

۴۷_ هاشـمی رفسـنجانی، اکبر و جمعی از محققـان مرکز فرهنـگ و معـارف قرآن، تفسـیر راهنما، قم، تبلیغات اسـلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۱.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹